اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۰۲ دوره سوم دوشنبه ۱۸ آبان ماه ۱۳۶۰ برابر با ۱۲ محرم ۱۴۰۲ و ۹ نوامبر ۱۹۸۱ بها ۲۵ ریال

خطر آمریکا جدی است!

روز ۹ آبان ۶۰ در برخی از روز نامه‌ها خبری منتشر شد مبنی بر اینکه "پراودا"، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، مقاله‌ای در افشاء و در مخالفت و اعتراض به سخنان الکساندر هیگ وزیر خارجه آمریکا، درباره ایران انتشار داده است. الکساندر هیگ، در مصاحبه‌ای، اخیرا مجددا گفته بود که:

"دولت آمریکا سیاست‌هائی را تعقیب میکند که منجر به روی کار آمدن رژیم میانه‌روئی در تهران شود، که با منافع و ارزشهای امریکا سازگار باشد."

"پراودا" در مقاله‌ای زیر عنوان "طبق قانون جنگل" نوشت که این سخنان "تنها دلتنگی برای گذشته نیست، بلکه مداخلهٔ آشکار در امور داخلی یک کشور دارای حق حاکمیت است" و نشان می دهد که "واشنگتن هنوز نمی خواهد اوضاع جدید بین المللی را بپذیرد."

خبر مذکور در برخی روزنامه‌های کثیر الانتشار تهران درج شد، ولی متاسفانه تفسیری تحلیلی، سخنی درباره آن نوشته و گفته نشد،

بقیه در صفحه ۲

ریشهٔ تروریسم

با فراهم شدن زمینهٔ فعالیت آزاد سیاسی می خشکد

در صفحه ۲

حسین بن علی، تندیس شکوهمند نبرد با بیدادگری؛

در صفحه ۹

پیام رئیس جمهور، انعکاس عزم مردم به مبارزهٔ با آمریکا تا به آخر

حجت الاسلام علی خامنه‌ای دوشنبه هفته گذشته در نخستین پیام به عنوان رئیس جمهور، نقطه نظرها و برداشت‌های خود را در مسایل اقتصادی، سیاسی و نظامی، با مردم درمیان گذاشت. در این پیام به تاکید رئیس جمهور گرچه به دلیل کوتاهی فرصت، بسیاری از مسایل اساسی کشور، بویژه مسائل اقتصادی بطور فشرده وخلاصه برگزار شد، اما همین مختصر، حاوی دیدگاه‌های عمومی عالیترین مقام اجرائی کشور در امور کلیدی، گره‌ها و راه گشایش آنها بود. رئیس جمهور در پیام خود به مردم به درستی روی این نکته انگشت گذاشت که بسیاری از مشکلات و نارسائیهای موجود محصول طبیعی انقلاب و بهائی است که مردم در راه استقلال و احراز حاکمیت خود، ناگزیر به پرداخت آن هستند. رئیس جمهور گفت: "ما میتوانستیم در مقابل امریکا مقاومت

بقیه در صفحه ۸

جبههٔ ضد امپریالیستی ـ ضد صهیونیستی را فراموش نکنید!

بعد از آنکه آقای حسین موسوی نخست وزیر (هنگامیکه وزیر امور خارجه بود) از سفر به کنفرانس سران جبهه پایداری بازگشت، اعلام کرد که کشورهای عضو این جبهه با تشکیل جبههٔ اسلامی ضد امپریالیستی ـ ضد صهیونیستی در منطقه موافقت کرده اند و بزودی خبر ـ های خوشی در این زمینه منتشر خواهد شد.

اکنون، بعد از گذشت نزدیک به دوماه، چندان در انتشار خبرهای خوشی

بقیه در صفحه ۴

دولت جدید در برابر وظایف خطیر و تأخیر ناپذیر

نخست وزیر جدید، آقای میر حسین موسوی، با رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی و تأیید رئیس جمهور، کار خود را رسما آغاز کرد و اعضای کابینه خود را معرفی نمود.

آقای موسوی در نخستین سخنرانی خود بعنوان نخست وزیر، قبل از خطبه ـ های نماز جمعه ۸ آبان ۶۰، تاکید کرد که: "خط اقتصادی دولت، خط حمایت از مستضعفین است."

نخست وزیر همچنین در مراسم معرفی اعضای کابینه در مجلس شورای اسلامی و در توضیح برنامه‌های دولت خود، تصریح کرد که: "استقلال اقتصادی وحمایت از مستضعفان و برگشت به آن اصول قانون اساسی که تاکنون گامی در جهت اجرای آنها برداشته نشده، خط اصلی وجزو اهداف این برنامه خواهد بود"

حمایت از مستضعفین وظیفه اساسی، عاجل و تاخیر ناپذیر

شکست توطئه ضد انقلابی باند بنی صدر و عزل بنی صدر، بیش از ۴ ماه میگذرد. از سه دولتی که پس از شکست این توطئه خطرناک، به روی کار آمدند، دو رئیس دولت به شهادت رسیده اند.

دولت‌های سه گانه پیشین، که به قول امام با طرد مانعی فلج کننده، دیگر عذری نداشته، بر ضرورت انجام اقدامات جدی بسود مستضعفین و محرومان تاکید داشتند. اما متاسفانه این اقدامات هنوز به مرحلهٔ عمل در ـ نیامده است. دلیل این امر را بویژه

بقیه در صفحه ۱۰

وظیفهٔ انقلابی و مهمی که در لحظهٔ حاضر بر دوش نمایندگان متعهد و انقلابی مجلس شورای اسلامی قرار دارد:

محو سیستم بزرگ مالکی از طریق تصویب قاطعانهٔ بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی

انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما برهبری امام خمینی، اکنون برغم توطئه‌های امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا، رژیم‌های مرتجع منطقه و پایگاه‌ها و ایادی داخلی آنها، چون کلان سرمایه‌داران، بزرگ مالکان، ساواکی‌ها، گروهکهای "سیا" ساخته و ...، برغم کمبودها و معضلات گوناگون، نارسائی‌ها، قشریگری ها و ندانم ـ کاری‌های زیان آور، گام در جاده پیشرفت وترقی اجتماعی می نهد و در عین حال جهت برآوردن وتثبیت هدفهای والای انقلاب و دستاوردهای باشکوه آن، مراحل پردشواری را از سر میگذراند.

توطئه‌ها و اقدامات خرابکارانهٔ آمریکا و ایادی مزدورش هرچند تاکنون توانسته در برخی جهات، مشکلاتی چند بوجود آورد، تا حرکت چرخ انقلاب را کند سازد، اما قادر نبوده سمتگیری حیاتی وعمده آنرا سد کند، زیرا که این خصلت پویایی، از جان انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران می زاید. انقلاب همواره درصدد است که تحقق بخشیدن به آماجها و هدفهای اولین خود را، همانطور که در ابتدای پیروزی به توده‌های زحمتکش بشارت داده بود، پیگیری کند.

توده‌های زحمتکش میلیونی شهری و روستائی، که درطی سالهای سیاه و خفقان آور حاکمیت رژیم شاهنشاهی ـ ساواکی قربانی سیاستهای خائنانه و امپریالیسم پسندانه رژیم طاغوت شده بودند و فقر مادی و معنوی در کلیه شئونات زندگانی آنها بصورت وحشتناک و فلاکتبار ریشه دوانیده بود، با جان و دل وآگاهی کامل، برای پایان بخشیدن به

بقیه در صفحه ۶

دروغ بزرگ واشنگتن

دولت ریگان با به راه انداختن دور جدید مسابقه تسلیحاتی میخواهد به خیال خود، تعادل نیروها را برهم زند و به برتری نظامی آمریکا، به عنوان یکتکیه گاه برای سیاست " از موضع قدرت "، به منظور حفظ و ادامه غارتگری امپریالیسم آمریکا، نایل شود. ولی امپریالیسم آمریکا، که به این هدف شوم نخواهد رسید، با به راه انداختن دور جدید مسابقه تسلیحاتی، صلح جهانی و امنیت خلق‌ها را در معرض خطری به مراتب جدی‌تر و بیشتر از گذشته قرار داده است. در همان حال محافل جنگ طلب و تجاوزکار امریکا برای تبرئه خط مشی مسابقه تسلیحاتی خود در انظار ملت‌ها، بازهم به دروغ کهنه "خطر جنگ از ناحیهٔ شوروی" متوسل شده اند.

روزنامه "پراودا" ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، در بیان این خطر و افشاء این دروغ، مقاله جالب و مهمی انتشار داده، که ترجمه آن در زیر ـ به نقل از خبرگزاری مطبوعاتی "نووستی" ـ ۴ آبان ماه ۱۳۶۰ ـ به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

بقیه در صفحه ۳

پیروزی اوپک، شکست جدیدی برای امپریالیسم

اجلاسیهٔ فوق العادهٔ "اوپک"، "سازمان کشورهای صادرکننده نفت" در ژنو، این بار درشرایط ویژه‌ای تشکیل شد. اختلاف بر سرتعیین قیمت پایه فروش نفت از ۳۰ ماه به این طرف این سازمان را بخود مشغول داشته است. یادآوری کنیم، که این دوران مصادف است با دوران پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، انقلاب درکشور ما ضربهٔ قاطع و شکننده‌ای به تسلط امپریالیسم وانحصارات بین ـ المللی بر ذخایر و صنایع نفت کشور ـ های نفت خیز در حال رشد وارد آورد.

دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی سعی داشتند با ایجاد اختلاف بر سر قیمت پایه فروش نفت به تلاشی "اوپک" نائل آیند. از نظر آنها این امری بود، که می توانست تا حدی زیان عظیم آنان را از قبل پیروزی انقلاب در ایران، ومحو تسلط یکی از مقتدرترین اتحادیه‌های جهانی کنسر ـ سیوم بین المللی نفت جبران نماید.

به منظور نیل به هدف فوق، همهٔ اهرمهای امپریالیستی علیه سازمان کشورهای صادرکننده نفت بکار گرفته شد. ایجاد ذخایر بیش از مصرف نفت در کشورهای پیشرفته سرمایه داری غرب، بویژه در آمریکا، تلاش به منظور صرفه ـ جویی در مصرف این فرآورده، تکیه برخیانت دولت عربستان سعودی در عرضه بیش از پیش نفت به بازار جهانی با بهای نازل، ـ همه اینها به منظور متلاشی ساختن "اوپک" مورد استفاده قرار گرفت.

توطئه تجاوز نظامی صدام به

بقیه در صفحه ۶

شعار میلیونی دانش آموزان در ۱۳ آبان:

معلّم، محصل، پیوند با خمینی، نبرد با آمریکا



حجت الاسلام خوئینی ها در مراسم ۱۳ آبان: "در رأس همهٔ مخالفان امام خمینی آمریکا قرار دارد"

دومین سالگشت اشغال لانهٔ جاسوسی آمریکا، سالروز تبعید امام خمینی و کشتار دانش آموزان توسط مزدوران آمریکا در دانشگاه تهران، بعد ازظهر چهارشنبه گذشته طی مراسم با شکوهی در برابر لانه جاسوسی آمریکا برگزار شد.

بقیه در صفحه ۱

اتحاد مردم
شماره ۱۰۲ دوره سوم دوشنبه ۱۸ آبان ماه ۱۳۶۰

خطر آمریکا ...

بقیه از صفحهٔ ۱

وحال آنکه خبرمهم ، بسیارمهم ، از دو لحاظ مهم است :

یکی از این لحاظ که نشان می دهد آمریکا همچنان ایران را می خواهد ، "سیاستهائی" را تعقیب می کند که انقلاب وجمهوری اسلامی ایران را بشکند و رژیمی در ایران برسرکار بیاورد که حافظ "منافع آمریکا" و "سازگار با ارزش های آمریکایی" باشد .

دوم از این لحاظ که اتحاد شوروی این "سیاستهای" آمریکا را مبتنی بر "قانون جنگل" می داند ، آنرا "مداخله آشکار در امور داخلی ایران ــ" کشوری دارای حق حاکمیت" می داند ، با آن مخالف وبدان معترض است ، آنرا از موضع احترام به استقلال ایران و از موضع حمایت از انقلاب ایران مورد ارزیابی قرارمی دهد ، و معتقد است که با این سیاست ــ های مداخله گرانه ، " واشنگتن هنوز نمی خواهد اوضاع جدید بین المللی را بپذیرد " .

بعبارت ساده تر ، خبر مذکور بیانگر این واقعیت است که آمریکا همچنان دشمن بزرگ انقلاب واستقلال کشور ما و اتحاد شوروی دوست بزرگ انقلاب واستقلال کشور ماست . درک این واقعیت نه فقط دارای اهمیت سیاسی ، بلکه وظیفهٔ انقلابی است .

چندی پیش حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، بعنوان امام جمعه موقت تهران ، در خطبه نماز جمعه ، خطاب به مردم اظهار داشت که : "مطمئن باشید آمریکا توطئه های دیگری نیز علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران خواهد چید". این سخنی است درست و دارای محتوای واقعی . اعلام خطری است که لحظه ای نباید فراموش کرد ، لحظه ای نباید بدان کم بها داد و درعمل لحظه ای نباید از تدارکات لازم برای مقابله با توطئه های جدید آمریکا وعقیم کردن وشکستن آنها غافل بود . مسئله برسر سرنوشت انقلاب است .

تاکنون آمریکا همه گونه توطئه برای شکستن انقلاب ما ، به مرحله اجراء گذارده است . در آینده باید منتظر کدام توطئه جدید آمریکا بود ؟

تاکنون آمریکا توطئه هایی از قبیل "جاسازی "لیبرالها درحکومت (دولت موقت و ریاست جمهوری بنی صدر) حمله مستقیم نظامی (طبس) ، جنگ داخلی (کردستان) ، کودتای نظامی (نوژه) ، محاصرهٔ اقتصادی ، حملهٔ نظامی ازخارج (صدام) ، تروریسم (به وسیلهٔ ساواکیها ، سلطنت طلبان وگروههای چپ رو) ، ایجاد اختلاف ونفاق بین نیروهای انقلابی ، استتار گروههای ضدانقلابی باپوشش "اسلامی از نوع "خلق مسلمانیها" ، سازماندهی و بهره برداری از خرابکاری های "مارکسیستهای" ضدمارکسیسم وضدانقلابی ومائوئیستهای تازه مسلمان ، گرانی مصنوعی و . . . خلاصه توطئه ای نبوده است که آمریکا برای شکستن انقلاب ما به کارنبرده باشد . درآینده کدام توطئهٔ جدیدی رامی تواند به کارگیرد ؟

پاسخ این سئوال را بطوردقیق ومشخص فعلا نمی توان داد ، امایافتن پاسخ آن بطور کلی ممکن و لازم است .

یک نظر کلی به مجموعهٔ تدارکات نظامی آمریکا درخاورمیانه ودراطراف ایران : تسلیح عربستان سعودی به آواکس و دیگرسلاحهای مدرن ، گسیل "مستشاران نظامی" به این کشور ، ایجاد پایگاههای نظامی وانبارهای اسلحه و مهمات در عربستان سعودی برای نیروهای "واکنش سریع" ، گسترش وتقویت پایگاه های نظامی درعمان ، تقویت حضورنظامی در بحرین ، تسلیح معجل پاکستان ، افزایش فروش اسلحه به ترکیه ، تسلیح مصر و تقویت حضور نظامی در این کشور ، تسلیح سودان همراه باگسیل ماموران پنتاگون به این کشور ، استقرار یکانهای نظامی درصحرای سینا ، تقویت پایگاه نظامی در دیه گوگارسیا و استقرار ناو گروه بزرگی متشکل از ده ها فروند ناوجنگی از انواع مختلف در خلیج فارس و دریای عمان ــ در یک کلام اشغال نظامی بخش بزرگی از منطقه وکشورهای اطراف ایران ، بوضوح نشان می دهد که آمریکا ، ضمن کوشش درادامه جنگ تجاوزی صدام ، ضمن کوشش درادامه "تروریسم سیاسی" ، ضمن کوشش درتقویت "تروریسم اقتصادی" وضمن کوشش در ایجاد وتشدید نفاق بین نیروهای انقلابی ایران تا حد خصومت و درگیری ها ، درکار تدارک یک حمله نظامی دیگری (یا مستقیم ویا توسط دولت های دست نشاندهٔ خود و یا توسط ضدانقلاب فراری مسلح مقیم کشورهای دست نشانده) علیه ایران است . درست است که وضع بین المللی چنان نیست که آمریکا به آسانی بتواند دست به چنین ماجراجویی خطرناکی بزند . ولی آمریکا ، آمریکا است . دولت امپریالیستی هاری است که فیدل کاسترو بدرستی آن را از همه لحاظ دولتی "فاشیست" ارزیابی کرده است . ماجراجویی ازخصوصیات دولت امپریالیستی فاشیست آمریکا است . به عبارت دیگر ، ابدا نمی توان اطمینان داشت که آمریکا برای بازپس گرفتن ایران دست به ماجراجوئی نظامی نزند ، بلکه خردسیاسی واحتیاط انقلابی باید رهنمون توجه به این حالت جنون آمیز کنونی امپریالیسم آمریکا باشد که : واشنگتن هنوز نمی خواهد اوضاع جدید بین المللی را بپذیرد .

پس باید برای مقابله ودرهم شکستن یک تهاجم نظامی جدید آمریکا (یا تهاجم نظامی مستقیم ویا تهاجم نظامی دیگری از نوع تهاجم صدامی ویا تهاجم نظامی توسط ضد انقلاب فراری مسلح مقیم کشورهای دست نشانده) آماده شد و از هرحیث آماده شد ، چه از لحاظ نظامی (نیرو ، تسلیحات وتدارکات و غیره) ، چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ بسیج افکار عمومی .

یکی از تحلیل گران معروف آمریکا به نام "السبرگ" ، که در دوران تجاوز آمریکا به ویتنام ، با این تجاوز مخالف بود وسرنوشت آنرا شکست محتوم پیش بینی کرده بود ، اخیرا درمصاحبه ای اظهار داشته است که ، سیاست نظامیگری آمریکا براساس این اندیشه تدوین شده که ، به ناچار باید بسوی درگیری های جدیدی حرکت کرد ، یعنی باید جنبش های رهائی بخش را با اسلحه وتهاجم نظامی سرکوب کرد ومناطق از دست رفته را باید با نیروی مسلح بازپس گرفت ، و برای رسیدن به این مقصود ، حتی اگر لازم آید ، باید به جنگ های هسته ای محلی با بکار بردن بمب نوترونی ، که "دشمن" را نابود ، ولی منابع مادی را حفظ می کند ، توسل جست .

آنچه مسلم است ، این واقعیت است که ، آمریکا نه امروز ، نه فردا و نه هیچگاه دست از سرما برنخواهد داشت . ایران لقمه ای نیست که امپریالیسم هار ، سلطه گر ، غارتگر و جنایتکار آمریکا از آن صرفنظرکند . کوبا ، ویتنام ، آنگولا موزامبیک ، اتیوپی ، لیبی ، سوریه . . . هیچ کشوری نیست که زنجیراسارت سلطه امپریالیسم راگسسته باشد ودرمعرض خطر دائمی امپر یالیسم یانکی قرارنداشته باشد . ۵ سال ، ۱۰ سال ، ۲۰ سال از انقلاب های رهائی بخش هریک از کشور ــ های ازبندرسته می گذرد ولی هنوز همهٔ آنها در معرض تهاجم نظامی بیواسطه یا با واسطــــ امپریالیسم به سرکردگی آمریکا هستند .

اهمیت ایران برای آمریکا ــ سردمدار امپریالیسم جهانی ــ از همه دیگر کشورهای از بندرسته ۲۰ سال اخیر بیشتراست ، هم از لحاظ موقعیت استراتژیک درمنطقه ، هم از لحاظ ثروت های عظیم طبیعی غارت شدنی ، هم از لحاظ همسایگی با اتحاد شوروی ، هم از لحاظ جمعیت نزدیک به ۴۰ میلیونی ، یعنی نیروی کار ارزان وبازاربزرگی برای فروش کالا و صدور سرمایه .

امپریالیسم آمریکا تا باقی است ، چشم طمع به کشور ما خواهد داشت و درصدد بازپس گرفتن ایران خواهد بود . خطر آمریکا امروز جدی است و برای سالیان درازی همچنان جدی خواهد بود . این خطر جدی را نیز ــ ناگفته پیداست ــ باید جدی گرفت ومجدانه برای دفع آن آماده شد .

واگر همه نیروهای مادی و معنوی خلق تجهیز شود ، اگرهمه نیروهای انقلابی صرفنظراز عقاید مسلکی ومذهبی ، متحد شوند ، اگر همکاری بادوستان انقلاب درصحنهٔ جهانی گسترش یابد ، بقول امام ، امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند .

ریشهٔ تروریسم
با فراهم شدن زمینهٔ فعالیت آزاد سیاسی می خشکد

تروریسم کوری که امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی آمریکا ، بر میهن انقلابی ما تحمیل کرده است ، چندمین ماه خون و جنایت را ازسر می گذراند . از روزی که جبهه متحد ضدانقلاب باسقوط بنی صدر ضربه مهلکی خورد و به تروریسم روی آورد ، بیش از ۴ ماه میگذرد . در این مدت جبهه متحد ضدانقلاب ودرقلب آن فریب خوردگان "مجاهد" ، کهوارث تروریست ــ های فرقان شده اند ، تاتوانسته اند کشته اند و سوخته اند . تاکنون جوانان فریب خورده ای که ، به فرمان رهبری خائن مجاهدین ، با بمب ومسلسل وکوکتل به خیابان ها آمده اند ، گروهی ازشخصیت های مذهبی وسیاسی کشور را به شهادت رسانده اند ، صدها عابر بیگناه را به خاک و خون کشیده اند ، دهها و دهها پاسدار انقلابی را از خدمت به انقلاب بازداشته اند و . . . سیاهه ننگینی از جنایت وخیانت بجای گذاشته اند . شمار بسیاری از همین جوانان فریب خورده نیز ، دربرابر جنایاتی که مرتکب شده اند ، به جوخه اعدام سپرده شده اند .

همه این رویدادها نشان داده است که از فرزندان این سرزمین انقلابی ، دریک بر خورد خونین تحمیلی ، چه خون های بی ثمری برخاک ریخته است .

همه این حوادث اسفناک به عیان روشن کرده است که ترور نمی تواند ضدانقلاب را به اهداف شوم خود برساند و این نقشهٔ جنایتکارانه نیز در رسیدن به هدف اصلی خود ، یعنی براندازی جمهوری اسلامی ایران ، شکست خورده است .

اما امپریالیسم از موج ترورهای کور ، که پیوسته برآن دامن میزند ، هدف های دیگری هم دارد ، که مهمترین آن عبارت است ازایجاد هرج ومرج واغتشاش درجامعه برای ممانعت ازپا ــ گیری نظام نوین ودرنتیجه آماده کردن جوبرای زدن ضربهٔ نهائی .

نقشه های امپریالیسم چنان چندجانبه وتودرتو است ، که ازپی شکست یک مرحله ، دوره جدیدی آغاز میشود که درآن باید از تجربه توطئه شکست خورده قبلی نیز سود جست .

نقشه های امپریالیسم چندجانبه وپیچیده است ، اماچنانکه تجربه همه انقلاب ها ، ازجمله انقلاب اسلامی ایران ، نشان داده ، به نیروی خلق می توان آن نقشه ها را نقش برآب کرد . در مرحله ای که ما درآن به سر می بریم ، درهم شکستن کامل توطئه ترور تنها با ریشه کن کردن آن ممکن است . برای موفقیت در این امر نیز ، علاوه برمجازات جدی وقاطعانه عاملان مستقیم ترورها وهمچنین ارشاد فریب خوردگان ، باید دراندیشه ازبین بردن زمینه رشد تروریسم بود .

درآماده کردن این زمینه ، کاستی ها ونا ــ رسائی ها نقش موثری بازی کرده اند و می کنند ؛ کاستی ها ونارسائی هائی که بطور عمده ناشی از بقایای نظام سرنگون شده و خط سازش و تسلیم در اقتصاد کشور ، در حاکمیت سیاسی و درسطح جامعه است ؛ نارسائی ها وکاستی هایی که متاسفانه عملکرد نادرست وانحصارطلبانه وقشری برخی ازنیروهای شریک در حاکمیت بر آن دامن زده است .

دراین فرصت ، قصد ما پرداختن به کاستی های اقتصادی ونارسائی ها در شناخت دوستان ودشمنان انقلاب نیست . منظور ما پرداختن به وجه دیگر کاستی ونارسائی ، یعنی محدودیت شدید در زمینه آزادیهای سیاسی است ، محدودیتی که امپریالیستها و خائنینی چون بنی صدر و رجوی ، با استفاده از کم ــ تجربگی جوانان وعدم درک صحیح آنها از آزادیها ، برآن تکیه کرده اند و هزاران جوان پرشور را به مسلخ رانده اند .

نگاهی به تبلیغات جبهه متحد ضد ــ انقلاب ، از لیبرال ها گرفته تا بلندگوهای امپریالیستی ، بنی صدر وبویژه رهبری خائن مجاهدین ، نشان می دهد که آنها با پنهان شدن زیر پرچم "آزادی" توانسته اند ، بخش ــ های ناآگاه وکم اطلاع جوانان را بفریبند . واقعیت این است که علاوه برتوطئه های پیچیده امپریالیسم از "چپ" وراست برای از میان بردن زمینه های آزادیهای سیاسی ، قشریون وانحصارطلبان نیز پیوسته بر فشار خودبرای ممنوع کردن هرگونه فعالیت سیاسی برای دگر ــ اندیشان افزوده اند . این گروههای فشار ، که جهان راتنها از منظر تنگ خودمی بینند ، بر خلاف رهنمودهای رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، قانون اساسی و مسئولان درجهٔ اول کشور ، ازچپ روی گروه ــ هائی مانند "مجاهدین" استفاده کرده وپیوسته بریورش خود برآزادیها افزوده اند . چپ روها به نوبه خود از این بهانه برای اعمال ماجرا ــ جویانه استفاده کرده اند وبازبهانه به قشریون داده اند . . .

واین دورچنان تکرارشده ، که در حال حاضر عملا زمینه فعالیت آزاد سیاسی برای دگر اندیشان انقلابی فوق العاده محدودشده است . هربارهم که مسئولان واقع بین جمهوری اسلامی ایران کوشیده اند به قانون اساسی و رهنمودهای امام بازگردند ، تاهمه نیروهای مدافع انقلاب ، صرفنظر از ایدئولوژی واعتقادات سیاسی ومسلکی خود ، درچارچوب قانون اساسی حق فعالیت داشته باشند ، از "چپ" وراست توطئه برای خنثی کردن این کوشش آغازشده است . ومتاسفانه بایدگفت این توطئه تاکنون موفق بوده است .

جبهه متحد ضدانقلاب میکوشد از این موفقیت خود بیشترین استفاده را ببرد . رجوی ــ ها مسئله را چنین مطرح می کنند که : وقتی راه فعالیت آزادسیاسی بسته است ، وقتی خواندن یک اعلامیه وقیام مسلحانه ، هردو تنها یک مجازات ، یعنی اعدام دارد ، وقتی حتی نیرو ــ های مدافع انقلاب اجازهٔ فعالیت ندارند ، یکراه بیشترنمی ماند : بکش یاکشته شو . این نظریه ، که زمینه برای طرح آن فراهم است ، در زرورق الفاظ انقلابی پیچیده می شود و به خورد جوانان کم تجربه وناآگاه داده می شود . و این یکی ازریشه های اصلی دوام تروریسم است .

برای کندن ریشه تروریسم باید زمینه رشد آن راازمیان برد . اگر انقلاب برتوطئه "چپ" و راست افراطی غلبه کند و بربنیاد رهنمودهای امام ، قانون اساسی و اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان کل انقلاب اسلامی ، زمینهٔ فعالیت آزادسیاسی رافراهم کند ، اگرهمهٔ نیروهای مدافع انقلاب ، باهرعقیده ومسلک ، اجازه داشته باشندکه در چارچوب قانون اساسی فعالیت کنند ، اگر این فعالیت توسط قانون تضمین شود ، ضدانقلاب نمیتواند ترور را به عنوان تنها راه حیات سیاسی تبلیغ کند .

بدون تردید در صورت ایجاد شرایط آزاد برای فعالیت سیاسی ، که خود تحقق یکی ازشعارهای اصلی انقلاب اسلامی ایران ، یعنی "استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی" است ، یکی از ریشه های تروریسم کنده خواهدشد و همهٔ نیروهای چپ رو ، اگر صادق و اصلاح پذیر باشند ، برای طرح عقاید و نظریات خود به فعالیت سیاسی روی خواهند آورد و راه برای رشد جامعه بازخواهد شد ، رشدی که در آن نیروهای مدافع انقلاب ، صرفنظراز عقاید سیاسی ومسلکی خود ، دست دردست هم ، زیر رهبری امام خمینی ، برکاستی ها ونارسائی ها غلبه خواهندکرد .

کمك بیدریغ دولت افغانستان به کودکان شهیدان راه انقلاب

حساب شماره ۹۴۶۲ "بانک افغانستان" بگوش مردم کشور همسایه بسیار آشناست "شورای مرکزی سندیکاها" مردم افغانستان را فراخوانده است ، تاکمک های خود را برای کودکانی ، که پدران ومادران خویش را درنبرد باضدانقلاب ازدست داده اند ، به این حساب واریز کنند .

دریکی از روزهای اواسط تابستان مبلغ هنگفتی بر این حساب افزوده شد ، چه هزاران کارگرو کارمند داوطلبانه دستمزد وحقوق یک روزخود را به این منظور اختصاص دادند . وجوه نامبرده بویژه دراختیار "بنیاد یتیمان افغانی گذاشته خواهدشد ، که روز ۱۴ شهریور ۶۰ (۵ سپتامبر ۱۹۸۱) درکابل گشایش یافت .

علاوه براین ، دولت وسازمانهای اجتماعی بودجه این بنیاد را تامین می کنند .

این نخستین بار در تاریخ افغانستان است ، که دولت به یاری کودکان یتیم می شتابد . چنانکه رسانه های گروهی کابل گزارش می دهند مردم افغانستان از این اقدام انساندوستانه دولت افغانستان استقبال فراوان کرده اند .

دروغ بزرگ ...

بقیه‌ازصفحه ۱

در اوضاع و احوال بغرنج بین‌المللی امروز، آرمان‌ها واندیشه‌های بیست‌وششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بیش از پیش‌نیروی‌جاذبه بیشتری کسب میکنند. برنامه صلح برای دهه هشتاد، که به‌تصویب مجمع کمونیست‌های شوروی رسید، به مهم‌ترین عامل سیاست‌خارجی، که اثر خود را در جریان وقایع باقی می گذارد، تبدیل گردید. عقول صدهامیلیون نفر از مردم نواحی مختلف کرهٔ زمین‌متوجه مجموعه ابتکارات دامنه‌دار اتحادشوروی شده است که هدف آنها رفع خطر بروز جنگ‌هسته‌ای وحفظ وتقویت تشنج‌زدائی، نابودی‌کانون‌های مناقشات نظامی وسط و توسعه‌همکاری‌برابرحقوق وثمربخش‌بین‌المللی است.

فوریت پیشنهادهای صلح‌جویانه اتحادشوروی از این نظر نیز افزایش میابدکه، نیروهای‌تجاوزکارامپریالیست، کدایالات‌متحده آمریکا در راس آنها قرار دارد، همچنان به تعقیب‌خط مشی حادترکردن اوضاع و احوال بین‌المللی ادامه‌میدهند. جاه‌طلبی امپراتورمآبانه وسلطه‌جوئی واشنگتن بطور بارز و آشکاری در یک سلسله اقدامات ونقشه‌های میلیتاریستی آن متجلی میگردد.

۲ اکتبر سال جاری، ریگان‌رئیس جمهور ایالات‌متحده آمریکا، برنامه جدید خود را عنوان کرد. این برنامه "برنامه‌استراتژیک‌عمومی" نام‌دارد در واقع دراین برنامه‌صحبت‌ازاقداماتی به میان‌آمده‌است که هدف آنها برهم‌زدن برابری موجود در رشته‌های استراتژیک نظامی‌است. واشنگتن علنا دعوی‌کسب برتری نظامی بر اتحادشوروی میکند. تولید جامع اسلحه نوترونی و مواد مسموم کنندهٔ شیمیائی گسترش می‌یابد. مقدمات استقرار موشک‌های هسته‌ای میان‌برد جدیدساخت آمریکادرخاک امریکافراهم‌میگردد. "نیروهای واکنش سریع"، که نقش ژاندارم را بازی خواهند کرد، با شتاب و عجله سرهم‌بندی میشوند. "چماق بزرگ" امریکا بیش از پیش کشورهای نوبنیاد ومستقل را درمعرض خطر تهدید قرار میدهد. واشنگتن، همراه با ایادی و دستیاران خود، بطرزی خشن در امور داخلی کشورهای مستقل مداخله‌میکند.

* آمریکا در خارج از خاک خود ۱۵۰۰ پایگاه‌نظامی با نیم‌میلیون پرسنل نظامی‌دراختیار دارد.
* تبلیغاتچیان پنتاگن باپخش‌دروغ‌درباره "خطرجنگ‌ازناحیه‌شوروی"، درصدد تبرئه‌خط مشی مسابقه‌تسلیحاتی آمریکا در انظار ملت‌هاهستند.
* آمریکامیکوشد که، به هرقیمتی شده، تعادل‌نیروها را برهم‌زندوبه‌برتری نظامی‌خود، به‌عنوان یک‌تکیه‌گاه‌برای سیاست "ازموضع قدرت" نایل‌شود.

این اقدامات خطرناک، که صلح عمومی و آزادی ملت‌ها را تهدید می‌کنند، موجب بروزنگرانی برحق‌واعتراض خشم‌آلودتوده‌های وسیع‌مردم میگردد. دراروپای غربی موج‌نیرومندی ازجنبش توده‌ای برضد گسترش موشک‌های‌جدید امریکا وبرضد مرگ نوترونی به حرکت درآمده‌است. درهمه‌جا با صدای‌بلندتر، مهارکردن‌مسابقه تسلیحات و اقدام فوری به مذاکرات عملی بااتحادشوروی وکشورهای‌سوسیالیستی خواسته‌میشود.

در واشنگتن درارتباط با دامنه‌دارشدن نهضت‌های ضد جنگ، که در بسیاری ازکشورهاقدرت‌میگیرند، نگرانی آشکاری‌ابرازمی‌کنند. استراتژیست‌های آنسوی اقیانوس‌ها آشکارا از شدت‌گرفتن انتقاداتی که از آنها به عمل می آید، مضطرب شده‌اند و کلیه اقدامات را بکار میگیرند، تا از حدت اقدامات توده ها برای دفاع از صلح بکاهندوتوجه‌جوامع وسیع بین‌المللی را از ابتکارات اتحاد شوروی منحرف سازند، که راه خروج از وضعی را که پیش آمده‌است، نشان میدهند. سرویس‌های تبلیغاتی‌ایالات متحده وناتوبطور کلی در صدد تبرئه کردن‌خط مشی‌مسابقه‌مجدانه‌تسلیحاتی درانظارملت‌هاهستند.

رهبران آتلانتیک، همانطوریکه قبلا نیز بارها سابقه داشته‌است، برای این‌منظوربه‌جمله‌مبتذل "خطر جنگ از ناحیه‌شوروی" می‌چسبند. دولت‌جدید آمریکا، ظرف نه‌ماهی که در راس امور قراردارد، کوهی ازافسانه‌های دروغین ضدشوروی بر پاکرده‌است. وقتی بعضی از دروغ‌ها افشا میشود، دروغ‌های‌دیگر ساخته وپرداخته‌میشود. بدین ترتیب انباشتگی مداوم دورغ‌ها و افترائات صورت‌می‌گیرد. معامله‌گری روی افسانه "خطرجنگ‌ازناحیه‌شوروی" در مقام سیاست‌دولتی ایالات‌متحده آمریکا قرارداده‌شده‌است.

در اواخر ماه سپتامبر، پنتاگن مرتکب عمل‌جدیدی در زمینه ساختن دروغ‌های بزرگ‌شد و بروشوری در ۹۹ صفحه تحت عنوان رسای "قدرت نظامی شوروی" به‌چاپ‌رساند. تبلیغات‌چیان‌پنتاگن برای‌اینکه مردم را تحت تاثیر قراردهند، درابتدای‌این کتاب مقدمه‌ای به‌قلم کاسپار واین‌برگر، وزیر امورخارجه ایالات‌متحده، درج‌کردند وبرای‌اینکه‌کتاب‌وزین‌تر به‌نظر برسد، درصفحه‌آخر آن مهر رسمی‌وزارت‌دفاع آمریکارا به‌کتاب‌زدند.

تبلیغ‌این‌کتاب باشور و هیجان زیادی جریان‌دارد. فی‌المثل کنفرانس مطبوعاتی واین‌برگر در خصوص این مسئله‌مستقیما از کانال تلویزیونی به تالار ستادناتو در بروکسل، که‌مملو از مقامات‌نظامی ومخبران‌بودپخش شد. بروشور یادشده‌را "کتابچه‌سرخ‌کاسپار" مینامند. درست مانندکتاب معروف اندیشه‌های مائوتسه‌دون، که سرنوشت غم‌انگیزی داشت. کتاب را باعجله به زبان‌های آلمانی وفرانسه و زبان ها ی دیگر ترجمه میکنند وآمادهٔ آن‌میشوند که‌دربازارهای کتاب هردوسوی اقیانوس اطلس سیلی از این کتاب‌پنتاگن‌بوجود بیاورند. بطوریکه‌واین‌برگر اظهارداشته است، هدف از انتشار این کتاب "پرکردن‌خلاء موجود در معلومات‌عمومی جوامع وسیع در خصوص قدرت نظامی شوروی" است. بعبارت‌دیگر، قشرهای‌کم‌معلومات‌سکنه‌کشورهای‌غربی بشدت‌مورد شستشوی مغزی قرارمیگیرند.

واما این‌نشریه چاپ پنتاگن چه میگوید؟

مندرجات بروشور منتج میشود به ذکرانواع‌وسیستمهای‌وسایل‌فنی نظامی اتحادشوروی. صفحات‌آن‌مملو از اسامی رمز وکدهائیست که در ناتوبه‌جنگ‌افزارهای‌اتحادشوروی‌داده‌اند، از قبیل: "بکفایر" و "اس‌اس‌۲۰" و "اس‌اس‌۴" و "اس‌اس۵" وغیره.

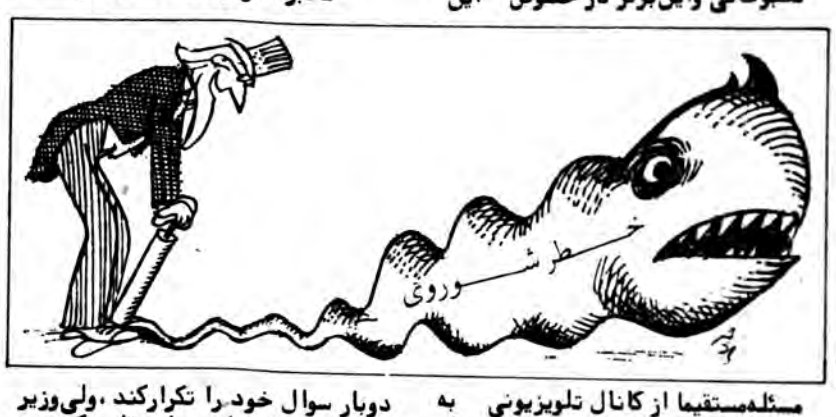
بزرگترین عیب ونقص کتاب در آنستکه وضع‌مهمی را که برای بشریت به وجود آمده، یعنی وضع تسلیحات و قوای مسلح‌اتحادشوروی‌و ایالات‌متحده آمریکا را بطور غیر واقع بینانه، ویابه عبارت‌ساده‌تر، بطور دورغ‌پردازانه منعکس میسازد.

بروشو رضمن تشریح‌گسترده ومصور تسلیحات‌اتحادشوروی، حتی‌یک کلمه‌و یک‌رقم‌هم‌ازتسلیحات‌عظیم‌ایالات متحده‌به‌میان‌نمی‌آورد. درحالیکه‌خود این‌مطلب درحکم‌فریب‌خلق‌هاست. در یادداشت حتی‌نمیتوان‌ذکری ازموشک‌های‌استراتژیک‌امریکائی "مینتمن" و "ترایدنت" وزیردریائی‌های‌موشک‌انداز نوع "اوهایو" و ناوهای هواپیمابری که‌پیرامون اروپا رفت وآمد میکنند و ناقل صدها هواپیمای حامل سلاح هسته‌ای‌هستند وذکری از هواپیماهای بمب‌افکن "ب۵۲" و"اف‌ب-۱۱۱" و هواپیمای "اف۱۱۱" و"اف ۴" و هواپیماهای جنگی دیگری‌که‌درپایگاه‌های هوائی اروپا مستقر هستند، پیدا کرد. انگار آنها اصلا وجود خارجی هم‌ندارند.

در بروشور راجع به‌نیروی‌دریائی ایالات‌متحده نیز ارقامی به چشم نمی‌خورد، درحالیکه نیروی دریایی آمریکا ۵۵۰ فروند ناوجنگی، از جمله ۱۴ ناو هواپیمابر و ۲۷نبرد ناو و۱۶۰ ناو اژدر افکن وجنگنده و ۷۹ زیر دریایی‌اتمی دراختیار خوددارد. همچنین هیچ مطلبی در این خصوص بچشم نمی‌خورد که ایالات‌متحده در خارج از حدود خاک خود یکهزار و پانصدپایگاه و مرکز نظامی با نیم میلیون پرسنل نظامی دراختیاردارد.

درکنفرانس مطبوعاتی ۲۹ سپتامبر سال جاری، از واین‌برگرسوال شد:

"چرا در این کتاب هیچگونه مطلب قابل مقایسه و ارقامی‌درخصوص نیروهای مسلح آمریکا وقوای مسلح‌ناتو وجودندارد؟"



مخبر سئوال‌کننده مجبور شد دوبار سوال خود را تکرارکند، ولی‌وزیر دفاع هربار از دادن پاسخ‌قانع کننده خودداری کرد، درحالیکه‌بدون مقایسه زرادخانه‌های‌ایالات‌متحده ودیگر کشورهای‌عضو ناتو نمی‌توان تصور درستی از وضع استراتژیک جهان پیدا کرد. نویسندگان بروشور عملا مناطق وسیعی از کرهٔ زمین، یعنی مناطق آمریکای شمالی و اروپای غربی و همچنین نواحی دیگری را، که قوای نظامی وتاسیسات جنگی ایالات‌متحده ومتحدان وشرکای آن دراین مناطق مستقر هستند، روی نقشهٔ استراتژیک نظامی مستتر و پرده‌پوشی‌کردند. به عبارت دیگر، دروغ بزرگ واشنگتن ناشی از راه ورسم وشیوهٔ همیشگی‌کار دروغپردازان مقیم پنتاگون است.

مطالعهٔ دقیق بروشور نشان می‌دهدکه چرا یک چنین منظرهٔ یک پهلوویک‌جانبه‌ای در آن ترسیم‌شده است. اگر در واشنگتن وضع واقعی رابه طور همه جانبه وعینی مورد ارزیابی قرارمی‌دادند، مجبور به اذعان این مطلب می‌شدندکه بین‌اتحادشوروی و ایالات‌متحده آمریکا، میان پیمان‌ورشو و پیمان ناتو، تعادل وتناسب تقریبی درامور نظامی پدید آمده است. این تناسب و تعادل تقریبی‌هم در مورد وسایل‌استراتژیک هسته‌ای وتسلیحات اتمی‌وقوای‌عادی‌دراروپاوهم بطورکامل درمورد تمامی تسلیحات طرفین، بادر نظر گرفتن جمیع عوامل‌مربوطه، برقرار است. ولی درواشنگتن‌نمیخواهند همین موضوع را اعتراف کنندو برغم حقایق درصدد مجسم کردن این تعادل، به عنوان نوعی "عقب‌ماندگی" ایالات متحده و ناتو در امور نظامی، هستند، تااینکه خوانندگان غربی راگمراه‌سازند و، مهمتر از همه، بزور موافقت‌بدون‌چون وچرای‌آنها را با افزایش بودجه های نظامی وادامهٔ مسابقهٔ تسلیحات جلب کنند.

حتی بسیاری ازکارشناسان‌غربی ناگزیرند اعتراف کنند که بروشور پنتاگن یک حقه تبلیغاتی است برای توجیه‌افزایش سریع هزینه‌های جنگی آمریکاوبستن‌اروپائیهای "سرکش" به‌گردونه‌میلیتاریستی خود، نه یک تجزیه وتحلیل جدی.

در روش تالیف این کتاب، که واین‌برگردرمقدمهٔ آن، بدون‌درنظر گرفتن قوای مسلح‌ایالات‌متحده‌آمریکاو دیگر کشورهای‌ناتووهمچنین‌کشور چین راجع به "منافع استراتژیک غرب" اظهار نظر می‌کند، روی اشخاص‌ساده‌لوح‌حساب شده‌است جالب آن‌است‌که‌خودرئیس‌پنتاگون عملا اذعان‌کرده‌است که‌دراین "محصول دستگاه‌های‌اطلاعاتی‌ایالات‌متحده آمریکا" نکاتی وجود دارد که‌حتی‌مورد شک‌کارشناسان‌آمریکایی قرارگرفته‌است. وزیر دفاع در کنفرانس مطبوعاتی گفت:

* اتحادشوروی در راه برتری نظامی نکوشیده‌ونمی کوشد، ولی به احدی اجازه‌ایجاد چنین برتری‌بر خودرانمی‌دهد، وبرای اینکارتمام وسایل لازم را دراختیار دارد.
* اتحادشوروی حمله هسته‌ای را به مثابه بزرگترین جنایت‌علیه بشریت تلقی میکند.
* خروج ازبن‌بست مسابقهٔ تسلیحاتی، در تازاندن دور جدید مسابقه نیست، بلکه درمذاکرات شرافتمندانه وسازنده برای محدودکردن تسلیحات و خلع سلاح‌است. اتحادشوروی به‌ویژه دراین راه‌مبارزه‌میکند.

"من با تعجب زیادمتوجه شدم که بعضی ها با من‌موافق نیستند. در دستگاه‌های اطلاعاتی نیز اشخاص زیادی وجود دارند که با همدیگر نظر موافقی ندارند."

واین‌برگر کتاب مزبوررا "نتیجهٔ سازش" نامید، ولی باید سئوال کرد: کدام‌سازش، سازش از روی وجدان؟

فی‌المثل در بروشور ازموشکهای بالیستیک قاره‌پیمای شوروی وموشک‌های‌بالیستیک زیردریائی‌ها و بمب‌افکن‌های‌سنگین صحبت‌زیادی به‌میان آمده‌است. ارقام وارقام وارقام. در حالیکه این ارقام در موقع‌طرح‌وتنظیم وامضاء قرارداد "سالت-۲" برهمه‌آشکار بود. درتذکاریه‌ای که‌ضمیمهٔ قرارداد شده‌بود، دوستون مقابل هم درباره تسلیحات‌استراتژیک تهاجمی وجود دارد: دریکی از ستون‌ها تسلیحات اتحادشوروی و درستون‌دیگرتسلیحات امریکائی برشمرده‌شده‌است. درحالیکه دربروشور پنتاگن‌فقط‌ارقام‌مربوط به یکی‌از ستون‌ها درج شده‌ست و ستون دوم، که‌حاوی‌اطلاعات‌مربوط‌به‌سیستم‌های‌استراتژیک ساخت امریکاست، انگار باقیچی چیده شده‌است.

در کتاب خاطرنشان‌شده‌است‌که اتحادشوروی‌اکنون وسایل حمل سلاح استراتژیک بیشتری از ایالات متحده آمریکادارد، ولی باید‌به‌مولفان‌بروشور یادآوری کردکه‌این‌طرف‌آمریکائی بود که مانع ازتصویب قرارداد "سالت-۲" و درنتیجه مانع‌ازاجرای محدودیت‌های پیش بینی شده در آن در مورد سلاح‌استراتژیک‌تهاجمی، ابتدا به‌مقدار ۲۴۰۰ وسپس به‌مقدار ۲۲۵۰ واحد برای هریک ازطرفین شد. پس‌چرااین‌موضوع دربروشورمسکوت‌گذارده‌میشود؟ جواب این‌سئوال کاملا ساده‌است: پنتاگن برای‌دامن‌زدن بیشتر به مسابقهٔ تسلیحاتی احتیاج‌به‌بزرگ‌کردن‌افسانه مربوط به "خطر جنگ از ناحیه‌شوروی" دارد، درحالیکه اشاره به قرار داد "سالت-۲"، که بر اساس‌اصل‌برابری وامنیت‌برابراستواراست و بیلان‌دقیق منافع طرفین راتثبیت می‌کند، آشکارا مانع ازاجرای‌این‌مقصود میگرددومغایر باسیمای تحریف‌شدهٔ سیاست‌خارجی‌و نظامی‌اتحادشورویست، که‌سعی دارند آنرا در ایالات‌متحده آمریکا ترسیم نمایند.

مولفان بروشور به یک کشف جنجال برانگیز" دیگر هم دسترسی پیداکرده‌اند، وآن‌اینستکه، گویانیروهای‌استراتژیک‌هسته‌ای‌اتحادشوروی ۷ هزارسر پیکان‌هسته‌ای‌دراختیاردارند. آیااین‌مقدار زیاداست؟ کم‌نیست. ولی رقم‌دیگری هم وجود داردکه‌اثرکمتری بجانمی‌گذارد، وآن تعداد ۹ هزار سر پیکان‌هسته‌ایست که‌به‌موجب آمار پنتاگن در اختیار نیروهای‌استراتژیک هسته‌ای ایالات‌متحده‌قراردارند. ولی این‌رقم‌ازدیدجوامع‌وسیعی‌که بروشور به‌آنها‌تحمیل‌شده‌است‌پنهان‌نگهداشته میشود. وانگهی، ارقام‌دیگرهم مسکوت گذارده‌میشود. بنابراین، چیزی که از آب درمیاید، اطلاعات نیست، بلکه اخبار گمراه‌کنندهٔ عمدی است.

بنابراین پنتاگن نشین‌ها، بقول واین‌برگر، بااعلام‌مقصود خود برای تشریح "مدارک‌دقیق و واقعی"، ضمن د گرگون‌کردن‌منظرهٔ واقعی مربوط به این‌مسئله چیز کاملا دیگری به‌خورد خوانندگان خود میدهند، که هما نا مکتوم نگهداشتن تسلیحات و قوای مسلح‌حقیقی ایالات‌متحده و ناتواست.

به‌هیچوجه تصادفی‌نیست که نویسندگان بروشور میکوشندرشته‌سخن رابه اینجا بکشانند که سازندگی تسلیحاتی اتحادشوروی گوئی درخلاء وجدا از پدیده‌های زندگی بین‌المللی دوران‌اخیرانجام‌میگیرد. آنها آشکارا میخواهند این فکر را به مردم تلقین کنند که گونه‌ها وسیستم‌های سلاح‌های یادشده در بروشور، گویابطور یک‌جانبه توسط‌اتحادشوروی ایجادشده و گویا کشش "سنتی" به تسلیحات‌تقریبا خاص‌اوست. آنهامیکوشنداین واقعیت را، که‌مسابقه‌تسلیحات درسرزمین‌امریکا ریشه‌های عمیق دارد واتحاد شوروی هرگز مسئول دورجدید این مسابقات نبوده‌است، از مردم پنهان‌دارند.

آخراین‌یک‌حقیقت‌است‌که هما نا ایالات‌متحده‌آمریکابود، که رقابت در رشته تولید سلاح امحاء جمعی راشروع کردودرسال ۱۹۴۵ در تولید بمب‌اتمی وبکاربردن آن علیه‌اهالی بی دفاع هیروشیما وناگازاکی پیشقدم‌گردید. امریکامبتکر مسابقه تسلیحاتی دررشته بمب‌افکن‌های‌استراتژیکی قاره‌پیما شدو حتی درسال‌های دههٔ ۵۰ به‌تولیداین بمب‌افکن‌ها پرداخت. ایالات متحده آمریکا قبل از دیگران، درآغازسال‌های دههٔ ۶۰، تولید گسترده‌موشک‌های بالیستیک‌قاره‌پیما را آغاز نمود وهمچنین دهها زیردریائی اتمی‌حامل موشک را در اقیانوس‌های جهان پخش کرد. واشنگتن قبل‌از دیگران، دراوایل سالهای دههٔ ۷۰، تجهیز موشک‌های بالیستیک‌قاره‌پیما باکلاهک‌های‌هسته‌ای چند پیکانی جداشونده را آغازکرد، که هرکدامشان میتوانند باحداکثردقت نشانه‌گیری کنند.



این ایالات‌متحده بودکه حتی از سال ۱۹۷۲ شروع به‌تنظیم پروژه‌موشک‌های‌استراتژیکی بالدار نمود واینک به مرحله اجرای‌نقشه‌های استقرار وآرایش هزاران‌موشک‌ازاین نوع درفضا، خشکی ودریا قدم گذاشته‌است. در آن سوی اقیانوس سلاح‌وحشیانه نیترونی‌اختراع شده‌وحالا‌به‌تولید سریال آن در ابعاد گسترده پرداخته‌اند. این فهرست را میشد ادامه‌داد.

همهٔ اینها، باانضمام "برنامه

بقیه‌درصفحه ۸

جبههٔ ضد...

بقیه از صفحهٔ ۱

که مردم قهرمان ما در انتظارش هستند، تاخیر شده، کما شتیاق انتظار جای خود را آرام آرام به نگرانی می سپارد.

واقعیت این است که انقلاب اسلامی ایران در لحظهٔ حساس کنونی، بیش از پیش، نیازمند پیوند با دوستان جهانی خود و همکاری متقابل با آنها، برای غلبه بر دشواریهای موجود و پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی و ضد صهیونیستی درجهان، بویژه در منطقه است.

اولین گام دراین زمینه، تشکیل جبههٔ واحدی از نیروهای مترقی در منطقه است. خوشبختانه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دراین زمینه پیشقدم شد و همزمان با آغاز کار دولت شهید دکتر محمد جواد باهنر، فعالیت گسترده ای را در این زمینه آغاز کرد. پیشنهاد ایران برای تشکیل جبهه ای از همه نیروهای انقلابی منطقه برای پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم، بلافاصله با استقبال همه نیروها و عناصر انقلابی در ایران و منطقه روبرو شد. آقای موسوی وزیر امور خارجه وقت و نخست وزیر جدید قدمهای موثری در این جهت برداشت، که مهم ترین آن شرکت در کنفرانس سران جبههٔ پایداری بود. کشورهای تشکیل دهندهٔ این جبهه، یعنی سوریه، لیبی، الجزایر و جمهوری دموکراتیک خلق یمن و همچنین سازمان آزادیبخش فلسطین، که از دوستان صادق و پیگیر ایران در منطقه هستند و قبلا نیز با پیشنهاد وزارت امور خارجه موافقت کرده بودند، باردیگر توافق اصولی خود را اعلام داشتند.

چنین بنظر میرسد که همه شرایط برای آغاز اقدام عملی آماده است. حتی آقای صلاح الدین زوادی، سفیر خلق قهرمان فلسطین در ایران پیشنهاد کرد:

"بهتر است قبل از ورود به جزئیات تشکیل جبهه، ملاقاتهائی صورت بگیرد و دقیقا تمام مسائل مربوط به آن تجزیه و تحلیل گردد، یعنی باید کیفیت تشکیل جبهه و شرکت کنندگان و ابعاد آن مطالعه وبررسی شود". (۹ شهریور ۱۳۶۰ ـ کیهان)

متاسفانه ـ لااقل درحد اخبار منتشره ـ مسائل در همین سطح متوقف ماند و آرام آرام بدست فراموشی سپرده شد. ماکه امیدواریم عدم پیگیری در تشکیل این جبهه ناشی از تغییرات ضرور بعد از شهادت آقایان رجائی و باهنر باشد، بار دیگر بر ضرورت حیاتی تشکیل جبههٔ واحد برای مبارزه با امپریالیسم وصهیونیسم پامی فشاریم.

چنانکه واقعیت نشان داده است، تشکیل این جبهه تنها می تواند برحول محور مبارزه با امپریالیسم وصهیونیسم انجام گیرد و فقط و فقط چنین معیاری است که هم راه جاسوسان وکارشکنان و سالوسان را می بندد و هم مبارزه خلق ـ های منطقه را علیه امپریالیسم و صهیونیسم عملا به مرحلهٔ بالاتری می رساند. واقعیت همچنین نشان داده است که از میان همه کشورهای منطقه تنها کشورهای عضو جبههٔ پایداری خواهان تشکیل چنین جبهه ای هستند. به این ترتیب هموار شدن راه تشکیل جبهه از طریق گسترش جبههٔ پایداری، با شرکت ایران انقلابی، کاملا ممکن است.

بدون تردید چنین واقعه ای گام بزرگی در راه اتحاد نیروهای انقلابی منطقه وضامن بزرگی برای ایران انقلابی است، که زیر رهبری امام خمینی برای نبردهای بزرگتر با امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، آماده می شود.

ما امیدواریم اینک که آقای موسوی به نخست وزیری انتخاب شده است، دولت جدید بتواند گام های فوری و جدی در راه تشکیل جبههٔ ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی در منطقه بردارد.

مجلس شورای اسلامی در هفته ای که گذشت:

دستهای پینه بستهٔ روستائیان، مالك زمین های برباد رفته است

* دولت آقای موسوی با اکثریت آراء نمایندگان از مجلس رای اعتماد گرفت
* درسال ۴۱ که امام همه مسلمانان را به مبارزه سیاسی وارد کردند، "انجمن حجتیه" امضاء دادند که وارد سیاست نشوند.
* از اختیاراتی که امام به مجلس داد ند باید حداکثر حسن استفاده بشود.
* بوضع کوخ نشینان، زاغه نشینان و محرومین جامعه، که اکثریت قاطع هستند، باید توجه جدی مبذول شود.

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته، روز یکشنبه ۱۰ آبان ۶۰ تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور این جلسه دکتر میلانی، نماینده مردم تبریز طی سخنانی به "حضور علنی نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا در صحرای سینا"، "حضور آواکس ها"، "تمرکز ناوگانهای آمریکا درکرانه های کشورهای اسلامی" ونیز بسیج "نیرو ـ های واکنش سریع" اشاره کرد.

ناطق همچنین با اشاره به تحولات انقلابی که درجنبش توده ای مردم مصر پس از مرگ سادات رخ داده، متذکر شدکه: "مردم مصر جنایت های آمریکا را تحمل نخواهند کرد". وی ترور سادات را نمایش "آتش فروزان در زیر سایه رژیم پلیسی ودیکتاتوری رژیم" دانست.

نبرد دراز مدت با آمریکا

نماینده مردم تبریز آنگاه به شرح توطئه های آمریکای جنایتکار علیه انقلاب ایران پرداخت و تاکید کرد که آمریکا تمام کوشش خود را برای سرکوب انقلاب اسلامی ایران بکار می برد. وی گفت:

"توطئهٔ آمریکا برعلیه انقلاب اسلامی ما بزودی پایانی نخواهد داشت و ما باید خود را برای نبردی طولانی در همه زمینه ها آماده کنیم واکنون که در شرایط تازه ای از رشد انقلاب خود روبرو هستیم، باید این نبرد طولانی مدت را تدارک ببینیم".

ناطق آنگاه با اشاره به فعالیت ـ های وزارت خارجه، تاکید کرد که این فعالیتها "دروازه های جهان را بروی ما گشوده است". وی ضمن تذکراتی از جمله براصل خودکفائی تاکید کرد و از جمله گفت:

"ما از محدودیت هایی که امپریالیسم آمریکا برای ما ایجاد میکند، باید درجهت خودکفائی اقتصادی تلاش بکنیم و سعی کنیم اقتصاد تک پایه رابشکنیم".

ناطق همچنین با اشاره به اینکه "همه مردم در برابر امپریالیسم آمریکا قراردارند"، خواهان برقرار شدن یک "جریان انتقادی واصولی وارشادی" در سطح جامعه شد.

سپس زرهانی، نمایندهٔ مردم دزفول، طی سخنان کوتاهی به جنایات صدامیان دربمباران مناطق مسکونی اشاره وآن را به شدت محکوم کرد.

ناطق بعدی قبل از دستور این جلسه، مظفر نماینده مردم بجنورد بود، که طی سخنانی به سلسله توطئه های امپریالیسم آمریکا برای سرکوب انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد و متذکر شد:

"این اعمال ماهیت کثیف آمریکای جهانخوار را برای همه مردم روشن ساخت".

وی همچنین با اشاره به حضور نظامی فزاینده و گسترده امپریالیسم آمریکا در سطح منطقه و بخصوص در عربستان ومصر واردن، ازجمله گفت:

"اکنون عربستان دربست در اختیار آمریکا قرارگرفته است".

سپس مجلس وارد دستور شد و ابتدا لایحه تخلیه کالاها از کشتی ها بطریقه دوبه کاری" طرح و تصویب شد. آنگاه چند تن از نمایندگان جدید مراسم تحلیف بجا آوردند و اعتبارنامه عباس ـ علی اختری، نماینده مشهد، به تصویب نمایندگان رسید.

لایحه پرداخت حق الوکاله وکلای تسخیری دادگاههای ارتش" نیز پس از بحث و بررسی تصویب شد. همچنین لایحه ای در مورد "اصلاح ماده ای از قانون مدنی" طرح و تصمیم گیری درمورد آن به کمیسیون امور قضایی محول شد. لایحه الحاق سازمان قضائی ارتش به وزارت دادگستری نیز به تصویب رسید.

دراین جلسه پس از بررسی و تصویب چند لایحه دیگر، اعلام شد که طرحی با امضاء ۱۶ تن از نمایندگان در خصوص رسیدگی به وضع مالکیت اراضی زراعی و نیز لایحه ای در خصوص همکاری بین شرکت شیلات جمهوری اسلامی ایران و شرکت خدمات بازرگانی خارجی جمهوری دمکراتیک خلق کره به مجلس تقدیم شده است.

در پایان این جلسه، نامهٔ بیش از ۱۹۲ تن از نمایندگان در مورد قدردانی از خدمات آیت اله مهدوی کنی درزمان تصدی مقام نخست وزیری جمهوری اسلامی ایران قرائت شد.

جلسه علنی بعدی مجلس در هفتهٔ گذشته، روز دوشنبه ۱۱ آبان ۶۰ تشکیل شد. دراین جلسه حسین هراتی، نماینده سبزوار، درسخنان قبل از دستور، ضمن اشاره به خوش خدمتی های شاه حسین و صدام و شاهزاده فهد برای آمریکا، درباره طرح فهد ازجمله گفت:

"آمریکای خون آشام، که قرارداد کمپ دیوید را درخطر سقوط وشکست می دید، به نیرنگی تازه دست زد و این بار مصلحت درآن دید که از زبان خود رهبران عرب طرح پیشنهاد کند".

وی همچنین تاکید کرد که "طرح فهد "مورد حمایت" همهٔ جهان استکبار" قرار گرفته است.

ناطق در بخش دیگری از سخنانش، با اشاره به روحیه رزمجویانه و ایثارگرانه مردم در نبرد با آمریکا، گفت:

"آمریکا باید بداند که اگر به خیال خام و شوم خویش، که به گفته امام هیچ غلطی نمی تواند بکند، چنانکه همهٔ ما را هم قطعه قطعه کند و فقط یک نفر بماند، آن فرد با فریاد الله اکبر، خمینی رهبر، مجدانه در تدارک جنگ با آمریکا لحظه ای درنگ نمی کند".

ناطق بعدی رشیدیان، نماینده مردم آبادان، بودکه طی سخنانی، با اشاره به ... منطقه وحضور فزایندهٔ آمریکا درآن، تاکید کرد که وحشت آمریکا از "اسلام انقلابی" است زیرا که آمریکا سالیان سال "اسلام آمریکایی" را دراین کشورها (عربستان، مصر، اردن...) ترویج داده است.

"انجمن حجتیه" و دشمن اصلی آمریکا

رشیدیان در قسمت دیگری از سخنانش با اشاره به سئوالات حجت ـ الاسلام جنتی از "انجمن حجتیه"، از جمله گفت:

"من یک سئوال دارم از حضرت حجت الاسلام جنتی این انجمن حجتیه چه نقش سیاسی قبل از انقلاب و بعد از انقلاب داشته است؟ ببینید در سال ۴۱، امام بطور منظم مسلمانها را وارد سیاست ومبارزه کرد. اینها (انجمن حجتیه) امضاء گرفتند (دادند) که وارد سیاست نشوند".

ناطق تاکید کرد که: "بزرگترین مسئله جنگ است و بزرگترین دشمن و شیطان بزرگ آمریکا ست".

رشیدیان درباره مسئله جنگ و لزوم وحدت وهماهنگی در صفوف رزمندگان انقلاب ازجمله گفت:

"من فکرمی کنم که بعضی ها شان (فرماندهان نظامی) آن توصیه های امام را (دربارهٔ وحدت وهماهنگی) فراموش کرده باشند".

ناطق همچنین درباره مشکلات جنگ زدگان مسائلی را بیان کرد و از مسئولان خواست که به نحوهٔ کار "مسئولین جنگ زدگان" رسیدگی کنند.

نماینده مردم اهواز همچنین با اشاره به فرمانهای مکرر امام در مورد رسیدگی به وضع کوخ نشین ها "تاکید کرد که هرچه زودتر باید مسئله کشاورزی حل شود و "به کوخ نشین ها، زاغه نشینها به محرومان ومستضعفان جامعه، که اکثریت قاطع هستند" توجه جدی شود و "از آن اختیاراتی که امام به مجلس داده، حداکثر حسن استفاده را بکنیم".

آنگاه مجلس وارد دستور شد و لایحه مربوط به "نحوه پرداخت مستمری به بازماندگان افسران، درجه داران وهم ـ ردیفان آنان، که در جریان عملیات خنثی سازی بمب وتله های انفجاری شهید شدند" و نیز لایحه "تکمیل شرکت ها و مجتمع های ساختمانی نیمه تمام و متوقف" مورد بحث قرارگرفت و به تصویب رسید. لایحه مربوط به "الحاق یک تبصره به لایحه ضبط اسکناسهایی که بطریق غیرقانونی وارد کشور شده اند نیز مورد تصویب مجلس قرارگرفت.

معرفی اعضای کابینه

سپس نامهٔ آقای میر حسین موسوی نخست وزیر در مورد معرفی اعضاء کابینه قرائت شد. درکابینهٔ جدید دو وزیر تازه: آقایان توکلی به عنوان وزیرکار و اموراجتماعی وسرهنگ سلیمی بعنوان وزیردفاع وارد شده اند.

همچنین سرپرستی وزارت امورخارجهٔ موقتا با آقای موسوی نخست وزیر است.

مجلس شورای اسلامی بعدازظهر همان روز برای بحث در مورد برنامه دولت و وزراء کابینه تشکیل جلسه داد. دراین جلسه ابتدا نخست وزیر به تفصیل برنامه دولت را به اطلاع نمایندگان رساند. وی ابتدا تاکید کرد که با سطح آگاهی بالای مردم وامکانات زیادی که دراختیار دولت است، شرایط مساعدی برای کار و فعالیت سازنده موجود است. نخست وزیر آنگاه به شرح برنامه های دولت در مورد مسائل مختلف کنونی کشور پرداخت. وی جنگ را اصلی ترین مسئله جامعه دانست و لزوم بکارگرفتن تمام امکانات برای پایان پیروزمندانه آن رایادآور شد. نخست وزیر همچنین به مسئله امنیت اشاره کرد و لزوم وجود یک سازمان اطلاعاتی "قوی ومطمئن" را مورد تاکید قرارداد. نخست وزیر درمورد مسائل اقتصادی کشور، با تاکید بر لزوم برنامه ریزی دقیق و علمی در رشته های مختلف اقتصادی، خط اصلی و هدف نخستین این برنامه ها را "حمایت از مستضعفین" وخدمت به آنان معرفی کرد. نخست وزیر برنامه ها و اصولی را که درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درمورد ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است، کامل توصیف کرد و با اشاره به اینکه "این برنامه ها تاکنون اجرا نشده است"، قصد دولت را برای اجرای صحیح و دقیق آنان اعلام داشت. نخست وزیر تاکید کرد که تمام این برنامه ها واهداف در خدمت استقلال اقتصادی کشور واحقاق حقوق ملت قراردارد. نخست وزیر در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد:

"ما باید تحرکی بیش از آنچه (در چندماه گذشته) داشته ایم بدست بیاوریم، بخصوص باخلائی که درسال ـ های اخیر دراین زمینه وجود داشته است".

سپس چند تن از نمایندگان به عنوان موافق و مخالف کابینه سخن گفتند.

دستهای پینه بسته روستائیان مالك اراضی برباد رفته است

زرهانی، نمایندهٔ مردم دزفول، بعنوان موافق کابینه، با اشاره به اینکه "تروریستهای اقتصادی مشغول غارت بیت المال و دسترنج مردم مستضعف هستند"، "خواهان کار جدی وزارت بازرگانی در جلوگیری از این گونه اعمال ضدانقلاب شد. وی همچنین اظهار امیدواری کرد که نقاط ضعف طرح توزیع عادلانه کالاها و سیستم کوپن بندی کالاها هرچه زودتر برطرف شود و این طرح انقلابی باسرعت بیشتر به انجام برسد. ناطق در قسمت دیگری از سخنانش به اقدام انقلابی جهاد سازندگی در انجام طرح آمارگیری مناطق روستایی ونیازهای روستانشینان اشاره کرد وگفت:

"ولی اگر این کار همزمان با اصلاحات ارضی اسلامی نباشد، ثمره اش به زالوها و فئودالها می رسد... ولی با امتیازاتی که از سوی امام امت اخیرا به مجلس داده شده وزمینه های مساعدی که درجامعه وجود دارد، به همت دولت جدید و مجلس، این کار (اصلاحات ارضی اسلامی) انجام خواهد شد... ودستهای پینه بسته روستائیان مالک اراضی برباد رفتهٔ خود خواهد شد".

بقیه در صفحه ۶

تفسیر وقایع مهم جهان

لحظه‌های دشوار و پرخطر جهان

جهان مالحظه‌های بس دشوار وخطرناکی را ازسرمیگذراند. تلاش امپریالیسم برای بازداشتن روند انقلابی جهان از شتاب فزاینده‌ای که در سالهای دهه گذشته به خود گرفت سراسر گیتی را به کانون‌های تنش، رویاروئی و جنگ مبدل ساخته است. کارگزاران شیطان بزرگ علنا از امکان بروز جنگ هسته‌ای سخن میگویند وبرای آن تدارک می‌بینند. خطر جنگ امروز بیش از هرزمان دیگر در دوران پس از جنگ دوم جهانی جامعه‌بشری را تهدید میکند. امپریالیست‌های امریکائی سیاست جهانی خود را دریک جمله خلاصه میکنند: دنیا باید بصورت غارتکده ما باقی بماند و یا آنرا به‌مشتی خاکستر بدل خواهیم کرد. آینده جهان ماوابسته به آنست که خلق‌های جهان بتوانند دیوانگان جنگ‌طلب را مهار کنند و درعین حال دنیا را از صورت غارتکدهٔ امپریالیسم بیرون بیاورند واین دووظیفه با یکدیگر پیوند عضوی دارند. در صحنه این مبارزه ضدامپریالیستی است که جنبش صلح درآنسوی جهان با انقلاب ایران دراین سو دریک صف قرارمیگیرند. حوادث جهان هرگز درتاریخ تا این پایه به هم مربوط نبوده‌اند. تظاهرات عظیم ضدامریکائی که به مناسبت هفته صلح در سراسر اروپا برگزار شدبافریادهای مرگ برآمریکا که در ۱۳ آبان در ایران جاسوسخانه آمریکا را لرزاندنشانگراین ارتباط ناگسستنی بین جنبش‌های مردمی و کارگری کشورهای اروپا و جنبش‌های رهایی‌بخش خلق‌های ستمدیده‌بود. حوادثی که در سراسرجهان میگذرد جلوه‌هایی از مبارزه بین امپریالیسم با نیروهایی است که نه جهان را غارتکده می‌خواهند ونه مشتی خاکستر. منطقه مابه دلیل ثروت‌های عظیم مادی وامکانات اقتصادی خود وهمچنین بدلیل موقع استراتژیک وسیاسی‌اش که‌آنهم در فرجام به همان علت برای امپریالیسم حائز اهمیت است به‌ویژه، پس از انقلاب ایران به‌یکی از عمده‌ترین صحنه های سیاست‌امپریالیستی باقبول غارت یا قبول مرگ تبدیل شده‌است. میهن انقلابی ما بیش ازهمه‌در معرض خطرات این سیاست قرار دارد.

هیگ:
"ایران باید ارزشهای غربی را بپذیرد"

هیگ وزیر امور خارجه امریکا درسخنانی که درهفته‌گذشته در سمینار ناشران وسردبیران مطبوعات امریکا بیان داشت سیاست خارجی دولت‌ریگان در قبال ایران‌را چنین شرح‌داد: "سیاست‌خارجی امریکا نسبت به ایران باید بدون شک براساس اهمیت استراتژیکی و تاریخی آن برای آمریکا قرار داشته باشد. ما نگرانی خود را از رژیم کنونی پنهان‌نمی‌کنیم. درمورد جنگ ایران وعراق... ما به مناسبات درازمدت تاریخی خود توجه‌داریم و کوشش میکنیم سیاستی را درپیش گیریم که نتیجه‌آن بوجودآمدن رژیم معتدلی درتهران باشد که حداقل باسیاست‌هامنافع وارزش‌های امریکا وبقیه کشوری‌های دنیای غرب هماهنگ‌باشد. درحال حاضر چنین رژیمی در تهران وجود ندارد" "نقل ازصدای امریکا ۸/۸/۶۰)

سیاستی که امپریالیسم هار امریکا می‌خواهد در پیش گیرد تانتیجه آن سرنگونی رژیم کنونی ایران وروی‌کارآمدن "رژیم معتدلی هوادار منافع و پذیرای ارزش‌های امریکاودنیای غرب باشد چه سیاستی است؟ "منافع درازمدت تاریخی" امریکا در ایران و منطقه کدام است؟ امریکا باچه‌وسیله وشیوه‌ای‌میخواهدرژیم کنونی ایران‌راسرنگون‌کند وآن‌رژیم "معتدل" هوادارخود را روی کار آورد؟

مردم‌ایران دریک انقلاب خونین رژیم هوادار غرب را سرنگون‌کردند، ارزش هـای آمریکاودنیای غرب رابدورافکندند، جمهوری اسلامی‌ایران‌رابنیان‌گزاردند تا کشورشان را از غارتکده انحصارات امریکائی به‌سرزمین بهروزی وشکوفائی بدل سازند، اکنون جز با مداخله مسلحانه و بکار بردن زور عریان چگونه‌می‌توان نظام کنونی را که ازپشتیبانی بیدریغ توده‌ها برخورداراست واژگون‌کرد و بجای آن نظامی پذیرای ارزش‌های غربی را نشاند. و این "ارزش‌های "غربی چگونه ارزش هائی هستند که‌حاضرنیستند رای بیش از ۱۸ میلیون نفر را در تائید نظام کنونی ایران بپذیرند. و حقیقتا این "ارزش‌ها" چه‌ارزشی دارند؟ تاس خبرگزاری رسمی شوروی سخنان هیگ‌را دخالت بیشرمانه‌در امور داخلی یک کشور مستقل و دارای حق حاکمیت توصیف نمود وآنرا محکوم کرد.

مداخله کشورهای امپریالیستی در امور داخلی کشورهای‌دیگر منطقه‌نیز روزبه‌روزجنبهٔ گسترده‌تری به‌خود میگیرد. امپریالیست های آمریکائی دست در دست‌حکام مرتجع منطقه حضور نظامی‌خود درکشورهای‌خاورمیانه‌ونزدیک راتقویت‌میکنند واستقلال و آزادی خلق‌ها را قربانی "ارزش‌های غربی" ویا به‌عبارت‌ساده تر حفظ و بقای سیستم غارتگرانه سرمایه داری میکنند.

نیکسون گرگ پیر دیپلوماسی امریکاکه‌بار دیگردرصحنه‌سیاست‌ظاهرشده‌است. درگفتگوئی با نیوزویک ازتز ریگان درکنفرانس کانکون (شمال و جنوب) راجع به برقراری ارتباط با "دنیای سوم" بر پایه "اقتصادآزادسرمایه‌داری" حمایت‌کرده‌میگوید "این‌پاسخ‌نهائی است" (نیوزویک ۲ نوامبر ۱۹۸۱). آری، حفظ روابط غارتگرانه با "دنیای‌سوم" پاسخ نهائی امپریالیسم به جنبش خلق‌ها در راه رهائی اقتصادی و سیاسی است وآنجاکه خلق‌ها به این روابطگردن ننهند پاسخ دیگری به آنها داده‌میشود: گلوله واگر کار جدیتر شود بمب نوترونی. بی جهت نیست که هم اکنون امپریالیسم امریکا به‌خلق‌های منطقه ما که‌برای استقلال وآزادی خود بپا خاسته‌اند با تمرکز بزرگترین ناوگان خود، درمنطقه، با اعزام آواکس‌ها، با مانورهای "ستاره درخشان"، با نیروهای چندملیتی درصحرای‌سیناپاسخ‌میدهد.

عربستان سعودی به‌آواکس ها برای چه نیازدارد؟

رئیس جمهور امریکا، وزیر دفاع، وزیر امور خارجه، سنا و... ماهها باهم بر سر فروش آواکس‌ها به‌عربستان سعودی‌کشتی‌گرفتند وسرانجام‌فروش آواکس‌ها به عربستان سعودی مسجل شد. اینکه‌مخالفان و موافقان فروش آواکس‌ها به عربستان سعودی چه کسانی‌بودند و دلیل موافقت یا مخالفت آنان چه بود از حوصله این مقاله بیرون است. تنها به‌ذکر یک نکته‌اکتفا میکنیم که در پشت سراین‌موافقت‌ها ومخالفت‌ها همیشه منافع انحصارات‌بزرگ در گرفتن سفارش‌های‌نظامی نهفته است و در این مورد بخصوص انحصارات اسلحه‌سازی و نفتی بر رقبای خویش پیروز شدند. اما موضوع‌مورد بحث ما اینست‌که عربستان سعودی آواکس ها رابرای چه‌میخواهد؟

پاسخ‌این سئوال را از شرایط واگذاری آواکس‌ها به عربستان سعودی به‌سادگی می‌توان دریافت.

۱ـ آواکس‌ها تاسال ۱۹۹۰ دردست‌کارشناسان‌امریکائی خواهدبود. اطلاعاتی‌که به وسیله این آواکس‌ها بدست می‌آید در اختیار کارشناسان آمریکائی‌قرارخواهدگرفت. امریکائیها اطلاعاتی را که‌لازم بدانند به عربستان سعودی خواهند داد.

۲ـ عربستان سعودی باید کتبا تعهد کند که ازاطلاعات دریافت شده به زیان اسرائیل استفاده نخواهد کرد.

۳ـ عربستان سعودی‌باید در تلاش های آمریکا برای استقرار صلح درخاورمیانه‌مشارکت سازنده واساسی داشته باشدواگر مشارکت‌نکند به‌گفته‌ریچارد آلن مشاور ریگان در امور امنیت ملی دستور واگذاری آواکس‌ها به عربستان سعودی در پایان مهلت مقرر از سوی رئیس جمهور آمریکا صادر نخواهد شد.

پس از فروش آواکس‌ها به‌عربستان سعودی ریگان نامه‌ای به مناخیم بگین نوشت‌و در آن متذکر شد که "امریکا همچنان مسئلهٔ امنیت اسرائیل را به‌عنوان یکی‌ازعوامل‌اصلی تصمیم‌گیری‌های خود درمورد مسائل استراتژیکی خاور میانه محسوب‌میدارد". جیمز برگر رئیس‌دبیرخانه کاخ سفید در مصاحبه خـود گفت: "پرزیدنت‌ریگان در حضور من به نخست وزیر اسرائیل قول داد و تعهد کرد کـه‌پشتیبانی کمّی وکیفی از قدرت نظامی اسرائیل برای حفظ برتری آن براعراب ادامه خواهد داشت" (نقل از صدای آمریکا ۸/۸/۶۰).

پس عربستان‌سعودی آواکس‌ها را برای چه میخواهد؟ میلیاردها پول را برای چه به انحصارات اسلحه‌سازی میدهد؟

حقیقت مسئله‌اینست‌که‌ملوک‌سعودی‌نیز مانند شاه‌ایران‌چاره‌ای جز خزیدن در زیربال امپریالیسم‌آمریکا ندارند. اکنون عربستان سعودی‌عملا‌در زیرسلطهٔ نظامی امریکاست. همان صحنه‌ای که ما در آخرین سالهای حکومت‌شاه درایران شاهد آن بودیم‌در عربستان‌سعودی تکرارمیشود. پول بیحساب نفت به حکام عربستان‌سعودی امکان‌میدهد که بزرگترین خریدار سلاح در سراسر جهان باشند. به دنبال خرید میلیاردها دلار اسلحه هزاران مستشار نظامی امریکائی، اروپائی وپاکستانی به‌عربستان‌سعودی‌سرازیرشده‌اند. درعربستان سعودی فرودگاه‌ها، راه‌ها، سیستم ارتباط و مخابرات و... باهمکاری این‌مستشاران‌ساخته وآماده‌میشود. عربستان‌سعودی به‌صورت یکی از مراکز عمده فرماندهی سپاه‌واکنش سریع در منطقه خلیج‌فارس درمی‌آید. هدف تمام این اقدامات نیز قبل از هرچیزرویاروئی باجنبش‌های انقلابی منطقه‌است. ریگان وهیگ علنا اعلام داشته‌اند که‌هرگز اجازه نخواهند داد (البته‌اگر کسی بخواهدازایشان‌اجازه‌بگیرد) حوادثی نظیر ایران در منطقه روی دهد و آماده‌اند با تمام نیرو، از جمله با استعمال بمب‌نوترونی منافع دنیای "آزاد" را درخاور میانه ونزدیک‌حفظ‌کنند.

سیاست‌ماجراجویانه امپریالیسم در منطقه وهمکاری رژیم‌های‌مرتجع باآنان، هر قدرهم آنرااستتار کنند ازچشم‌خلق‌ها دور نمی‌ماند. حکام‌مرتجع منطقه زیر فشارخلق‌ها ناگزیر به‌مانورهائی دست‌میزنند تا وابستگی خودرا از انظار مخفی دارند. طرح فهد یکی ازاینگونه‌مانورهاست.

برقراری صلح درخاورمیانه

مسئله‌خاورمیانه وغدهٔ سرطانی‌اسرائیل درقلب این‌منطقه باسیاست‌امپریالیستی "یا غارت یامرگ "پدید آمده‌است وحل آن نیز جز با شکست این سیاست ممکن نیست. قرن‌های متوالی یهودیان و مسلمانان در سرزمین فلسطین پهلو به پهلوی یکدیگرزیسته‌اند. در هیچ‌کشور اسلامی فاجعه‌هائی نظیر آنچه در کشورهای اروپائی برسر یهودیان آوردند روی نداده‌است. یهودیان هرچند در کشور های اسلامی شهروندان برابر حقوقی نبودند، اما هرگز در معرض قتل و کشتار بی امان قـرار نگرفته‌اند. مسئله اختلاف یهود و اعراب را امپریالیست‌هابوجودآوردند وبرآن دامن‌زدند تاجائی که‌امروز دولت صهیونیستی اسرائیل صدها باربیرحم‌تر از نازی‌های آلمانی‌کودکان وزنان‌عرب‌فلسطینی رانابود میکند. تازمانیکه اسرائیل یک‌دولت‌تجاوزگر امپریالیستی باقی بماند صلح در منطقه‌بوجود نخواهـد آمد. "صلحی" راکه امریکائیها و صهیونیست ها میخواهند "صلحی" است‌برپایه امکان ادامه غارت خلق‌های عرب و به‌ویژه منابع نفتـی ثروتمند آنان. دولت‌عربستان‌سعودی‌که خود درتقویت سیستم‌امپریالیسم‌جهانی‌میکوشد و خاک‌خودرا به پایگاه تجاوز آنان مبدل‌می‌سازد چگونه میتواند مبتکر صلحی بر پایـهٔ شناسائی استقلال و حاکمیت خلق‌های عرب منطقه‌باشد. "ذات‌نایافته از هستی‌بخش‌کی تواند که‌شود هستی بخش" نخست‌باید طرحی درباره‌استقلال‌خود عربستان‌سعودی تهیه‌شود وسپس درفکردیگران‌بود.

اسرائیل تایک دولت صهیونیستی‌نژادپرست باقی بماند، هرگز تن به قبول دولت مستقل‌فلسطینی نخواهد داد واین‌راسخن‌گویان‌اسرائیل باصراحت‌اعلام‌میکنند. تشکیل یک‌دولت‌مستقل‌فلسطینی‌هنگامی‌میسراست که دست‌امپریالیسم‌امریکا وسلطه صهیونیسم بر خلق‌مظلوم یهود پایان یابد و درآن صورت برای پادرمیانی ملوک‌سعودی‌نیز جائی باقی نخواهدماند، زیراخودشان نیز دیگر جائـی در زیرآسمان‌کبود نخواهند داشت‌وباید به قصرهائی که در آمریکا واروپاخریده‌اند نقل‌مکان‌کنند. میانجیگری عربستان‌سعودی در حالیکه امپریالیسم‌امریکاوهمدستان اروپائیش هرروز جای پای خودرا درکشورهای منطقه با کمک‌زمامداران‌خائنی چون فهدوحسنی‌مبارک محکمترمیکنند چیزی جز تلاش برای آشتی دادن غارتگران وغارت‌زدگان‌نیست. نمی‌توان درصف‌غارتگران ایستاد و خودرا سخن‌گوی‌غارت‌زدگان‌نامید. فهدباچنین‌ادعایی‌به میدان‌آمده‌است. امریکائیها سراسر کشورهای عربی رادرمحاصرهٔ خودگرفته‌اند، بااسرائیل برضداعراب‌اتحاداستراتژیک‌می‌بندند، تعهد میکنند که‌برتری کمّی وکیفی‌نظامی اسرائیل‌را براعراب همیشه حفظ خواهند کرد، نیروهای‌خود را در صحرای‌سینا مستقر میکنند، آنگاه "شاهزاده" فهد پرچم "صلح" را برافراشته به‌میدان‌می‌آید.

آری صلح از همه چیز والاتر ومقدس‌تر است‌به‌شرط‌آنکه پایه غارت امپریالیستی‌قرار نگیردکه دراینصورت چیزی جز تسلیم‌نیست. "صلحی"که‌سادات در راه آن گام برداشت و اکنون‌نیروهای چندملیتی برمبنای آن صلح درخاک مصر مستقر میشوند، از چنین‌مقوله‌ای است.

نیروهای چندملیتی

یکی از موهن‌ترین مواد قرارداد کمپ‌دیوید که سادات بدان تن درداد پذیرش حضور نیروهای نظامی خارجی در خاک‌مصر پس‌از تخلیه صحرای سینا ازارتش اسرائیل بود.

امروزامریکا و هم‌پیمانان اروپائیش به دستاویزاین ماده قرارداد نیروهای خود رادر خاک‌مصر مستقر میکنند. خبرگزاری‌ها اطلاع میدهند که برخی از کشورهای‌اروپائی عضو ناتوآمادگی خود را برای شرکت در این نیروها اعلام داشته‌اند. این‌اعلام آمادگی راباید‌نخستین‌موفقیت دولت ریگان در بند کردن‌دست‌متحدان‌اروپائیش درخاورمیانه و نزدیک‌دانست.

موضوع مداخله کشورهای عضو ناتو در خارج ازقلمروئی که درمنشور سازمان پیمان آتلانتیک گنجانده‌است. همیشه‌بین ایالات متحده‌آمریکا و متحدان اروپائیش موردبحث واختلاف‌بود. کمتر دولتی از اعضای پیمان آتلانتیک حاضر میشد در ماجراجوئی های امپریالیسم‌امریکا در خارج ازقلمرواین‌پیمان خود را درگیر کند. پس از انقلاب ایران امپریالیست‌های‌آمریکائی با این دستاویز که تمام دنیای‌غرب در حفظ‌منابع نفتی خلیج فارس ذینفع است‌موفق شدند برخی ازکشورهای‌اروپائی و قبل ازهمه‌انگلستان‌رابه شرکت درعملیات‌دریائی‌خود درمنطقه اقیانوس‌هند ودریای‌عمان‌وخلیج‌فارس وادارکنند. سپس دیگر اعضای پیمان، در اجلاس‌کمیته‌برنامه‌ریزی خود در بروکسل (اوایل خـرداد ۶۰) برای نخستین بار زیر فشار شدیـد امریکا تصمیم‌گرفتند که اگر دولت امریکـا بخواهد نیروهای‌واکنش‌سریع خودرا در مناطق خارج‌از قلمرو فعالیت پیمان‌آتلانتیک بکار برد سایر اعضای این‌پیمان نیروهای خود را دراختیار فرماندهی‌امریکا قرار خواهند داد. این‌تصمیم قبل‌ازهرچیز درارتباط‌باحوادث خاور میانه ونزدیک‌به‌ویژه انقلاب‌ایران و رویداد های افغانستان اتخاذشده‌بود. اینک ایالات‌متحده آمریکا این‌تصمیم رازیرپوشش‌نیروهای چندملیتی در صحرای سینا عملی میکند، موضوع تشکیل این‌نیرو ماه‌ها قبل از مرگ‌سادات‌مورد مذاکره‌بود. درهمان‌موقع کمال‌حسنعلی وزیر امورخارجه مصر فاش کردکه نیروهای‌چندملیتی در صحرای سینا زیر نظر یک مقـام آمریکائی قرارمیگیرند. استقرار نیروهای چند ملیتی بنام "پاسدارصلح" در خاک مصر هم‌زمان بااوج‌گیری جنبش‌انقلابی در این کشور ومانورهای‌مشترک ارتش امریکا و مصر در مرز لیبی و سودان جای تردید باقی‌نمی‌گذارد که امریکائی‌ها باتجربه‌اند وزیاز انقلاب ایران تصمیم‌دارند اززژیم‌های دست نشانده‌خودبه هرقیمتی شده‌است پشتیبانی واز سقوط آنها جلوگیری کنند. "قبول‌غارت یا قبول‌مرگ"ـ اینست پیشنهادی که شیطان جهانخوار به خلق‌های ستمدیده عرضه میکند و پاسخ‌خلق‌ها به‌این‌پیشنهادنیز روشن است: "صلح، استقلال، آزادی".

محو سیستم ...

بقیه از صفحه ۱

غارتگری‌های امپریالیسم جهانی، خصوصا شیطان بزرگ، وبرچیدن پایگاه‌های داخلی آن، یعنی سرمایه‌داری بزرگ وابسته و زمینداری بزرگ وتامین رفاه حال مادی‌ومعنوی جامعه، تامین آزادی های دموکراتیک ضرور برای اعضاء جامعه، وبرای پایان بخشیدن به‌مظالم‌وجنایات شاهنشاهی، در واژگون کردن رژیم پیشین شرکت کردند و جمهوری اسلامی ایران را پی ریختند.

نگاهی به‌کارنامه سی و دو ماهه انقلاب عیان می‌سازدکه، انقلاب ایران بنا به خواستهای جامعه انقلابی‌و ضرورتهای در خور یک انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی، از همان‌فردای پیروزی انقلاب و واژگون ساختن رژیم آمریکائی و ضدمردمی شاه ملعون، دستیابی به‌آماجهای اساسی‌و حیاتی‌را هدف خود قرارداد. انقلاب، پرتوان‌و استوار، مصمم وموظف بود که با انجام اقدامات بنیادین، میراثهای شوم بجا مانده از رژیم سلطنتی را نابود کند و به خواست دیرینه توده‌های محروم و رنجدیده پاسخ شایان توجهی بدهد. سی‌ودوماه‌تجربه‌تردیدی‌باقی نگذاشته که‌این‌اقدامات بنیادین درنخستین‌گام ـ ها پس از کسب حاکمیت سیاسی، در از میان برداشتن وخشکاندن ریشه‌های گندیده سرمایه داری بزرگ وابسته و زمینداری بزرگ خلاصه میشده‌ومیشود.

انجام این امرمهم و حیاتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیزبازتاب‌یافت. توده‌های‌انقلابی، که توانسته‌بودند با قیام‌خودرژیم طاغوت راسرنگون سازند، آمادگی خود رادربه ثمر رسانیدن این امر عاجل و حیاتی اعلام کردند.

چگونه دولت "گام به‌گام" لیبرال به عمده‌ترین خواست دهقانان "نه"! گفت

از جمله این خیل جانفشانان، توده‌های میلیونی روستائی بودند که نقش قابل توجه‌وچشمگیری‌رادر پیروزی انقلاب ایفاء کردند.

ارتش میلیونی مستضعفان‌روستا، طی سالیان متمادی در زیرشدیدترین استثمار‌وستم بزرگ‌مالکان‌قرارداشتند و ضرورت از میان برداشتن پایگاه بزرگ‌مالکی‌راباپوست وگوشت‌خود احساس کرده‌بودند. دهقانان ستمدیده و مستضعف بخوبی‌می‌دانستند که بزرگ‌مالکان زالوصفت عامل بازدارنده رشد وشکوفائی کشاورزی وانقلاب هستند. آنها، ونه‌فقط‌آنها، بلکه همه مردم انقلابی ما در همان اولین روزهای پیروزی انقلاب، خواهان محو این پایگاه‌داخلی‌امپریالیسم‌جهانی بسرکردگی شیطان‌بزرگ ـ آمریکای‌جنایتکار، ازطریق‌تصویب واجرای‌اصلاحات ارضی بنیادین شدند. دهقانان رنجدیده میهنمان‌وهمه انقلابیون‌آگاه این‌مطلب رابخوبی‌می‌دانستند که اگر در ازمیان برداشتن این پایگاه غارت و توطئه، سستی از جانب مقامات مسئول به‌خرج داده‌شود، چه‌زیانهاوخسارات جبران ناپذیری درآینده گریبانگیر انقلاب خواهدشد.

متاسفانه با روی کار آمدن‌دولت لیبرالی "گام به‌گام"، یعنی‌اولین‌دولت پس‌ازانقلاب شکوهمندمیهنمان، تمام این‌آرزوهاوخواستهای بحق، تنها به صورت‌نوشته‌ای‌بروی کاغذماند. دولت موقت، که نتوانسته بود و نمی‌خواست خصلت ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب اسلامی ایران رادرک کند، با طرح نظریات لیبرالی وسمت گیری در جهت خلاف خواستهای توده های محروم، و بدست یک گروهندی از فئودالها و سرمایه‌داران، که بزرگ‌مالکی در لباس وزیرکشاورزی در راس آن قرارداشت، باصراحت و وضوح به مهمترین‌وضروری‌ترین‌خواستهای مردم زحمتکش ایران و ازجمله‌دهقانان "نه" گفت. دهقانان مصادره اراضی زمینداران بزرگ را، که طی سالیان‌دراز با بکاربردن زور و تزویر اراضی متعلق به دهقانان رابه‌تصرف خویش‌درآورده بودند، و واگذاری‌این‌اراضی به‌صاحبان اصلی و واقعی آن، یعنی دهقانان تهیدست را طلب می‌کردند. دولت موقت درست برعکس‌این‌خواست ومغایر بانیازعینی‌انقلاب عمل‌کرد. و بدین طریق‌انقلاب را از بروز یکی ازخصائل عمده‌اش (ضدفئودالی‌وبزرگ‌مالکی) محروم ساخت.

سران دولت موقت با گستاخی خاص لیبرالها و بی‌آنکه به فریادهای حق طلبانه توده‌های ستم کشیده دهقانان‌کوچکترین توجهی معطوف دارند، علی‌محمدایزدی، یکی از "علاقمندان‌به‌کشاورزی"! را از آمریکا فراخواندندو برمسندوزارت کشاورزی نشاندندو او بطورکلی منکروجودبزرگ‌مالکان درایران شد!

روزی نیست که فئودالهاو بزرگ مالکان در گوشه وکنار این کشور رنجدیده، توطئه‌ای نو نیافرینند. با گذشت نزدیک به سه سال از انقلاب، ما هنوز که هنوز است شاهد این‌توطئه آفرینی‌ها از جانب زمینداران بزرگ غارتگر هستیم، که یکروز به شکل حلق‌آویز کردن دهقانان‌ستمدیده چهره می‌نماید و روز دیگر با آتش‌زدن دسترنج‌چندین‌ماهه آنان.

اگر انقلابی در ایران‌رخ نداده بود، فکرمی‌کردیم که این یاوه ها از دهان مزدوران شاهنشاهی بیرون‌میزند. امااز‌دولت "گام به‌گام" و وزیر کشاورزی "کارت سبزدارش"، بخاطر ماهیت لیبرالی آنها، بیش از این نمیشد انتظار داشت.

هنگامی که‌قانون‌اصلاحات ارضی تنظیم و در شورای انقلاب تصویب‌شد بزرگ مالکان و عمال آنها، که اجرای این طرح عادلانه و انقلابی رابه‌زیان منافع غارتگرانه خود می‌دیدند، دست از تبلیغات شوم ومسموم‌خود علیه‌این قانون‌مترقی ومطلوب توده‌های‌میلیونی دهقانان زحمتکش برنداشتند. آنها‌در لباس لیبرال متخصص یا در چهره روحانی نمای ضد خط امام، همواره کوشیدند، تا با زدن‌برچسب‌های گوناگون، چون: "طرح‌کمونیستی"، "غیرشرعی" و یا "عامل بازدارنده رشد تولیدات کشاورزی"، ازاجرای قانون‌اصلاحات‌ارضی جلوگیری کنند، و متاسفانه تا حدود بسیارزیادی موفق هم شدند.

واین بخشی‌بود ازتوطئه آفرینی‌ـ های امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی‌اش که می‌کوشیدند با دامن زدن به نارضایتی توده‌های پشتیبان انقلاب، وازجمله دهقانان، آنهارابه صفوف بی‌تفاوت‌ها ویامخالفان‌انقلاب برانند.

توقف اجرای بندهای "ج" و "د"

فقهای عالیمقامی‌چون‌آیت اله منتظری، آیت‌اله‌مشکینی‌و شهید دکتر بهشتی، برای آنکه فتنه انگیزی‌های شیطان بزرگ و پایگاه‌های داخلی‌آن (که‌بزرگ مالکان از آن جمله‌اند) ونیز سخنگویان رسمی‌طرفدار بزرگ‌مالکی درایران، یعنی لیبرالها و روحانی‌نمایان‌مخالف باخط‌امام را بی‌اثر و برچسب‌های‌محیلانه آنانرا ناچسب سازند، قانون‌اصلاحات ارضی را مورد بررسی قرار دادند و محتویات آن را موافق‌اصول فقه وشرع اسلام دانستند. اما وابستگان به‌بزرگ‌مالکان، که‌مفاداین قانون‌انقلابی وشرعی را موافق‌قوانین اسلام آمریکایی نمی‌دانستند و مرگ تنگین‌خودرادراجرای عاجل‌وقاطعانه آن‌می‌دیدند، یکباردیگر توسط عوامل ساواکی، لیبرال و روحانی‌نمایی که‌در ارگانها و نهادهای دولتی وانقلابی رخنه‌کرده‌بودند، زمینه رابرای توقف مجدد قانون اصلاحات ارضی فراهم آوردندو، همزمان با تجاوز گسترده آمریکایی رژیم صدام خائن، موجبات تعلیق بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی را، که بدون این دو ماده اساسی، قانون‌اصلاحات ارضی، قانونی مسخ شده و تهی از محتوای انقلابی و مترقی خواهد بود، باعث شدند.

از آن زمان تاکنون، اجرای‌بند ـ های "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی، متوقف‌شده‌است. وتامتوقف‌باقی بماند بزرگ مالکان این امکان را در اختیار دارند که در‌اجرای طرحها و توطئه‌های شیطانی‌امپریالیسم آمریکاو همدستی با مزدوران صدام خائن، مشارکت فعال داشته باشندو همچنان به ستمگری علیه دهقانان مستضعف‌و استثمار آنان و نیزضربه‌زدن به‌اقتصاد کشاورزی ودرنهایت به‌انقلاب، ادامه دهند.

جای بسی تاسف است، درزمانی که امام خمینی، رهبر انقلاب، دلیل مالکیت بزرگ مالکان و فئودالها را بر اراضی جز سندهای قلابی و تصرف عدوانی نمی‌دانند، هنوز که هنوزاست بزرگ مالکان درچهارگوشه این مملکت وجود دارند و هرساعت‌وهرروز طرحی نو برای‌نابودی انقلاب می‌ریزند تابار دیگر سلطه جهنمی خود را بردوش دهقانان‌زحمتکش‌هموارکنند.

وظیفه انقلابی و خطیری که بردوش نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار داد

خوشبختانه در این اواخر، آقای محمدسلامتی، وزیرکشاورزی چند بار مژده بزرگی به مردم‌انقلابی ایران‌و خصوصا دهقانان‌زحمتکش داده است. مثلا طی‌مصاحبه‌ای اختصاصی درتاریخ ۲۵ شهریور ماه سال جاری‌باخبرگزاری پارس، وی‌اعلام کرد:

"بعدازپایان تعطیلات مجلس شورای اسلامی بند "ج" و قانون اصلاحات ارضی اسلامی برای تصویب درمجلس مطرح خواهد شد... که انشاءاله، اجرای قانون اصلاحات‌ارضی اسلامی، که درآن بند "ج" و "د" نیز منعکس است، آن خواستهای‌کشاورزان‌ـ مان جامه عمل خواهدپوشید و دیگر آنها درآینده نزدیک در گیر فشار فئودالهانخواهندبود ودولت قاطعانه دراین‌جهت عمل خواهد کرد..." (جمهوری‌اسلامی ۶۰/۶/۲۶)

این بشارت بزرگ، هر ایرانی انقلابی و وطن‌دوست راشادمی‌گرداند، زیرا که درنخستین گام، استقلال و آزادی میهن‌عزیزخودرا در گرو رهائی از چنگ پایگاه‌های استکباری عمده امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم جنایتکارآمریکا، یعنی کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی می‌داند.

اما مانع ورادع را از سرراه قوانین ضروری، از جمله قانون مربوط به اصلاحات ارضی بنیادی، که‌بااساس جمهوری‌اسلامی‌ایران‌وحفظ این نظام پیوستگی‌دارد، امام‌خمینی‌رهبرانقلاب طی نامه جوابیه خودبه رئیس مجلس شورای اسلامی، برداشتند. اکنون با بهره‌گیری از اعمال ولایت، تصمیمات و مصوبات اکثریت نمایندگان مجلس "لازم‌الاجرا" خواهد بود. اینک دیگر هیچ بهانه و عذری باقی‌نمانده است‌و دستاویزهااز چنگال عمال بزرگ‌مالکان بدرآمده‌است.

اکنون دیگر مسئولیت خطیرو بسیارسنگینی‌بردوش‌نمایندگان‌متعهدو انقلابی‌مجلس شورای‌اسلامی‌است، که بایدنشان‌دهندشایسته اعتماد امام و سزاوار امیدواری‌مردم هستند. اکثریت نمایندگان‌متعهدوانقلابی‌مجلس‌شورای اسلامی باید خواست‌اکثریت‌غارت‌شده (دهقانان‌زحمتکش وتهیدست) را بر خواست اقلیت غاصب (بزرگ مالکان و فئودالهای‌ستمگر) ارجح‌بشمارند و با استفاده از اعمال ولایت توسط رهبر انقلاب و تعیین تکلیف اخیر، توسط به‌رسمیت‌شناختن‌وتصویب تمام و کمال مواد قانون اصلاحات ارضی، بویژه بندهای "ج" و "د"، به نیاز انقلاب و خواست دیرینه دهقانان تهیدست مبنی بر واگذاری کلیه‌اراضی بایرودایر بزرگ مالکان، جامه عمل بپوشانند.

تصویب قانون اصلاحات ارضی، درشرایط دشوار کنونی، که انقلاب و میهن ما از چند جهت مورد هجوم ضدانقلاب داخلی وخارجی قرار گرفته است، امری ضرور است. تصویب‌قانون اصلاحات ارضی و بویژه بندهای "ج و "د" توسط‌اعضای متعهد وانقلابی مجلس شورای اسلامی واجرای‌آن‌توسط دولت‌انقلابی ونهادانقلابی‌هیئت‌های هفت‌نفری، رابطه مستقیم‌وتنگاتنگ‌با اعتلاء کشاورزی و بارآوری محصولات تولیدی زراعی، با تحکیم پشتیبانی میلیونی دهقانان‌ازانقلاب، با نابودی پایگاه‌ضدانقلاب وباپیشرفت‌انقلاب در کل دارد. وزیرکشاورزی به‌حق درهمان مصاحبه یادآوری می‌کند:

"درمناطقی که‌تقسیم‌زمین انجام شده، بطور ملموس نتیجه کار بهترو سطح تولید نیز زیادبوده‌است، بطوری که در سال گذشته، که ۳۲۰ هزار تن گندم‌خریداری‌شده‌بود، امسال‌این‌خرید به میزان ۷۰۰ هزار تن افزایش یافت..."

اما اگر این قانون مهم حیاتی و بویژه دو بند اساسی آن، یعنی‌بند ـ های "ج" و "د" تصویب واجراء نشود، سیستم مالکیت بر اراضی بجا مانده از طاغوت همچنان دست نخورده باقی خواهد ماند، توده‌های مستضعف دهقانان مثل‌همیشه در فقر و فلاکت به سر خواهندبرد‌کشاورزی ازبین خواهد رفت، واژه‌های زیبائی چون "استقلال" و "خودکفائی"، "آزادی"، "حق" و "عدالت" تنها بصورت نوشته‌ای بر روی کاغذ خواهند بود و آن‌خواهدشد که وزیر کشاورزی درمصاحبه ۶۰/۶/۲۶ اشاره کرده است. وی می‌گوید:

"اخیرا این زمینداران زمینهای وسیع خود را با کیفیتی بسیارپائین کشت می‌کنند، تا املاک آنهاجزو زمینهای مصادره‌ای محسوب نشود و دقیقا در این رابطه است که بایدباین نوع زمینداران شناسائی شوند، تابیش از این در راه خودکفائی کشور سدراه نشوند..."

فرمان راهگشای امام‌خمینی به اعضای مجلس شورای اسلامی واعمال ولایت اکنون مرحله تازه‌ای را دربرابر میهن ما گشوده‌است. دهقانان‌زحمتکش وهمه‌انقلابیون صدیق چشم به مجلس دوخته‌اند. نمایندگان متعهدو انقلابی مجلس شورای اسلامی‌ایران مستقیمادر برابروظیفه خطیرو تاریخ ساز تصویب قانون اصلاحات ارضی وبویژه بندهای "ج" و "د" این قانون قرار دارند.

حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران، نیل به اهداف‌انقلاب، تحکیم صف‌یاران‌انقلاب ـ مستضعفان‌روستاها و پی‌ریزی یک اقتصادکشاورزی سالم‌و خودکفا درگرو اجرای اصلاحات‌ارضی بنیادین وناپودکردن بزرگ مالکی در سطح کلیه روستاهای‌ایران است.

پیروزی اوپک ...

بقیه از صفحه ۱

ایران وانهدام صنایع دوکشور عمده نفت‌خیز عضو "اوپک" ایران‌وعراق نیز بهمین منظور صورت گرفت. اجرای سیاست امپریالیستی "نفاق‌بیانداز و حکومت کن" نیز درهمین راستا مورد استفاده بود.

طبیعی‌است‌که‌چنین تلاش همه جانبه‌ای نمی‌توانست درتزلزل مواضع "اوپک" در برابردول امپریالیستی مؤثر نباشد. بویژه‌آنکه نفاق افکنان داخلی "اوپک" مانند‌دولت‌عربستان سعودی، نه فقط خود، بلکه دیگر دولتهای به‌اصطلاح معتدل‌عضواین سازمان‌رابه‌تسلیم در برابرامیال دول امپریالیستی‌و انحصارات‌نفتی‌تشویق می‌کردند. ازاعضاء "اوپک" خواسته می‌شددست‌ازمقاومت در برابرکاهش قیمت‌های پایه نفت‌برداشته‌وپیروزی استراتژیک انحصارات نفتی را بر "اوپک" تامین‌نمایند.

در برابر این‌توطئه‌هاوتحریکات، استدلال‌قوی‌دول‌انقلابی‌ومترقی عضو "اوپک" آن بودکه باید به‌امکانات درونی‌این‌سازمان‌تکیه‌کرددول‌انقلابی عضو "اوپک" بدرستی عقیده‌داشتند که باخنثی‌ساختن‌توطئه دول‌امپریالیستی از طریق‌کاهش تولیدوصدورنفت خام، می‌توان‌وضع بازار جهانی نفت رابسود تثبیت‌قیمت‌های پایه وحفظ موجودیت "اوپک" و وحدت عمل آن تامین‌نمود.

بهمین‌منظوربود، که‌دول‌انقلابی ومترقی‌عضواوپک باوجود گرفتاریهایی که عربستان‌سعودی، باافزایش صدور نفت خود از روزانه ۸ میلیون بشکه به ۱۰/۵ میلیون بشکه وفروش‌آن‌باقیمت نازل‌هربشکه ۳۲ دلار، برای‌آنها پیش آورده‌بودتسلیم پیشنهادات‌آن دولت نشدند. دول‌مترقی وانقلابی عضو "اوپک" ترجیح‌دادند تولید و صدور نفت خام خود را به میزان ۷۰ تا ۵۰ درصد در سال جاری کاهش دهند، اما تسلیم شانتاژ دول‌امپریالیستی‌نگردند.

چنانکه می‌دانیم کشور ما ایران نیز، باوجودتحمل‌خسارات‌زیاد، صدور نفت‌خود را به پائین ترین‌حد ممکن تقلیل داد، لیکن تسلیم فشار کاهش قیمت نفت‌نشد.

نتایج حاصله‌ازاجلاسیه کنونی فوق‌العاده "اوپک"، که روزجمعه گذشته در ژنو تشکیل شد، نشان‌دهنده پیروزی سیاست‌صحیح کشورهای‌مترقی وانقلابی عضو "اوپک" در برابر فشار دول‌امپریالیستی‌وانحصارات نفتی است. مقاومت مجموعه‌این‌کشورهاسرانجام عربستان‌سعودی را به افزایش قیمت‌نفت خود تا سطح قیمت‌پایه، هر بشکه‌نفت ۳۴ دلار، کاهش‌روزانه‌تولید آن‌از ۱۰/۵ میلیون بشکه‌به ۸/۵ میلیون بشکه‌وادارساخت.

بازگردانیدن وحدت‌عمل‌به‌کشور ـ های عضو "اوپک"، که از قریب دو سال‌ونیم‌به‌این‌طرف به‌اغوای دول امپریالیستی وبوسیله دولت عربستان سعودی‌نقض شده بود، از طریق‌تسلیم این‌دولت در برابر پیشنهاد کاهش استخراج وصدور و همچنین بالا بردن قیمت‌نفت، پیروزی‌بزرگی‌برای سازمان کشورهای صادرکننده‌نفت‌به‌شمارمیرود. این‌پیروزی‌نشان‌می‌دهدکه "اوپک" اکنون باتکیه‌برتوان‌ومقدورات درونی خودمی‌تواندبحرانهای جدی را از سر گذرانده‌و در نبرد با امپریالیسم و انحصارات‌نفتی‌پیروزباشد.

ازنظر پیکارهای‌آتی، که کشورـ های نفت‌خیز درحال رشد به‌منظور استیفای حقوق واقعی خود در نفت با دول امپریالیستی‌وانحصارات غارتگر بین‌المللی‌نفت‌درپیش دارند، پیروزی کنونی "اوپک" اهمیت فوق‌العاده‌دارد وملل‌کشورهای‌نفت‌خیز درحال‌رشد را به ادامه مبارزات قاطع‌تر دلگرم و امیدوار می‌سازد.

مجلس شورای ...

بقیه از صفحه ۴

ناطق درپایان تاکید کرد که حمایت وی از دولت جدید تاهنگامی است که‌این‌دولت درجهت برنامه های انقلابی به‌سود‌مستضعفین‌عمل‌می‌کند.

تغییر اساسی در سیستم مالیاتها

دکترخلیلی بعنوان مخالف‌سخن گفت وازجمله‌ازاین‌که‌تاکنون‌اقدام جدی وقاطع برای تغییرسیستم‌مالیاتی درکشورانجام‌نشده‌است، انتقاد کرد و خواهان کاردرست‌وانقلابی‌دراین‌جهت شد. سپس چندتن دیگراز نمایندگان بعنوان موافق ومخالف کابینه سخن گفتند.

پس از اظهار نظر نمایندگان، مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر درباره انتقاداتی که به کابینه شده‌بود توضیحاتی دادوازچندتن‌ازوزرای‌کابینه که‌مورد‌انتقاد واقع شده‌بودند، دفاع کرد.

آنگاه رای گیری در مورد تک تک وزراء انجام‌گرفت و درنتیجه، تمامی وزراء از مجلس رای اعتماد گرفتند.

احزاب، جمعیت ها، سازمان هاو...

رحمان کریمی مبارزخلق کرد بدست عوامل ضد انقلاب شهید شد

بمناسبت شهادت رحمان کریمی مبارز خلق کرد، بدست عوامل ضدانقلاب، کمیتهٔ مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۶۰ اعلامیه‌ای انتشار داده، که در زیر مهمترین نکات آن به‌اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

اعلامیه علل این جنایت را چنین توضیح می‌دهد:

"سنار مامدی و جهانگیر اسماعیل زاده، پس از تلاش پیگیر چندماهه و ارتباط وسیع وهمه‌جانبه که به‌وسیله شهید رحمان کریمی صورت گرفت، همراه او در روز بیست و هشتم فروردین ۶۰ علیه باند قاسملو، وابسته به بعث عراق وامپریالیسم جهانی، موضع گرفتند و با انتشار اطلاعیه ای اعلام کردند که علیه دارودستهٔ قاسملو به‌حمایت از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران برخاسته و در راه پیروان کنگره چهارم حرکت خواهند کرد.

دیری نگذشت که جهانگیر اسماعیل زاده از همکاری دست برداشت و باردیگر با قاسملو ارتباط برقرار ساخت. محاصره بخشی از روستاهای اطراف سلماس وسیلهٔ دارو دسته قاسملو موجب شد که سنار از همه جا تقاضای کمک کند.

حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) برای نجات منطقه از تهدیدات ضدانقلاب وبرای نجات سنار وهمراهانش با همکاری برادران سپاه‌پاسداران ونیروهای مدافع انقلاب، به‌تعقیب دارودسته قاسملو پرداخته، موفق شدند منطقه سلماس و صومارا، که مرز ایران وترکیه است، از لوث وجود ضدانقلاب پاکسازی نمایند.

سنار پس از نجات از خطر، به جای تقدیر از فداکاری کریمی و سپاه پاسداران و نیروهایی که وی را ازخطر نجات داده‌بودند، بهانه‌گیری، تهدید وتوطئه را آغازکردو ازاسترداد اسلحه‌هایی که به عنوان امانت دریافت داشته‌بود، خودداری کرد. اما پس از ملاقات با دوتن از مسئولین حزبی قول داد در تاریخ هفدهم مهر ۶۰ اسلحه‌ها را مسترد دارد.

روز بیست‌ویکم مهر ۶۰، درحالی که کاک رحمان ویک مسئول حزبی، همراه دوتن ازمسئولین سپاه براساس وعدهٔ سنار به منطقه رفتند برخلاف آداب و سنت متداول کردستان، که احترام مهمان را وظیفه‌ای مقدس و واجب می‌دانند، افراد مسلح سنار به‌دستور وی وجهانگیر اسماعیل‌زاده مهمانان را دستگیر و زندانی کردند. کوشش همه جانبه برای آزادی شهید رحمان بی‌نتیجه ماند. روزیکشنبه بیست‌وششم مهر ۶۰ بدستور سنار وجهانگیر کاک رحمان به شهادت رسیده وجنازه پاک او به دره چهریق نزدیک سلماس انداخته شد.

پرواضح است که‌این جنایت سنار و شرکاء بخشی ازنقشه نیروهای ضدانقلاب و ارتجاع است برای اینکه باردیگر قدرت را درمنطقه بدست‌گیرند. این جنایت ارتباط مستقیمی باتوطئه‌های بختیار و اویسی در ترکیه دارد وشرطی است برای آشتی و وحدت مجدد سنار با دارودسته مزدور قاسملو. تصادفی نیست که مدتی است رادیوی باند قاسملو از قریب‌الوقوع بودن اشتعال مجدد آتش جنگ درشمال کردستان خبرمی دهدو رادیو بختیار نیز اعلام می‌دارد که به زودی دربخشی از کشور دولت موقت اعلام می‌گردد".

اعلامیه‌در تجلیل شهید رحمان کریمی می‌گوید:

"شهید رحمان دهقان زاده‌ای بودکه‌کودکی ونوجوانی خودرا درجلدیان گذراند. از سپیده‌دم انقلاب وارد میدان مبارزه شد. وی مدافع راستین و تسلیم‌ناپذیر زحمتکشان واستثمارشدگان بود.

او فرزند انقلابی ومیهن دوستی بودکه‌نقشه تصرف زاغه‌های استراتژیک تمرچین را، که از طرف رژیم بعث عراق وافسران سلطنت طلب همدست قاسملو طراحی شده‌بود، خنثی نمود. شهید رحمان بودکه‌از ملاقات قاسملو با طه یاسین‌رمضان (جزراوی) نماینده صدام حسین پرده‌برداشت وسندتوافق قاسملو را با رژیم بعث عراق افشاء ساخت.

شهید رحمان آن فرزند قهرمان خلق‌است که علیه وابستگی مستقیم و غیرمستقیم باند قاسملو به رژیم عراق وترکیه و دیگر محافل ارتجاعی و امپریالیستی چون کوهی‌استوار ایستاد وبه‌مبارزه پرداخت و در برابر قاسملو وهمفکرانش موضع گرفت.

در شکست حلقه‌محاصره روستاهای اطراف سلماس و مرگور وپاکسازی آن‌مناطق فعالانه شرکت نمود و در آزادسازی شهر اشنویه ازتصرف عمال رژیم‌بعث عراق، نقش عمده وچشمگیری ایفاء کرد. این‌اقدامات اگر ازیک سو رحمان را به‌صورت‌قهرمان محبوب مردم درآورده‌بود، ازسوی دیگر او را به‌صورت خارچشم حلقه‌به‌گوشان بعث عراق و عمال ارتجاع و ضدانقلاب در آورد.

رحمان فرزند راستین وارزشمند انقلاب تاآخرین قطره خون وتاآخرین نفس به‌انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران به رهبری امام خمینی وبه جمهوری اسلامی وحزبش وفادار ماندوپیمان‌شکنی نکرد.

کمیته‌مرکزی حزب دمکرات کردستان‌ایران (پیروکنگره‌چهارم) در پایان‌اعلامیه هشدارمیدهد:

"باکمال‌تاسف همچنان که در مرکز حزب جمهوری اسلامی درتهران ودرکاخ‌نخست‌وزیری سرسپرده‌های خائنی نظیرکلاهی وکشمیری‌نفوذمی‌کنند وبه‌عامل جنایات‌موحش (به) شهادت (رساندن) دههاتن از زمامداران مملکتی‌تبدیل می‌شوند، در کردستان نیز سنار وجهانگیر پیدامی‌شوند و دست پلید خودرا به خون فرزندی انقلابی‌نظیرکاک‌رحمان آغشته می‌سازند.

این‌رویدادها، هشداری است برای همه‌نیروهای مدافع انقلاب‌که صفوف خودرا بادقت و کنجکاوی از وجود عوامل خائنی که چهرهٔ خود را در زیرمارک انقلابیگری دروغین‌پنهان کرده‌اند پاک‌نمایند.

مسلما همانگونه‌که‌انقلاب باعملکرد خائنانه‌کلاهی‌ها وکشمیری‌ها تضعیف نخواهد شد، جنایت خائنانه‌سنار و جهانگیر نیز نمی‌تواند خللی دراراده‌ٔ پولادین ماکه راه دفاع ازانقلاب‌ایران وجمهوری‌اسلامی است وارد سازد.

قطعا خلق‌کرد وحزب ما با شناسائی وتصفیه این قبیل‌عوامل‌وطن فروش‌و سرسپرده نیرومندتر خواهد شد.

جویبارخون رحمان کریمی، کروبی‌ها و دیگر شهدا به اقیانوس‌خون شهدای جاودان‌وزنده‌یادی‌می‌پیوند د که‌جان‌خودرافدای‌دفاع از انقلاب‌و تعمیق آن‌کرده‌اند. خون‌شهدای‌انقلاب وحزب‌ما وهمه‌نیروهای مدافع انقلاب‌به هدرنخواهد رفت.

بدون شک، سنار و جهانگیروهمه خائنان‌وخودفروختگان به‌سزای اعمال خائنانه خود خواهند رسید.

بمناسبت ششمین سالگرد تأسیس

"جمهوری خلق آنگولا"

(۲۰ آبان ۱۳۶۰/۱۱ نوامبر ۱۹۸۱)

روز ۲۰ آبان ۱۳۶۰ (۱۱ نوامبر ۱۹۸۱) جمهوری‌خلق‌آنگولا ششمین سالگردتاسیس خود را جشن می‌گیرد، واین‌مصادف با زمانی‌است که رژیم نژادپرست آفریقای‌جنوبی باردیگر خاک این‌کشور را موردتهاجم گسترده قرارداده‌است.

مردم‌آنگولا دربیست‌وپنج سالی که‌ازتشکیل "جنبش خلق برای آزادی آنگولا" می‌گذرد، همواره با دسیسه‌ها، تحریکات، تهاجمات و خرابکاری های امپریالیسم‌آمریکا ودست‌نشاندگان آن درمنطقه روبرو بوده‌اند. مردم آنگولا برای کسب وحفظ استقلال خودبهای سنگینی پرداخته و مبارزات‌و فداکاری‌های بسیاری رامتحمل‌شده‌اند. آنها ناچار بوده‌اند، تا به نبردهای‌سختی علیه‌استعمارگران پرتغالی، تجاوزگران آفریقای جنوبی، مداخله‌گران زئیر، مزدوران آمریکایی، بریتانیایی، اسپانیائی، بلژیکی وگروههای "سیا" ساخته "اونیتا" و "فنلا" تن دردهند. آنها، هنوز هم، درحالیکه به رهبری حزب پیشاهنگ خود، "مپلا ـ حزب کار"، برای ساختن کشوری آزاد و آباد بر روی مخروبه‌استعمارزده وجنگ‌زده قبلی‌تلاش می‌کنند، از جانب‌دیگر ناگزیرند، تا با خرابکاری‌های باندهای سیا ساخته وتجاوزات وتهاجمات رژیم‌نژادپرست آفریقای جنوبی مقابله کنند. خوشبختانه مردم آنگولا به رهبری "مپلا ـ حزب کار"، علیرغم همه این مشکلات، در زمینهٔ سازندگی نیز به پیشرفت‌های چشمگیری نائل آمده‌اند.

"مپلا" مبارزه‌مسلحانه‌آزادیبخش ملی‌خودراعلیه استعمار چهار قرنی پرتغال بیش ازبیست سال پیش (۴ فوریه ۱۹۶۱) شروع کرد. در این زمان پرتغال‌تحت‌حکومت‌فاشیستی سالازاربود.

مردم‌آنگولا، ازهمان ابتدا، نه تنها با رژیم استعمارگر پرتغال، بلکه‌با متحدان آن، یعنی ایالات‌متحدهٔ آمریکا و "ناتو" نیز مواجه بودند. ایالات‌متحده‌آمریکا به قطعنامهٔ سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) مجمع عمومی سازمان



زحمتکشان آنگولا، کشورمستقل وآزادخودرامیسازند.

ملل متحددرباره اعلام استقلال‌تمام کشورهای مستعمره، قطعنامهٔ سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۵) درباره تحریم دولت سالازار وآفریقای جنوبی‌وقطعنامه سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) درباره‌شناسائی "مپلا" بعنوان تنها نماینده قانونی‌مردم آنگولا، رای منفی داد، ولی همه‌این قطعنامه‌ها درمجمع عمومی سازمان‌ملل متحد به تصویب رسید.

علاوه براین وعلیرغم این قطعنامه‌ها، آمریکا ومتحدان آن در "ناتو" از هیچگونه کمک نظامی به رژیم سالازار دریغ نکردند. روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۰ (۸مه ۱۹۶۱) وزیرامور خارجه پرتغال اعلام‌کردکه کشورش حق دارد از نیروهای "ناتو" علیه آنگولا استفاده‌کند. درهمین سال جمهوری‌فدرال آلمان‌وامی به مبلغ ۴۰ میلیون‌دلار در اختیار پرتغال گذاشت وقرارشد ظرف دوسال بعد، ۵۰میلیون دلار، دیگر به آن اضافه شود.

فزون براین، آمریکاو اروپای آن "منافع" زیادی در آنگولا داشتند. آنگولا کشوری‌است از لحاظ ذخایرمعدنی، بویژه فیروزه، سنگ آهن، فسفات، نفت وبسیاری فلزات دیگر، بسیارغنی. بااینکه‌آنگولاتحت‌استعمار پرتغال بود، ولی‌آمریکا، از لحاظ اقتصادی، درآنجافعالتربودو موقعیت مسلط داشت.

هفت‌سال پیش (۱۹۷۴) رژیم سالازار سقوط کرد و نیروهای‌انقلابی حکومت را در پرتغال بدست گرفتند. طبق موافقتنامه‌ای که بین‌دولت پرتغال و "مپلا" (۱۵ ژانویه ۱۹۷۵) به امضا رسید، قرار شد که آنگولا درروز ۲۷ آبان ۱۳۵۴ (۱۱ نوامبر) اعلام استقلال‌کند، اما آمریکا بهیچوجه حاضرنبود به این امر تن‌دهد. آمریکا می‌خواست بهر وسیله، حتی از راه توطئه وتجاوز، قدرت رابدست عوامل خود، یعنی "فنلا" و "اونیتا"، بسپارد.

آمریکامی‌دانست که رژیم سالازار روزی سرنگون خواهد شد و از این‌رو مطابق‌رویه معمول خود، کانال‌های دیگری رابرای حفظ "منافع" خوددر آینده درنظر گرفته‌بود. آمریکاتوانسته بودجاسوسان خود را درمیان‌گروه‌های دانشجویی و روشنفکران مبارز کشورهای آفریقایی، ازجمله آنگولا، که در آمریکا و اروپا تحصیل‌می‌کردند، وارد کند. از جمله این جاسوسان "هلدن روبرتو" رهبر "فنلا" و "یوناس‌ساویم‌بی" رهبر "اونیتا" بودند.

بعداز سقوط رژیم سالازار در پرتغال، آمریکا تصمیم گرفت، به کمک آفریقای جنوبی و زئیر، قدرت را از "مپلا" بگیرد و به جاسوسان خود، هلدن‌روبرتو و یوناس‌ساویم‌بی، بدهد سازمان "سیا" کمکهای پولی و نظامی خود را به جیب "فنلا" و "اونیتا" سرازیر کرد. میزان کمک آمریکا به‌اینها تااواسط تابستان ۱۳۵۴، به ۲۵۰۰۰۰۰۰ دلار رسید.

"فنلا" و "اونیتا" قرار بود، با مداخله مستقیم آفریقای جنوبی، قبل از روز استقلال، مپلا را "شکست" دهند وقدرت رابدست گیرند.

علاوه برکمکهای نظامی و پولی، ازجمله شرکت‌هواپیماهای شناسایی آمریکا به نفع "فنلا" (که از خاک‌زئیر پرواز می‌کردند)، "سیا" تعدادزیادی مزدور استخدام کرد و به کمک‌دو گروه مذکورفرستاد. بگزارش "دیلی‌تلگراف"، "سیا" بیش از ۲۰ میلیون دلار برای استخدام مزدور جهت اعزام به آنگولا اختصاص داد. مزدوران‌ازمیان‌جنایتکاران جنگ ویتنام، سیاه‌پوستان ضدانقلابی‌کوبا و ارتش منظم‌آمریکا انتخاب می‌شدند. افرادارتش منظم آمریکا بطورظاهری‌استعفاء می‌دادند و آنگاه‌برای اعزام به‌آنگولاقرارداد می‌بستند. تعلیم‌مزدوران‌درپادگان‌ها و پایگاههای‌آمریکا صورت می‌گرفت.

طرف دیگر توطئه علیه "مپلا" و خلق آنگولا، جمهوری آفریقای‌جنوبی بود. آفریقای جنوبی می‌خواست در صورت عدم‌موفقیت "فنلا" و "اونیتا" درشکست "مپلا"، وارد لوآندا، پایتخت آنگولا، شود وقدرت را بدست "فنلا" و "اونیتا" بسپارد. آفریقای‌جنوبی به‌این منظور ۶۰۰۰سرباز بسیار مجهز وارد آنگولا کرد، ولی نیروهای "مپلا" موفق شدند "فنلا" رادرشمال واداربه‌شکست وهزیمت کنندو درجنوب پیشروی‌قوای آفریقای جنوبی رادر بنگوئلا سدکنند. بدین‌ترتیب، گرفتن قدرت از "مپلا" پیش از ۲۰ آبان ۵۴ (۱۱نوامبر۷۶) با شکست روبرو شد. آئوگوستینو نتو، رئیس جمهورفقید آنگولا، دراین روز اعلامیه استقلال آنگولا را از رادیو خواند. دولت آنگولا بکمک کشورهای سوسیالیستی، و در درجه اول کوبا و اتحادشوروی، موفق شدخودراتثبیت و نیروهای‌اشغالگراوادار به عقب نشینی کند.

دولت‌آنگولا بعدازاستقلال‌با مشکلات زیادی روبرو بود. کشور از میراث استعمار، عقب‌افتادگی وویرانی ناشی‌ازجنگ، به‌مخروبه‌ای شبیه بود. پرتغالی‌ها هیچ چیزبه‌مردم‌آنگولا یاد نداده‌بودند. امپریالیسم ازآنگولا فقط موادخام ونیروی کار ارزان می‌خواست. پرتغالی‌ها حتی یک کادر متخصص نیز از بومیان بجای نگذاشته بودند. بنابراین، مردم‌آنگولا همه‌چیز را می‌باید از نو شروع میکردند.

در ۶ سال آرامش نسبی، آنگولا موفق شد که بتدریج جراحات جنگ‌را مرتفع سازد. کارخانه‌ها وکارگاه‌ها، از روی مخروبه‌ها سربرآوردند. مزارع قهوه، که‌پایمال تانکها شده‌بود، احیا شد. سال ۱۹۷۹، سال تربیت‌پرسنل فنی‌اعلام شدو صدهاکارگرتکنیسین‌و متخصص آنگولائی به‌ساختن‌کارگاهها و کارخانه‌ها مشغول‌شدند.

آنگولا راه رشد غیرسرمایه‌داری راپیش گرفته‌است. بخش عمده‌صنایع در دست دولت است و دولت نقش هدایت کننده‌اقتصاد رابه‌عهده‌دارد. زمین‌ها تقسیم شده و بهره‌کشی فئودالی ملغی‌گردیده است. نهضت تعاونی در روستا شروع شده‌است. تا سال ۱۳۵۹ حدود ۱۲۰ تعاونی تولید کشاورزی و ۵۸۰ واحد جمعیت‌دهقانی تشکیل شده‌بود. نهضت تعاونی‌باتوجه به‌عقب‌افتادگی دیرینه روستای آنگولا ناچاراست‌بامشکلات‌زیادی‌مقابله‌کند.

مبارزه بابیسوادی درآنگولا گسترش یافته‌است. در سال ۱۳۵۸ حدود ۴۰۰هزار نفر آنگولائی‌خواندن‌و نوشتن آموختند. درسال ۱۳۵۹ نزدیک به‌۷۰۰هزار نفر درکلاسهای پیکاربا بیسوادی شرکت‌کردند.

آنگولا همواره از کمک کشورهای سوسیالیستی بهره‌مندبوده‌است. برای نمونه، اتحادشوروی درزمینه های صنعتی، تعلیم کادرمتخصص، کشاورزی، زمین‌شناسی، معدن‌شناسی‌و استخراج معادن، تربیت‌معلم وپزشک، وهمچنین انتشارات باآنگولاهمکاری‌می‌کند.

۶میلیون جمعیت‌آنگولائی‌دیگر مانندسابق با فقر وگرسنگی مواجه نیستندوبخلاف گذشته خیابان‌ها پر از گدا وزاغه‌نشین‌نیست.

باوجوداین، آنگولا از خرابکاری باندهای "اونیتا" و "فنلا"، که دست‌به قتل وغارت مردم بیگناه‌روستاها می‌زنند، کاملا در امان نبوده‌نیست. یکی ازهدفهای تهاجم‌گسترده‌اخیرنیروهای آفریقای‌جنوبی‌نیز جلوگیری ازتحکیم‌و گسترش دستاوردهای‌مترقی‌مردم‌آنگولا و کوشش دوباره برای روی کارآوردن مزدوران وابسته‌ای، چون "ساویم‌بی" جاسوس آمریکاست. ولی خلق‌آنگولا، با تکیه به‌نیروی‌خود وبرخورداری از کمک وپشتیبانی کشورهای‌سوسیالیستی، بدون تردید برمشکلات ناشی‌از ارثیه شوم استعمار وخرابکاری‌ها و تجاوزات امپریالیست‌ها ونژادپرستان آفریقای جنوبی وعمال آنها غلبه خواهد کرد و با تحکیم‌استقلال و آزادی خود، باگامهای استوار در راه پیشرفت‌اجتماعی به‌پیش خواهدرفت.

پیام رئیس جمهور...

بقیه از صفحهٔ ۱

نکنیم . ما میتوانیم برای مستقل‌کردن اقتصاد خودمان ، به‌این حکومت اسلامی سرسختی نشان ندهیم . بلافاصله همه این نارسائی‌ها درکوتاه مدت برطرف میشد ، اما وابستگی‌ما دردرازمدت همچنان باقی می‌ماندوبدترمی شد " .

رئیس جمهور با توضیح دسایس و ضرباتی که از سوی شیطان بزرگ ودیگر شیطانک‌ها برای ازپای درآوردن ویا به‌سازش کشیدن انقلاب ایران بکار رفته و میرود . با عزم راسخ وبا اطمینان خاطر اظهار داشت :

"ملت‌ما هرگز در مقابل این فشار ها تسلیم نمیشود .

دراین برداشت واعتقاد اصولی ، مضمون ریشه‌ای انقلاب ایران و آرمان‌های خونین آن موج‌میزنند . در واقع اگر قرار شود انقلاب بزرگ ایران را در کوتاه‌ترین تفسیر بگنجانیم ، به‌همان جوهری میرسیم که در سخن رئیس جمهور بازتاب یافته‌است :

انقلاب ایران عکس‌العمل طبیعی وسیع‌ترین طبقات واقشار خلق بود در مقابل سلطه و تاراج همه‌جانبه وتحقیرآمیز امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا وتکیه‌گاه داخلی آن ، رژیم منفور استبدادی شاه و همپالکی‌هایش ، رستاخیزی بود از عمق وابستگی ، در طلب استقلال ، از زیر کابوس استبداد ، در طلب آزادی وحقوق پایمال‌شده‌مردم ... خون دهها هزار شهید ودهها هزار معلول پیش قسط استقلال وآزادی بود وتا وقتی آمال استقلال و آزادی کاملا ثمرنداده ، ساده‌دلی است اگرگمان رود دادن خونبها وتحمل رنج و مرارت ملی به پایان‌رسیده‌است . "مقاومت در برابر امریکا" و امپریالیسم جهانی ، همان‌ادامه انقلاب است و مردمی که انقلاب را از آن خود می‌دانند ، همانطور که به دفعات و به‌انحاء گونه‌گون ثابت کرده‌اند ، در راه دفاع از آن ازهیچ محرومیتی رویگردان نیستند . رئیس‌جمهور به درستی به مردم توصیه‌کرد که برای مبارزه با امپریالیسم جهانی و در روند "مقاومت در برابر آمریکا" جنگ با تجاوزگران راهمچنان مسئلهٔ اصلی خود بدانند"

رئیس جمهور خامنه‌ای شکست یاپیروزی در جنگ را درارتباط با شکست‌وپیروزی انقلاب بزرگ ایران مطرح‌کردوبه دلیل ایمان به‌انقلاب، ایمان به‌پیروزی در جنگ را موردتاکید قرار داد .

رئیس جمهور در اشاره به وجه دیگر مبارزه با امپریالیسم و در راه استقلال ملی ، مسایل‌اقتصادی را موردتوجه قرارداد . اوبرای "تقویت‌مقاومت‌مردم" وکوبیدن راه پیروزی درجنگ ، وظیفه دولت را در عرصه اقتصادی به‌اختصار بررسی کرد و "اجرای‌سریع سیستم توزیع عادلانه" و "انتقال نیروهائی که در بخش‌های وابسته اقتصادی اشتغال دارند ، به بخش‌های غیروابسته راضرورشمرد .

رئیس جمهور بررسی دنباله نظرگاه‌های اقتصادی‌خودرا به‌علت "تنگی وقت" به‌فرصت نزدیک‌آینده‌موکول‌کرد . ماهم‌مرور وبررسی این دیدگاه‌ها را به‌فرصتی پس از مطرح‌شدن آنها وامی‌گذاریم . اما درهمین‌جا ، ذکرگذرای این واقعیت رابی‌فایده‌نمی‌بینیم که‌مبارزه‌ثمربخش باامریکا وامپریالیسم جهانی ، درعرصهٔ اقتصاد ملی ، ازمبارزه با آمریکا و امپریالیسم جهانی در عرصه‌سیاسی ، بسیار دشوارتر ، بغرنج‌تر و طولانی تراست . بی‌آنکه‌بخواهیم این مبارزه رابه‌دونیم سیاسی‌واقتصادی‌بی‌رابطه با هم تقسیم‌کنیم ، اصراربرجنبهٔ اقتصادی این نبرد ، به‌خاطر خصلت پیچیده واستمرا رضروری و عرصه‌های کاملا متنوع وپیچ‌درپیچ آن‌میتواند ، به‌ثمربخشی هرچه بیشترآن‌مددبرساند . مبارزه باامپریالیسم‌جهانی همانطور که رئیس جمهور خامنه‌ای باواقع‌بینی مطرح کرد ، از مبارزه اقتصادی درعرصهٔ داخلی کشور جدانیست . مبارزه با امپریالیسم جهانی وشیطان‌بزرگ ، از مجرای‌مبارزه باپایگاه‌های داخلی‌آن ، یعنی بزرگ‌سرمایه‌داری وابسته‌وکلان‌مالکی‌زمیندار ، میگذرد . هرگونه‌تعلل‌واغماض وتأخیر دراجرای اصلاحات‌ارضی دموکراتیک وریشه‌کنی‌بزرگ‌مالکی درعرصه ارضی ، بطور مستقیم به امر مبارزه‌اساسی وحیاتی با امپریالیسم زیان‌می‌رساند . عرصه‌اصلاحات‌ارضی ، به‌میدان آزمایش کارائی وقاطعیت‌انقلاب بدل‌شده‌است . دراین آزمایشگاه نه‌اتلاف یک‌لحظه وقت و نه یک بند انگشت عقب‌نشینی از مواضع دفاع انقلابی‌وپی گیر اززحمتکشان بی‌نصیب‌روستا جایز نیست . بایدامید مستکبران وغارتگران و غاصبین زمین رایکبار ، برای‌همیشه قطع‌کرد وامید میلیون ها دهقان بی‌زمین وکم‌زمین را به انقلاب افزایش داد . درعرصه تعیین‌کننده دیگر و به مثابهٔ تکمیل این مشی انقلابی ، باید همچنین توجه داشت هرگونه مجال دادن به تجار وابسته و کندکردن روند ملی کردن تجارت‌خارجی ، هر گونه آزادی عمل برای "تروریست‌های‌اقتصادی" که‌هنوز متأسفانه اهرم‌های‌حساسی را درعرصه تولید و توزیع و فروش در اختیار دارند ، به منزلهٔ فرصت دادن به‌ضدانقلاب و سستی در میدان‌نبرد ضدامپریالیستی است . بدون یک سیاست اقتصادی خلقی که ضامن عدالت اجتماعی‌باشد ، از تکاثر ثروت پیشگیری کند ، جامعه را از دوقطبی شدن ، از انباشته‌کردن‌فقر دریک قطب و ثروت و رفاه در قطب دیگر ، برهاند ، به‌توده زحمتکشان وتولیدکنندگان‌اصلی نعم‌اجتماعی‌تکیه‌کندوگلوی زالوها ، گردنه‌بندهائی‌که‌نقاب قانونیت به‌چهره‌میزنند ، بفشارد و واستثمار بیرویه‌را به خفقان اندازد ، مبارزه با امپریالیسم یعنی سرمایه‌داری انحصاری‌جهانی، نه‌جدی‌است ونه‌میتواند پی‌گیرو مؤثر باشد . توجه رئیس جمهور به بعد اقتصادی و نظامی نبرد با امپریالیسم و ادامه این نبرد تعیین‌کننده تابه‌آخر ، در همه‌عرصه‌ها ، چشم انداز مبارزه را روشن‌تر میکند . رئیس‌جمهورخامنه‌ای حق دارد که در سیر انقلابی این مبارزه مطمئن باشد"ملت‌ما هرگز تسلیم نمیشود" ، زیرا این‌تسلیم‌ناپذیری ناشی از درک عمیق این واقعیت است‌که "دشمن‌اصلی‌ماآمریکاست" و تا وقتی‌مبارزه با امپریالیسم به سرکردگی‌آمریکا ادامه‌دارد ، انقلاب ادامه‌خواهد داشت . وتا وقتی‌انقلاب ادامه‌دارد ، مردم همچنان جان بر کف ومصمم در صحنه خواهند بود .

دروغ بزرگ...

بقیه از صفحهٔ ۳

استراتژیک" سالهای دههٔ ۸۰ ، که از طرف کاخ‌سفید انتشار یافته ، وتلاش‌های واشنگتن مبنی براینکه ، به هر قیمتی شده ، اروپای غربی را باموشک‌های‌هسته‌ای‌جدیدامریکا از نو مسلح سازدوهمچنین هزینه‌های‌هنگفت‌نظامی، که‌باهیچگونه‌نیازمندی دفاعی قابل توجیه‌نیست ، به‌نحوی بارز نشان‌میدهد که "ابتکار "گسترش‌مسابقه‌تسلیحاتی از کجا سرچشمه‌میگیرد . ازاینجا این نکته نیز روشن‌میگردد که تمام‌آنچه که در اتحادشوروی در زمینهٔ دفاعی انجام میگیرد ، فقط پاسخ به تدارکات نظامی آن‌کسانی‌است‌که‌می‌خواهند استحکام و قدرت‌کشور شوروی را بیازمایند .

آری ، اتحادشوروی واقعا نیروهای مسلحی دارد که دارای تکنیک نظامی مدرن نیرومندی است . این هیچوقت برای هیچکس مخفی نمانده‌و نویسندگان کتاب هم هیچچیز تازه ای کشف نکرده‌اند . اما این‌تکنیک ، همانند خودنیروهای مسلح کشور ما ، در مقابل خطر جنگ ، که از سوی اردوگاه امپریالیسم ، ما و متحدان ما را تهدید میکند ، بوجودآمده‌است .

در پشت پرده مانورهای‌تبلیغاتی واشنگتن ، که‌متوجه دامن‌زدن هیستری جنگ وفعال‌ترکردن‌تدارکات‌نظامی‌است، این‌تمایل ایالات‌متحده‌امریکا نهفته است‌که ، به‌هرقیمتی‌شده ، تعادل‌نیروها رابرهم‌زندوبه‌برتری‌نظامی‌خود، بعنوان تکیه‌گاه برای سیاست " از موضع قدرت"، نایل شود . بروشور پنتاگن‌نیز تمامی ماشین‌جنگی ناتو را بخصوص متوجه همین‌هدف‌کرده‌است . از منطق مبلغین پنتاگن چنین‌برمیآید که گویا اتحاد شوروی اصولا حق مساوات ندارد .

ظاهرا در واشنگتن نتیجه‌گیری‌هائی را که تاهمین چندی پیش‌در آنجا میشد ، تماما فراموش‌کرده‌اند ، بخصوص این‌نکته راکه ، مسابقه تسلیحاتی ازنظر تاثیر آن برامنیت کشورها بیفایده‌است، واینکه این‌مسابقه به‌هیچوجه به تحکیم امنیت نمی‌انجامد ، بلکه بر عکس ، خطرات تازه‌ای بوجودمیاوردورویاروئی نظامی رابدرجات بالاتری ، با تمام پیامدهای‌منفی ناشی ازآن برای صلح ، درکرهٔ زمین‌ارتقاء می‌دهد . آن‌کسانی‌که اکنون در واشنگتن به‌گونه‌ای دیگر فکر میکنند ، باید صریح و روشن درک‌کنند که‌حساب‌کردن‌روی درهم شکستن‌تعادل قوا ، یک‌خیال‌خام‌است . اتحادشوروی‌همانگونه‌که این‌موضوع‌بارها از طرف بلندپایه‌ترین‌مقامات‌کشور اعلام شده‌ در را ه‌برتری‌نظامی نکوشیده و نمیکوشد، ولی به‌احدی اجازه‌ایجادچنین برتری برخود را نمیدهد ، و برای اینکار تمام وسایل لازم را دراختیار دارد .

ادعاهای مندرج در بروشورمبنی براینکه اتحادشوروی گویابرای‌استفاده جنگی از سلاح شیمیائی در " عملیات تعرضی " ، تدارک‌میبیند ، نمونه دروغ آشکار وبی‌پرده‌است . بایدگفت که‌این اباطیل چندی‌پیش به‌نحوی مستدل از جانب بسیاری از کارشناسان برجستهٔ آمریکائی وانگلیسی افشاء گردید و از سوی برخی از سناتورهای امریکامردود اعلام‌شد . باتمام‌این‌اوصاف ، برای این‌بهتان‌در بروشورمحل پیدا شد ، اما برای بیان اینکه ایالات‌متحده آمریکا یکجانبه مذاکرات مربوط به منع سلاح شیمیائی با اتحادشوروی را قطع‌کرده‌و تاکنون برای از سرگرفتن آن تمایلی از خود نشان‌نداده‌است ، دربروشور گویا جای کافی وجود نداشت .

نشریه پنتاگن حاوی ناهنجارترین تحریفات در موردخصلت‌سیاست خارجی ودکترین نظامی‌اتحادشوروی نیز هست .

برای مثال ، اتهامات‌ازنو ساخته شده در بروشور نسبت به‌اتحادشوروی درمورد باصطلاح "صدورانقلاب" را در نظرمیگیرم . این نظریه ، فقط پوچ وبی‌معناست . تئوری چپ‌گرایانه " صدور انقلاب " در وقت خود ازسوی و . ای . لنین ، درهمان‌سالهای اول بعد از انقلاب ، محکوم شناخته‌شد . دولت شوروی اصولا باتحمیل هرگونه‌نسخه‌ای‌به‌دیگرکشورها ، برای پیشرفت اجتماعی وسیاسی آنها ، مخالف‌است . انقلابات‌طبق سفارش به‌وقوع نمی‌پیوندند . آنهامحصول‌نضج‌علل‌داخلی هستند وازشرایطی ریشه‌میگیرند که‌در هرکشورجداگانه‌ای موجوداست . تلاش ازخارج‌برای "برانگیختن "انقلاب‌نمی‌تواندموفقیتی داشته‌باشد . این گونه تلاش‌هابشدت از طرف مارکسیست‌لنینیست‌های‌واقعی محکوم‌میگردند . لکن‌بدیهی است که‌به‌نحوی یکسان برای مداخله در امور خلق‌های‌مستقل، ازجانب‌امپریالیست‌ها ، در تلاش به منظورصادرکردن‌ضدانقلاب وپشتیبانی از رژیم‌های پوسیده دیکتاتوری وسرکوب جنبش‌های آزادیبخش‌ همان عملی که واشنگتن راسا و به وسیلهٔ دست‌نشاندگان‌خود انجام‌میدهد ‌ نمیتواند مجوزی‌وجود داشته‌باشد .

در نشریه همچنین اعلام‌میشود که‌گویااتحادشوروی‌نقشهٔ ضربه اول هسته‌ای را ‌ به‌حساب‌پیروزی‌در جنگ‌ درسرمیپروراند . این‌یعنی چه؟ این از جهالت‌است؟ مشکل . درآینجاآگاهانه تلاش میشود ، تانیات ونقشه‌های خود راپرده‌پوشی کنند و ، بقول معروف ، تقصیر را به‌گردن دیگری بیندازند . آخر ، این‌برای همگان معلوم‌است که دکترین‌باصطلاح‌جنگ‌هسته‌ای "محدود" درست از بطن پنتاگن خارج شده، همانا درآنجا بود که نظریه " ضدنیرو " یعنی‌ضربه هسته‌ای بازدارنده متولد شدونقشه استقرارصدها موشک هسته‌ای جدیدآمریکادر برخی‌ازکشورهای‌اروپای غربی ، به‌مثابه تبلورمادی این‌نظریه ، به‌میان‌آمد، همانا در آنجا بودکه‌استراتژی جدید نظامی ایالات متحده برای سالهای دههٔ ۸۰ ، که دولت‌فعلی آمریکاآنرا به مثابهٔ استراتژی‌رویاروئی "میان‌اتحادشوروی وایالات‌متحده درابعادجهانی و منطقه‌ای توصیف میکند ، تنظیم‌شد . پس چرادر واشنگتن ریاکارانه دربارهٔ این‌حقایق‌مهرسکوت‌برلب‌میزنند ؟

همه جهان‌میداند که اتحاد شوروی برای حمله‌مسلحانه به احدی آماده‌نمیشود . دکترین‌نظامی اتحاد شوروی تماماخصلت دفاعی دارد . اتحادشوروی حمله‌هسته‌ای را به‌مثابه بزرگترین‌جنایت‌علیه بشریت تلقی میکند . نسبت‌دادن‌نوعی‌نقشه های پلید به‌اتحادشوروی مبنی بر تدارک "ضربهٔ‌اول " به‌ایالات‌متحده‌آمریکا ، شیوهٔ ناشایست‌تبلیغاتی‌است . لئونید برژنف اظهارمیدارد :

"اتحادشوروی همیشه مخالف ثابت‌قدم‌این قبیل نظریات بوده و هست . سعی و کوشش ما هم متوجه آن است که کار ، نه بضربه‌اول کشانده شود ونه‌بضربهٔ دوم ، تااصولا جنگ‌هسته‌ای رخ‌ندهد . روش ما نسبت به این مسائل رامیتوان اینگونه فرمول بندی کرد : قدرت‌بالقوهٔ دفاعی اتحادشوروی بایدکافی برای آن‌باشدکه‌احدی‌جرأت برهم‌زدن‌زندگی صلح‌آمیز مارانداشته باشد . نه‌خط مشی معطوف به‌برتری درتسلیحات ، بلکه خط مشی معطوف‌به کاهش دادن آن وتضعیف رویا روئی نظامی ‌ اینست سیاست ما" .

ابتکاراتی که در کنگره بیست و ششم حزب‌کمونیست‌اتحادشوروی پیش کشیده‌شدو پیشنهادهای مشخص‌اتحاد شوروی ، که‌اکنون درسی و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد درنیویورک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد ، درست‌متوجه‌این‌سیاست‌است .

کتابچه پنتاگن ، به‌خودی خود ، چه‌بسا شایسته‌چنین‌توجه‌خاصی نمی‌بود، اگر درآن گرایش‌های‌سیاسی موجود در پایتخت آمریکا منعکس نمی گردید . گرایش‌هائی که ، بر اساس شواهد کافی، متوجه‌آنست که جنگ تبلیغاتی علیه کشورهای‌سوسیالیستی دامن‌زده‌شود ، تشدید تشنجات درپهنهٔ بین‌المللی ادامه‌یابد ، روندمحدودکردن‌تسلیحات باانحاء مختلف متوقف‌گردد و مسابقه تسلیحاتی‌شدت بیشتری کسب کند .

خط مشی ایالات متحده ، آمریکا درزمینه امتناع از تصویب قرارداد "سالت-۲" تعلل در از سرگرفتن مذاکرات سالت ، مسدودکردن مذاکره درباره یک‌سلسله ازمسائل‌مهم دیگر خلع سلاح و تلاش برای‌عقیم‌گذاردن‌توافق‌های‌حاصله در این‌رشته ، ایجادبدگمانی نسبت به سیاست اتحادشوروی و دامن زدن افسانه "خطر شوروی" ‌ همهٔ اینها حلقه‌های یک‌زنجیرند . محافل میلیتاریست‌امریکا علنا میکوشندکه‌فکر ناگزیر بودن‌مسابقه‌تسلیحاتی‌را به‌ملت‌ها تحمیل کنند و نهضت ضد جنگ توده‌ها را خفه‌سازند .

گمان‌میرودکه محافل‌اجتماعی خارجی‌خواهند توانست ، چنانکه‌باید وشاید، ثمره‌گندیده‌تبلیغات‌پنتاگنی را ارزشیابی‌کنند . دروغ درباره " تهدید نظامی شوروی"سرانجامی‌نخواهد داشت،

ملل‌جهان‌بیش‌ازپیش‌درک‌میکنند که‌خروج‌ازبن‌بست‌مسابقه در رشته انباشت تسلیحات فقط‌یک راه دارد ، آنهم نه در تازاندن دورجدیدمسابقه، بلکه درمذاکرات‌است ، البته مذاکرات شرافتمندانه وسازنده‌ای که متوجه حصول‌توافق‌های متقابلا قابل قبول‌در رشته‌محدودکردن‌تسلیحات‌وخلع‌سلاح باشد . اتحادشوروی بخصوص برای چنین‌راهی مبارزه‌میکند .

توطئه علیه روابط ایران ولیبی

درحالیکه ، بعد از دوسال کارشکنی امپریالیسم‌آمریکا ، لیبرال‌ها ، مائوئیست‌ها و ضدانقلاب‌سازمان‌یافته رابطه‌ایران‌انقلابی بالیبی‌انقلابی‌وارد مرحله‌جدیدی‌شده ، که‌رشد آن سبب اتحاد دوکشور در جبهه واحدی علیه امپریالیسم و صهیونیسم خواهدشد ، دستهای مرموزی برای جلوگیری ازاین رویدادحیاتی بکار افتاده‌است .

شبکه گسترده ضدانقلاب "برای لیبی ، که اصلا درآن حزب کمونیست وجود ندارد ، حزب‌کمونیستی ساخته‌و پرداخته وسپس از طرف این حزب کمونیست دروغین‌لیبی ، به‌چاپ‌ونشر اعلامیه‌پرداخته‌است .

این‌توطئه‌موذیانه هدفی غیراز سنگ‌انداختن در روابط‌ایران ولیبی به‌نام "کمونیست"ها ندارد . این‌حزب کاملا قلابی است واعلامیه‌های‌آن ، که درتهران به‌زبان‌فارسی‌منتشرمیشود ، سراپا دروغ و ساخته شبکه تبلیغاتی امپریالیسم‌آمریکاو ضدانقلاب‌داخلی است .

ماتوجه‌مقامات مسئول کشور را به‌این‌توطئه جدید امپریالیسم آمریکا وضدانقلاب‌داخلی جلب میکنیم و امیدواریم که هشیاری مقامات‌مسئول این‌توطئه راخنثی کند .



مردم اسپانیا دربرابر نقشه‌کشانیدن آن کشور به "ناتو" مقاومت می‌ورزند

درصحنهٔ سیاسی اسپانیا این روزها بسیاردربارهٔ مسئلهٔ عضویت این کشور در "ناتو" بحث می‌شود. اعضای "ناتو" بویژه ایالات متحده آمریکا وجمهوری فدرال آلمان مصرانه قصدآنرادارند که عضویت "ناتو" را بر اسپانیا تحمیل کنند. ازاین رومحافل متنفذ این پیمان تجاوزکار پیشنهادسازنده "پیمان ورشو" را، مبنی براینکه سیستم های پیمانی کنونی اروپا دیگرعضوی جدیدرانپذیرند ردکرده‌اند.

هرچند اطلاعات زیادی از نتایج سفربرق آسای هیگ، وزیرخارجه ایالات متحدهٔ آمریکا، دربهار امسال به اسپانیا دردست نیست، ولی برای روزنامه‌نگاران رازی آشکار بودکه وی بویژه برعضویت هر چه زودتراسپانیادر "ناتو" اصرار ورزید.

این تمایل ایالات متحدهٔ آمریکا دلایل گوناگونی دارد. اسپانیا دارای موقعیت جغرافیایی حساسی درمدیترانه وبین اروپا وآفریقا است. بیست و هشت سال پیش، پس از مذاکرات میان آیزنهاور، رئیس جمهورایالات متحدهٔ آمریکا، و فرانکو، قراردادی به امضاء رسید که، بر پایه آن، آمریکا اجازه یافت تا از چهار پایگاه نظامی درخاک اسپانیا استفاده کند. بندر روتا درنزدیکی کادیس بعنوان پایگاهی دریایی برای زیردریایی های هسته‌ای آمریکا بازسازی شد. فزون براین، باید از پایگاه‌های هوایی تورخون در نزدیکی مادرید و مورون درحوالی سویلا ومیدان تیروفرودگاه والن سوئلا در نزدیکی ساراگوسا نام برد. قرارداد نامبرده سه‌بار (درسالهای ۱۳۴۲، ۱۳۴۷ و ۱۳۵۰) تغییریافت وآخرین بار در سال ۱۳۵۵ برای مدت پنجسال تمدیدشد. درصورتیکه اسپانیا به‌عضویت "ناتو" درآید، پایگاه‌های پیشگفته از "تصادفات تحول سیاسی" ایمن خواهد ماند. لازم به‌تذکراست که از نیروهای "ناتو" دراین منطقه‌همواره بعنوان حربه فشارعلیه کشورهای عرب استفاده‌می‌شده‌است.

درتابستان ۱۳۵۹، مارسلینواورخاء وزیرخارجه اسپانیا، اعلام داشت، که کشورش می‌خواهدیکسال بعد درخواست عضویت در "ناتو" رابکند. وی افزود:

"دولت (دربارهٔ این مسئله) نیازی به همپرسی نمی‌بیند. قانون اساسی چنین چیزی رامجاز می‌شمرد، ولی مقررنمی‌دارد. اکثریت پارلمانی برای این امرکافی است".

ازآن هنگام، بحث دربارهٔ این موضوع گسسته‌نشده‌است. حزب کمونیست اسپانیا بیدرنگ پس ازگفته اورخا اعلام کرد: تاهنگامیکه بلوک‌های نظامی منحل نگردیده‌است، "مهم آن است که از هرگونه اخلال درتعادل کنونی، که عضویت اسپانیادر "ناتو" ببارخواهد آورد، احترازگردد".

موضع نمایندگان برجستهٔ حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا نیزهمانند بود. فلیپه‌گونسالس، دبیرکل این حزب گفت که از نقطه نظردورنمای اسپانیا، دلیلی برای عضویت اسپانیادر "ناتو" موجودنیست وافزود:

"ازاین راه برامنیت ما افزوده نخواهدشد. برعکس".

کمیسیون‌های کارگری، یعنی بزرگترین سندیکای اسپانیا، نیز چندی پیش، درکنگره دوم خوددر بارسلنا، عضویت اسپانیا رادر "ناتو" مردودشمرد.

درمحافل نظامی اسپانیاهم مسئله عضویت "ناتو" نگرانی‌هایی چند را برانگیخته‌است. بعقیدهٔ این محافل، تنها عدم‌شرکت سنتی اسپانیادر پیمان

حسین بن علی

تندیس شکوهمند نبرد علیه بیدادگری

حسین (پسر امام علی بن ابی طالب) درسال چهارم هجری در شهر مدینه در دامن مام خود فاطمه دخت پیامبر اسلام دیده به جهان گشود. چون نژاد پیامبر تنها از سوی دختش فاطمه دنبال شد، حسین و فرزندان و برادرزادگان او را به نام "پسران پیغمبر" نیز می خواندند و از این رو، پیامبر نیز سودای ژرف این دخترزادگان را درسر داشت وبه‌فرهیختاری ایشان دل وجان برگماشت. روان حسین از کودکی، سرشار از مهر خانوادگی گشت. لبالب از دوستی و شادمانی.

درنخستین سالهای نورسی او، نیای وی پیامبر، گرم پیکاری سهمناک با بت‌پرستان، زراندوزان و جهانخواران بود. وحسین که می‌دید چنارهای تناور ستم یکی از پی دیگری از بیخ‌وبن برکنده می‌شوندوکاخهای بیداد، گروه‌گروه فرومی‌ریزند، شادمیگشت ودوستی رزم‌آوران را دردل می‌پروراند. ولی این، یک سوی از چهرهٔ حسین بود. داستان چهرهٔ دیگری نیز دارد: پیکار با بدی وبیدادگری، کاری است سخت، زمانگیر ستوهنده. جان رزمندگان این راه در هرروز بر لب می‌آید. آنان که دست‌اندرکار باشند، می‌بینند مردم از دست زراندوزان چه ها می‌کشند ومی‌چشند. از این رو، بیزاری از بیدادگران ودشمنی با ایشان، روز به‌روز وسال به سال، چکه به چکه در ژرفای جان امام حسین باشیراندرون شدوباخون برون جهید. خوشا یاد آن روزهایی که رزم‌آرایان در سایهٔ نیای وی پیامبر و در سایهٔ پدر او با ستمگران می‌جنگیدند ودست‌های پلیدشان را یکایک از جان و زندگی وخواسته مردم کوتاه می‌کردند.

باری، حسین در گرماگرم آوردگاه دیده برجهان گشود و در همان جا به‌بار آمد. در آستانه شش یا هفت سالگی او پیامبر در گذشت وآن رشته ازرویدادها که نویسندهٔ همروزگار ما (طاها حسین) "آشوب بزرگ" شان نامیده، از راه فرا رسیدند. به‌گفتهٔ پدرش، یک‌تاریکی کورکننده که جوان درآن پیر می‌شود، پیر سالخورده فرسوده می‌گردد وباوردارنده، تا هنگام دیدار پروردگارش، سراسر درد و رنج می‌کشد. حسین از دردبرخود می‌پیچد - نباید کار را رها کرد، باید درراه‌نبرد باستم پیش تاخت، نباید یک چشم برهم‌زدن را از دست داد. ایستادن یعنی به‌دنبال برگشتن، باید کارزار را دنبال‌کرد. از این رو، او و پدرش‌در راه گسترش اسلام و زدودن زنگارها از چهرهٔ آن، از جان کوشیدند و دراین راه باجانشینان شایسته بی‌دریغ همکاری ورزیدند.

چون پدر وی درماه دوازدهم سال ۳۶ هجری ازسوی مسلمانان به جانشینی برگزیده شد، پرسمان دیگری پیش‌آمد. فرمانروا ساختن "اسلام راستین"، جداساختن حساب این اسلام از هراسلام دیگر و بدل کردن این اسلام راستین به جنگ‌افزار و جهان‌بینی "زبون‌گرفتگان" (مستضعفان) وستمدیدگان، جنگ‌های پراکنده در هرکنار وگوشه امپراتوری اسلام بابت‌پرستان وناسپاسان در همان‌جا که بودند رهاشدند و سپاهیان علی برای برانداختن مسلمان‌نمایانی که بدتر از بت‌پرستانند، به درون فراآمدند. باید هرچه از راه بهره‌کشی انسان ازانسان به‌دست‌این وآن آمده‌است، اگر چه کابین زنان شده ده‌ها بار دست به دست گشته باشد، از چنگ شان بیرون آورد وبه "گنج‌خانه" مسلمانان سپرد. درعمل دیده شد که علی بی اندازه جدی‌تر از آن است که بتوان لحظه‌ای اورا به درنگ واداشت یا پشیزی را از پیش چشمان تیز بین او به دربرد. دربارهٔ خواسته‌ها و دارایی های مسلمانان بر دختر، برادر و پسر خود همان‌اندازه سخت می‌گیرد که دورترین استانداران و پاسداران در مرزهای اسلامی. همین که علی به‌کار برخاست، به‌گفته خودش "گروهی پیمان خود را باپیشوا گسستند، گروه دیگر به‌کار آشوبی و بیدادگری برخاستند وگروهی همچون تیر که از کمان بیرون می‌پرد، از آیین‌مسلمانی بیرون جهیدند". حسین درجنگ با پیمان‌شکنان، ستمکاران و از دین رمیدگان دوش به‌دوش پدرش جنگید و بازهم درفراگرد پیکارگری، بیزاری و دشمنی بیشتری از بیدادگران به‌دل گرفت.

علی در روز آدینه ۲۱ ماه‌رمضان سال ۴۰ چشم از جهان فرو پوشید. همان‌روز حسن‌بن‌علی به‌گاه‌برآمد که ۷ماه یا یک سال و ۴ روزفرمانروایی‌کرد آنگاه‌سراسرامپراتوری اسلامی به زیر فرمانروایی معاویه پسرابوسفیان درآمد هرچه آزادی وآسایش در دست مردم بود، از ایشان گرفته شد و هرچه حقی بود، پایمال گشت. بزهکاری و زشتی وپلیدی از درو دیوار باریدن گرفت. یک‌روز مردکی را که "زیاد، پسر پدرش!" نامیده می‌شد و درهراس‌افکنی وخون‌افشانی چیرگی‌بی‌مانندی داشت، به‌مسجد مسلمانان آوردند و برفراز منبر در برابر چشمان بهت‌زده مردم، به‌خاندان اموی پیوندانیدند و برادر خلیفهٔ مسلمانان خواندند تا برای فرمانروایی بر عراق آماده اش سازند. در آن انجمن همگانی، "ابو مریم باده‌فروش" ازجای‌برخاست وگفت: از میان‌مردانی که به خانه مادر "زیاد" رفت وآمد می‌داشتند - و من‌گواه‌بودم - یکی ابوسفیان بود. پس اگر زیاد را "زیاد بن‌ابی‌سفیان" بخوانیم، به جایی برنخواهد خورد! فردا این مرد استاندار بصره گشت. سخنان هراس آوری برزبان راند و در برابر تکاپوی پیروان و دوستان علی وحسین، فرمانروانی ارتشی ("حکومت‌نظامی") آگاهی کرد. دژبانان خود را گفت: چون پس از نماز خفتن، نیم دانگی‌از شب‌بگذرد، به‌شهر تازش‌آورید وهرکس رادیدید، بی‌پرس‌وجو سراز تنش برگیرید وبه نزد من آرید. شب‌نخست هفتصد سر در زیر دیوار کاخ او انبار کردند.

فرمانروایی ۲۰ سالهٔ خونبار معاویه بامرگ او (در روز نخست ماه رجب سال ۶۰ هجری) به پایان‌آمد. وی پیش ازمرگ پسرش یزید را به جانشینی خویش برگماشته بود. چون پدر مرد، پسر برای گماشتگان اموی بخشنامه کرد که برای‌او ازمردم بیعت (پیمان‌فرمانبرداری و سر سپردگی) بستانند. به‌ویژه فرمان داده شد که از حسین‌بن‌علی، عبدالله بن عمر و عبدالله بن‌زبیر به هر بهایی که‌شده است، بیعت بگیرند. این هرسه، یزید را نکوهیدند و امام‌حسین سر سختانه‌تر از همه فرمان را یاوه خواند. افزون براینکه فرمانروایی موروثی با گوهر اسلام ناسازگار است و نیز در پیمان آشتی (به‌ویژه) یادآوری شده بود که معاویه از گماشتن‌جانشینی برای خود خویشتن‌داری‌کند، حسین‌هیچ روا نمی‌دانست که لحظه‌ای نیز برای‌ریشه کن‌کردن‌ستم وفرمانرواساختن‌دادگری درنگ‌نماید. اگر در مدینه می‌ماند، یا باید آرام کشته‌می‌شد یا خاموش دست بیعت به‌نمایندهٔ پسر معاویه می‌داد. ازکشته‌شدن سرسوزنی هم بیم نیست لیکن باید این کار در دشتی هموار و پهناور، در روشنایی و گرمای نیمروز انجام گیرد تا جهانیان آن راببینندو تا تاریخ درسی‌جاودانه‌از آن برای آیندگان به‌یادگاربگذارد. ازسوی‌دیگر در عراق، مرکز فرمانروایی پدرش، بسیاری از شرایط عینی انقلاب آماده شده بود. یا از آن شرایط بهره برخواهد گرفت یا چون پروانه خود را در آتش جانبازی خواهد افکندوسرخوشانه ساغر شهادت خواهد نوشید.

چون خواست از شهر به درآید، سفارش نامه‌ای برای برادرش محمد بن حنیفه نگاشت: همهٔ مردم بدانند که "من نه به انگیزهٔ آزمندی از خانه بیرون آمدن نه برای کام گیری از خوشی های این‌جهانی. من‌برای‌انجام بهسازی در امت نیای خودم به پا خواسته‌ام. که مردم را بخوبی‌بخوانم وازبدی بازدارم. هرکه به حق ازمن پشتیبانی‌کند، پاداش او با خدا باد و هرکه‌بامن‌بستیزد، خدا بهترین داوران میان من و او خواهد بود".

امام‌حسین شب یک‌شنبه ۲ روز مانده از ماه رجب سال ۶۰ از مدینه به‌راه افتاد و روز سوم شعبان همان سال به‌مکه درآمد. ماندگاری او در این شهر ۴ ماه و۵ روز بود. در اینجا پیک وپیغام‌ها میان‌وی ویارانش در کوفه، انقلابگران عراق، درآمد و رفت بودند. دراین هنگام رخدادهایی دردناک پیش آمدند که از آنها چهره‌ای تار و ناخوانا به دست ما رسیده است. باید پاره‌هایی‌ازگزارش‌ها افتاده یابه عمد فرو گذاشته شده باشند. چگونگی آنکه حسین پیش از روانه‌شدن به‌سوی عراق، پسر عموی خودمسلم‌بن عقیل‌را در۱۵ رمضان بدانجاگسیل‌داشت تاکارهای انقلاب آن‌پهنه را سامان‌دهد وبرای پذیرایی ازوی‌آماده‌سازد. کار مسلم در آغاز به‌خوبی پیش رفت چه ۱۸ هزارتن با او به نام نمایندهٔ امام بیعت کردند و به آماده سازی خود و دیگران و فراهم آوردن مردان جنگی، رزم‌افزار و ساز وبرگ پرداختند.

لیکن واکنش‌چابکامویان درزمانی کوتاه، کارها را وارونه ساخت. عبیدالله پسر "زیاد بن‌ابیه" از سوی‌یزید به‌استانداری کوفه برگماشته شد و او در پهنه چندهفته تومارانقلاب‌رادرنوشت ومسلم‌را در روزنهم ذی‌حجهٔ سال ۶۰ ازمیان‌برداشت. چرا چنین‌شد؟ تاریخ مهرخاموشی مرگباری برلب نهاده‌است.

باری، ازاین‌سوی، امام نیز در مکه شنید که تنی چند از مزدوران پنهانی اموی را به کشتن ناگهانی او برگماشته‌اند. این هرگزآن‌چیزی‌نبود که حسین‌می‌خواست. او مرگ را باهمه شکوه وارجمندی‌آن می جست. مرگ در روز روشن، پنجه در پنجهٔ دشمن اگر چه با لشکری گشن و بیرون‌از شمار پس در روز ترویه (روز ۸ ذی‌حجه، روزآغاز آیین‌های حج‌گزاری و یک روز پیش‌ازکشته شدن "مسلم") بی آنکه از واپسین رویدادهای کوفه آگاه شده باشد، روانه عراق گشت. حسین‌هرچه پیش‌تر رفت، چنبر محاصرهٔ دشمن‌را برگرد خود استوارتر و تنگ‌تر یافت. او را روز سوم‌محرم سال ۶۱ هجری از پویش بداشتند. سپاهی انبوه به سرکردگی پسر سعد برای‌جنگ با وی فراز آمد. دراین‌هفت روزی که تا شهادت وی به‌درازا کشید، آمد ورفت ها و دیدارهایی در چادری میان دواردو باپورسعدوقاص‌رخ‌دادند. پسرسعد می‌خواست هم "غائله" را بخواباند و هم دست‌بخون‌حسین بن‌علی‌نیالاید. نه حسین را بکشد نه سرور خود عبیدلله‌بن‌زیاد رابرنجاند. هم‌جنگ "بی‌خون‌ریزی" را به پیروزی برساند وهم‌براستانداری "ری" که نویدش را بدو داده‌بودند، پنجه‌افکند. او در خیال خام خود اندیشه‌ای‌راپرورانده وآهسته در گوش‌امام‌حسین‌زمزمه‌کرده بود: بیا "مردانگی" کن و ما را از این گرداب وارهان. دست فرمانبرداری در دست یزید نه و برای‌همیشه‌گرامی زی. اگر چنین نمی‌کنی، نیمه‌شبی ما پاسداران رابه خفتن وامی‌داریم و تو با خاندان به گوشه‌ای می گریزی. یاران تو نیز بی هیچ گزندی، به سر زندگی وخانهٔ خود بازمی گردند و "آشوب" می‌خوابد.

دست بی‌رحم چرخ به زودی پرده از رخ این گونه زبونان دل به‌دونیم، فرومی‌افکند. پاسخ او را، امام‌حسین در روزعاشورا از لب‌خون‌چکان شمشیر خویش داد. او فریاد کشید:

نه مانند مردم بخت‌برگشته‌دست فرمانبرداری دردست شما می‌نهم ونه مانند بردگان‌می‌گریزم. می‌مانم و مردانه می‌میرم.

چون، به‌پیشگامی حسین، یقین شدکه‌فردا آتش‌مرگ‌فروزان خواهدگشت وآسیای مرگ به گردش درخواهدآمد، به‌همهٔ دوستان وبستگان پیشنهادکرد که‌شب‌تاریک‌راغنیمت شمارند و جان خودرا وارهانند. ولی ستایندگانش پروانه‌سان وشیداتر برگرداوچرخیدن گرفتند. پس حسین روی بدیشان کردو گفت: "یاران من، شمانیک می بینید که‌چه پیش آمده‌است و فردا جهانیان از شما چه مردانگی‌های شکوهمندانه‌را خواهند بیوسید. همانا دنیادگرگون وسخت‌ناآشناگشته‌است. خوبی‌ها از آن‌رخ برتافته‌اند وازآن جز آبی‌پس خورده که در ته آوندی‌ریخته‌باشند، برجای نمانده‌است. اینک این جهان چراگاهی مرگزای رامی‌ماند. این گونه زیستن، پستی و بیچارگی است. مگر نمی‌بینید که حق فرمانروانیست و از ناحق پیشگیری نمی‌شود؟ اینجاست‌که باوردارنده شیفتهٔ دیدارپروردگار خویش می‌گردد و جام شهادت‌راچون شهد سرمی‌کشد. همانا من مرگ را جز خوشبختی و زندگی در کنار بیدادگران را جز مایهٔ دردسر وتیره روزی نمی‌بینم".

پگاه روز عاشورا (۱۰ماه محرم سال ۶۱ هجری) حسین بن‌علی چنان که‌گویی صدهزارمرد جنگی درزیرفرمان اویند، سپاه خود را آرایش‌داد، برای آن‌پیشاهنگان، راست، چپ، دل ودنباله برگماشت و باچهره‌ای‌همچون گل‌شکفته، سمندرا به‌سوی آوردگاه تازاند.

سرودی دلنشین از رزمگاه‌برخاست و عاشقان یکایک خود را در آغوش‌معشوق‌افکندند. کاروان سالار ایشان‌حسین، پس‌ازآنکه‌همه‌لاله‌ها را در بوستان‌شهادت‌برنشاند، غزل‌خوان‌وترانه‌سرایان‌بدیشان پیوست:

سأمضي وَما بالموت عارٌ عَلی الفتی
اذا ما نَوی خیراً وَ جاهَدَ مسلما
وَواسَی الرِّجالَ الصّالحینَ بنَفسهِ
وخالَفَ مثبوراً وفارَقَ مجرما
فان عشتُ لم اندم وان متُّ لم اُلَم
کفی بِکَ ذلاً ان تعیشَ وتُرغما

۱۳۶۰/۸/۱۴

تأسیس بازارهای دولتی برای تامین بهتر نیازمندیهای کالایی آنگولا

آنگولا گامی‌نو در راه‌توسعه مبادلهٔ کالامیان شهرو روستابرداشته است: اکنون دهقانان وتعاونی‌هامی‌توانند در بازارهای ویژه محصولات خود، مانند قهوه، ذرت، لوبیا، موز وسیب زمینی، رابه دولت بفروشند و در ازای آن فرآورده‌های صنعتی‌وخواربار دریافت دارند. چنانکه خوزه ادواردودوش سانتوش، صدرحزب کارمپلادرسخنرانی گشایشی خود در بازار دولتی، واقع در ۴۰۰کیلومتری خاورلوآندا اعلام داشت، آزمایش نخستین نمونه‌های اینگونه بازارها درایالت‌های هوآمبو و اوینگه، نویدبخش بوده است. وی اظهار امیدواری‌کرد که درسالهای آینده‌شرایط تأسیس بازارهای نامبرده درسراسرکشور پدیدآید.

هدف‌ازگشایش این‌بازارها، علاوه‌بر مبادلهٔ کالا، حل کارآتر مسئله‌ترابری در کشوری‌پهناوروسازماندهی فروش‌فرآورده‌های کشاورزی‌است.

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۲)

صهیونیسم هم سرشت وهم سرنوشت با امپریالیسم

صهیونیسم ،بمثابه‌یک‌جریان‌ایدئولوژیک ـ سیاسی سرمایه داری انحصاری ، زائیدهٔ امپریالیسم و به‌طور طبیعی همسرشت و هم ـ سرنوشت با آن‌است.

"سازمان‌صهیونیسم‌جهانی "باطرح‌شعار هائی مانند: "یهودیان‌سراسر جهان فراگرد صهیون‌متحد شوید" ،که‌در واقع‌هلاهل‌درجام خوش‌تراش‌بود ،برای‌جلب‌هواداری زحمت ـ کشان‌یهود وغارت نیروی انسانی‌آنها ، پا به عرصهٔ عمل نهاد ،ولی ازهمان‌ابتدا ،باسردی وناخشنودی‌توده‌های‌زحمتکش و روشنفکران مترقی یهودی روبروشد .بعنوان‌نمونه :

"آ . بانیوک"و"م .فرنکل" در کتابی تحت‌عنوان "یهودیان‌وصهیونیسم" که آن‌را به‌سال۱۸۹۸منتشرساختند ،چنین‌می‌نویسند :

"صهیونیسم نه‌تنهایک جریان مترقی نیست ،بلکه"مخصوصا جریانی‌است سطحی که به‌هیچ‌وجه‌خواست‌ها وآرمان‌های مردم‌یهودرا منعکس‌نمیسازد . . .لذاحتی اگر درحال‌حاضر نیزدولتی‌یهودی ایجادشود ،قدرت نه در دست مردم یهود ،بلکه در دستان بورژوازی یهودمتمرکزخواهدگشت‌ودرنتیجه‌تنها تفاوتی که‌اتفاق‌می‌افتد ،عبارت‌از آنست که این بار توده‌های زحمتکش ما تحت استثمار حریصانه یک‌بورژوازی خودی قرارخواهندگرفت. . . و به‌همهٔ‌این دلایل ،صهیونیسم یک نهضت ارتجاعی‌است ."

نمونه دیگر را میتوان در برخوردبارون لئویکی‌ازبزرگترین مدافعان بورژوازی‌یهوددر روسیه‌تزاری بازیافت .وی بر این‌باوربودکه:

"بدلیل هدف‌هائی که‌بعدهاازآستین صهیونیسم بدرخواهدآمد. . .باید آنرا یک نهضت‌ارتجاعی به‌شمارآورد . . ."

زمانیکه در سال۱۲۷۸ (۱۸۹۹)، سومین‌کنگرهٔ‌صهیونیست‌ها تشکیل گردید ، تحت تاثیر موج انتقادات کوبنده‌ای که در پیکر ایدئولوژی صهیونیستی ضربه می زد ، رهبران بنام‌صهیونیسم ،مانندهرتسل‌ونوردا ، ناگزیر به پذیرش این موضوع شدند که: "صهیونیسم‌هنوز نتوانسته‌است خود را در نظر میلیون‌هایهودی‌بمنزله‌یک‌جریان‌سیاسی سالم معرفی‌نماید . . .وحتی‌مردم‌هنوز از آن چیزی‌نمی‌دانند ."

کنگرهٔ‌سوم‌اعلام‌داشت که‌پرداخت یک فرانک‌طلا برای "مصارف‌عمومی" صهیونیستی "وظیفه انقلابی "یهودیان است ، وتصمیم گرفته‌شدکه‌هرکس که‌یک فرانک طلا بپردازدو برنامه‌کنگره "بال" رابپذیرد ،صهیونیست به شمارمی‌آید .

پس‌ازمدت‌زمان‌کوتاهی‌که‌ازانباشت‌یغماگرانه "حق‌عضویت‌ها "سپری‌شد ،بانک‌ها وشرکت‌های‌بزرگ‌مانند : "بانک‌مستعمراتی‌یهود" ، "شرکت‌توسعه ارضی فلسطین" ، "بنیادملی" "انجمن‌محترم فلسطین وانگلیس" و "بانک انگلیس و شرق مدیترانه"و غیره ،به‌سرکردگی کارگزاران یهود سرمایه‌داری جهانی و عضو "سازمان‌صهیونیسم‌جهانی "پدیدار شدند .

این شرکت و بانک‌ها ، بگونه‌ای‌تب‌آلود تمام‌تلاش خودرابرروی دادوستد بارآورترین زمین‌ها متمرکز ساختند ، شرکت‌های صهیونیستی سودهای کلان‌وبی‌حسابی به‌جیب می‌زدند . "بنیادملی "که در زمستان ۱۲۸۹ (دسامبر ۱۹۱۰) تشکیل گردیدـ درمدت ۱۸ ماه فعالیت سرمایه‌اندک خود را ، با غارت دسترنج زحمتکشان‌یهودی ،به ۱۴۵ میلیون فرانک رساند .این‌روندسوداگری‌وثروت‌اندوزی که‌درشرایط کار وزندگی طاقت شکن توده‌های ستمکش یهود تامین‌میشد ،خواه‌ناخواه تاثیر ژرف و روشنگری‌برزندگی‌زحمتکشان‌تهیدست یهودمی‌نهاد .کارگران و زحمتکشان‌محروم یهود هر روز بیشتر از روز پیش به حقوق و قوانین‌ناعادلانه حاکم برمحیط‌کار و زندگی در "سرزمین‌موعود "پی‌می‌بردند ،چشمشان به روی واقعیاتی تلخ‌بازمی‌شد و کوچ بی‌بازگشت خودرابه‌سرزمینی که ازآن‌مهاجرت‌کرده‌بودند، آغازمی‌کردند .

سلطان‌عثمانی‌درخواست‌صهیونیست‌ها رانپذیرفت وازآن پس یکرشته ملاقات‌ها از جانب رهبر صهیونیست‌ها با کارگزاران امپریالیسم‌جهانی‌انجام گرفت . در سال ۱۲۸۱ (۱۹۰۲)هرتسل‌با "بارون‌روتشیلد" و "ژوزف‌چمبرلن "درلندن‌دیدارکرد .وی‌چندی پس‌ازآن‌به‌پابوس "پهلو" ،وزیریهودآزارروسیه تزاری‌شتافت‌وخواستارایجاد مستعمره نشین یهودی‌درفلسطین‌شد .

بااین‌وجود ،شایان‌ذکراست که برای آفرینشگران "سرزمین‌یهودنشین" اهداف شوم سیاسی در درجهٔ اول‌اهمیت‌قرارداشت .از اینرو ، شگفت‌انگیزنیست که در سال۱۲۸۲ (۱۹۰۳) ،درجریان برگزاری ششمین کنگرهٔ صهیونیست‌ها ،هرتسل‌همنظری‌خودرا با طرح چمبرلن ،وزیرمستعمرات‌بریتانیا ،مبنی بر تشکیل‌دولت‌مهاجرنشین یهودیان ، تحت عنوان "دولت جدید فلسطین" در اوگاندا اعلام داشت ،که‌البته ،بعدها‌بخاطرهمپیوندی استوارصهیونیسم سیاسی ومذهبی ،به‌این‌نتیجه رسیدندکه‌خواست‌آنهابایستی‌رنگ و روی‌ظاهر فریب‌وجلب‌کننده‌ای‌داشته‌باشد ،تابدینوسیله بابهره‌وری از پوشش مذهبی ،جلوهٔ فریبنده وبه‌ظاهر خودپسندی بخواست‌سیاسی‌وطبقاتی خودبدهند.بدین‌خاطر ،در کنگرهٔ هفتم صهیونیستها ،بر برپایی دولت یهود تنها در گسترهٔ سرزمین‌فلسطین‌وزیرپرچم "سرزمین موعود "دگرباره‌پافشاری‌گردید . در آن زمان ، درسراسر سرزمین‌فلسطین ،تنهاحدود ۳۰هزار تن‌یهودی‌زندگی‌می‌کردند تبلیغ صهیونیستها برای گشاندن‌یهودیان به سرزمین‌موعود" با موفقیت‌روبرونشده‌بود ،بطوری‌که تا پیش از آغاز جنگ اول جهانی ،تنهادرحدود ۱۵۰۰۰ تن از ۱۵ میلیون یهودی سراسرجهان‌تن بمهاجرت‌به‌سرزمین‌فلسطین‌دادند .در این رهگذر ،درآستانهٔ نخستین‌جنگ جهانگیر ، آلمان‌برای پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه خود درآسیا ،دولت‌عثمانی ـمتحدخودـرا جهت پذیرش ایجادیک‌کشوریهودنشین در سرزمین فلسطین ،درفشار وتنگنا قرارداد ،و سرانجام دولت‌عثمانی (درسال ۱۹۱۶)با این طرح موافقت کرد .با این‌وجود ،هنگامیکه شکست "متحدین" (آلمان ،ایتالیا ،عثمانی) در چشم‌انداز نمایان گردید ،صهیونیستهادست بدامان بریتانیاشدند .درمهرماه۱۲۹۵ (اکتبر ۱۹۱۶) "بین‌الملل صهیونیسم" طی نامه‌ای خواستار "حمایت‌فائقه‌بریتانیا "گشت .

ازسوی‌دیگردر۲۶ اردیبهشت ماه۱۲۹۵ (۱۶ ماه مه۱۹۱۶) ،بریتانیا و فرانسه ، بر سر تقسیم منطقهٔ‌آسیایی ترکیه‌موافقت‌نامه‌ای‌سری به نام "توافق نامهٔ سایکس ـ پیکو" درپتروگراد به‌امضاء رساندند .بربنیان این موافقت نامه ، فلسطین‌می‌بایستی تحت‌سرپرستی یک هیئت بین‌المللی‌موردتوافق روسیه‌تزاری اداره‌شود . ولی بریتانیاهمواره‌درتکاپوی یافتن‌گریز راهی بود ،تا از تعهداتی که به‌ظاهر پذیرفته‌بود سر باز زند وسیطرهٔ بی‌رقیب خودرابر فلسطین اعمال‌کند .دراین‌بین ،بریتانیا می خواست ازشورانقلابی و نیروی اعراب علیه‌آلمان و عثمانی بسود خویش بهره‌جوید .در نتیجه ، دراواخر جنگ‌وحدت عمل‌امپریالیسم بریتانیا وصهیونیسم قابل تمیز بوک ، در این اوضاع و احوال ،کلان‌سرمایه‌داری یهود در بریتانیا و آمریکاخواستار ،تشکیل‌یک "دولت‌یهودی" در سرزمین‌فلسطین‌شد .

توضیح

(۱) "صهیون "یا "سیون "نام‌کوهی در بیت‌المقدس ،که‌معبد بنی‌اسرائیل بر آن‌ساخته شده‌بود .

(۲) صهیونیسم سیاسی ریشه در آئین "تئودورهرتسل "دارد .هرتسل‌برآن‌بودکه: در واقع‌ما "یهودیان‌یکملت‌هستیم ،یکملت‌متحد" ونیز .آوارگان‌جهانی‌دارای منافع و علائق مشترک‌وهماهنگ‌هستند .

(ادامه‌دارد)

دولت جدید...

بقیه‌ازصفحه۱

باید درتلاش‌های گستردهٔ‌امپریالیسم آمریکاوعوامل‌داخلی آن‌جستجوکرد ، که‌با‌احساس‌خطرجدی‌از انجام این اقدامات ، تمام‌نیروی خودرابکاربستند، تا از یکطرف باکشتار مسئولین آگاه و متعهد جمهوری‌اسلامی‌ایران‌اصلاحات ضروری رابه تعویق بیفکنندو از طرف دیگرباکارشکنی‌هاازتصویب واجرای برنامه‌های انقلاب جلوگیری‌کنند .

احساس‌خطر امپریالیسم‌آمریکااز انجام‌اقدامات‌اساسی وجدی به سود محرومان ،کاملاً بجاست .انقلاب‌ایران تنها با اتکاء به‌نیروی‌میلیونی توده ـ های‌مردم‌توانسته‌است ، توطئه های خطرناک ۲ سال ونیمه راپشت سر ـ گذاردوبسیاری توطئه‌گران را که راه سازش با امپریالیسم می‌پیمودند ، طردکند .اگر این پشتیبانی میلیونی سست‌شود و توده‌های مردم از انجام خواست‌های به‌حق خویش، مأیوس و سرخورده‌شوند ،بیشک انقلاب ما و دستاوردهای آن‌باشکست‌مواجه‌خواهد شد .طی‌دوسال‌ونیم‌گذشته میلیونها دهقان ستمدیده ،میلیون‌ها کارگر غارت‌شده هرگونه محرومیت را تحمل کرده‌اندوبه‌هرگونه فداکاری تن در ـ داده‌اند ،در برابراجحافات‌وجنایات فئودال‌ها ،بزرگ‌مالکان و غارتگران سرمایه‌دار ،به‌بهای وخامت وضع معیشتی خود ،صبور بوده‌اند ، فرزندان‌جوان خودرادر جبهه های جنگ با متجاوزین‌صدامی‌ـآمریکائی فداکرده‌اند وانقلاب را ازگذرگاههای خطرناک عبور داده‌اند و حراست کرده‌اند تاسرانجام‌جمهوری اسلامی ایران‌حق آنها را از زالوهای فئودال وتاراجگران سرمایه‌داربستانند .

طبق‌آمار موجود سال۱۳۵۳ ،از ۲/۵میلیون‌خانوارکشاورز ، ۵۱در صد تنها ۱/۶درصد کل‌زمین‌های مزروعی کشور را دراختیاردارند . (نیم‌میلیون خانواربدون زمین اند)یعنی به‌طور متوسط به‌هرخانوار تنها۰/۲ هکتار زمین تعلق میگیرد .بعبارت‌دیگر۵۱% خانوارهای‌کشاورزدرکشورما (باجمعیتی قریب به ۷/۵میلیون‌نفر) درگرسنگی‌و فقر کامل دست وپامیزنند .امااز‌طرف دیگر طبق همان‌آمار ۱ درصد خانوار های روستائی ،۲۱/۳۰درصدکل‌زمین های‌مزروعی را دراختیار دارندیعنی بطورمتوسط هرخانوار ۱۳۵هکتارزمین دراختیاردارد .

ازسوی دیگر ،باز طبق آمار موجود ،درسال ۵۹ "یعنی ۲سال‌پس ازانقلاب)از ۱۵میلیارددلار واردات، ۱۰/۵میلیارد دلار آن به بخش خصوصی متعلق بوده‌است .به عنوان یک‌نمونه‌از این اقلام ،قابل ذکراست که‌کل‌آهن‌وارداتی کشور به بهای ۲۰ میلیاردتومان (که‌درداخل‌کشور به چندین برابر فروخته می‌شود)توسط ۱۰ تاجر بزرگ به‌کشور وارد می شده است .به‌عبارت‌دیگرمشتی سود جو، هنوز بر شریان‌های اصلی‌حیات اقتصادی‌کشورماتسلط دارندو باایجاد گرانی‌سرسام‌آوردسترنج‌ناچیزمیلیونها ایرانی‌زحمتکش‌راغارت‌می‌کنند .

این‌آمار ما را از هر توضیح دیگری بی‌نیاز می‌کند .تصویب و اجرای‌قانون اصلاحات‌ارضی بنیادی، که‌بزرگ‌مالکی رابطورکامل از حیات اقتصادکشاورزی مابراندازد وتصویب واجرای‌قانون ناظر به اصل‌قانون اساسی درمورددولتی کردن کامل بازرگانی‌خارجی وکوتاه‌کردن دست گروهی سرمایه‌دار غارتگر، وظیفهٔ اساسی وتأخیرناپذیر دولت‌جدید است وماامیدواریم همانگونه که‌نخست وزیرجدیدتصریح‌کرده‌است ، هر چه زودتر تحقق‌بپذیرد .

سیاست خارجی

تحرک فزونتر و روشنی بیشتر

سیاست‌خارجی‌هرکشورکه‌دنباله ومکمل‌سیاست داخلی‌است نشان‌می‌ـ دهدکه‌یک‌کشور،در کدامیک" از دو جبههٔ جهانی،جبههٔ امپریالیسم ، سرمایه‌داری ،غارت و زور و یا جبهه ضدامپریالیستی ، ضدسرمایه‌داری‌قرار دارد .یکسیاست‌خارجی‌انقلابی ، نه فقط جبههٔ دوم رابرمی‌گزیند ، بلکه دربرقراری پیوند هرچه مستحکمتر با عناصر شرکت کننده دراین‌جبهه‌می‌ـ کوشد .چنین‌برخوردی‌نه‌تنها بخاطر محتوای ضدامپریالیستی وانقلابی‌این سیاست‌خارجی ،بلکه‌همچنین بدین جهت است که هیچ انقلابی‌اگر از پشتیبانی فعال جبههٔ ضد ـ امپریالیستی بهره‌نگیرد و از توانائی استعدادجلب پشتیبانی وهمکاری وسیع‌ترین نیروهای ممکن ،عاری‌باشد، درمقابل‌جبهه قدرتمند ومتشکل و توطئه‌گر امپریالیستی ، باشکست‌مواجه خواهدشد .

به‌همین دلیل است‌که عوامل امپریالیسم ولیبرال‌های سازشکاربیش از ۲ سال از فعال شدن‌سیاست‌خارجی جمهوری‌اسلامی‌ایران درجهت مثبت ، ضدامپریالیستی وانقلابی ،مما نعت کردند .

خوشبختانه از زمان سقوط بنی صدر تابحال ،سیاست‌خارجی‌جمهوری اسلامی‌ایران ،گام‌های جدی ومثبتی‌در جهت شناخت‌جبههٔ متحدان‌ودشمنان خویش درعرصهٔ جهانی و بر قراری پیوندهاو روابط‌رو به گسترش با پشتیبانانش برداشته است .

انقلاب‌ایران‌که باتوطئهٔ مشترک اردوگاه سرمایه‌جهانی ،به رهبری امپریالیسم‌آمریکا روبروست ، نیازمند آنست که ازیک سیاست‌خارجی روشن وفعال بهره‌گیرد .گام‌های مثبت‌گذشته درشناخت دوست ودشمن بایدهر چه سریعتر باگام‌های‌بلندبعدی تکمیل‌شود. دولت‌جدید باید باجدیت از امکانات بینهایت‌مساعدی که بسودانقلاب‌ایران در پشتیبانی گسترده وبیدریغ جبهه پایداری و اردوگاه. سوسیالیستی از آن، متجلی است بهره‌گیرد .حل‌هرچه سریعتر و واقع‌بینانه‌تر مسئلهٔ‌افغانستان که همچون انقلاب‌ایران ،باتوطئه های ضدانقلابی ازجانب آمریکا ،چین و پاکستان‌مواجه‌است‌ازجمله این وظایف است .

سیاست داخلی

سرکوب قاطع ضد انقلاب

واجرای اطلاعیه ده ماده‌ای

همانگونه‌که‌آقای موسوی‌درمصاحبه با "جمهوری‌اسلامی "مورخ۹آبان‌ماه ۶۰، تأکیدکرده‌است‌سیاست داخلی دولت جدید بایدبر اساس "جذب نیروها ی معتقد ومومن به انقلاب برای نوسازی سراپای جامعه ،تعیین گردد .برای تحقق‌این‌مقصودلازم‌است که درکنار افشاء ،طرد و سرکوب ضدانقلاب از تروریست‌های اقتصادی گرفته تاعوامل توطئه‌گرساواکوبمب‌گذاران‌وتروریست ـ های جبههٔ براندازی، آزادی فعالیت کلیه نیروهای سیاسی مدافع و مومن به انقلاب ،صرفنظر از عقاید مسلکی و مذهبی آنها ،تضمین‌گردد و مطابق قانون‌اساسی ،امنیت شغل ،کار ،زندگی وفعالیت‌سیاسی برای آنها تامین‌شود . چنین‌سیاستی که‌مدتهاست‌اجرای آن بدلیل‌فعالیت‌های‌تنگ‌نظرانه‌وانحصار ـ طلبانه ،معوق‌مانده‌است ، نه فقط از کلیه نیروهای مدافع انقلاب برای نوسازی‌جامعه بهره خواهدگرفت ،بلکه همچنین راه را برای بازگشت‌نیروهای فریب‌خورده وآلت‌دست جبههٔ برـ اندازی باز خواهد کرد وآنها را از تنگنای جنون ودیوانگی که مطلوب دشمن است ، بیرون خواهدآورد .

آقای موسوی خودپیش ازانتخاب شدن به‌مقام‌نخست‌وزیری ،درمصاحبه‌ـ ای بانیویورک‌تایمز ،تاکیدکرد که در جمهوری اسلامی ایران‌آزادی فعالیت سیاسی برای کلیه‌گروههائی که به‌قانون احترام‌می‌گذارند ،تامین‌است . دولت جدید باید‌به‌این‌سخن‌درست‌ومسئولانه جامهٔ عمل بپوشاند .

مردم‌ایران ،چنانکه تاکنون بارها نشان‌داده‌اند ،آماده‌اند که‌ازسیاستی که درجهت تحقق اهداف ضد ـ امپریالیستی ومردمی انقلاب‌اسلامی ایران‌باشد ،باتمام‌نیرو پشتیبانی‌کنند. دولت‌جدید فرصت‌مناسبی برای‌جلب این‌پشتیبانی مردم به‌منظور تحقق‌این هدف‌های والا بدست‌آورده‌است ، که باید از آن به‌حداکثر استفاده‌کند .

شعار میلیونی...

بقیه از صفحه ۱

دراین روزانبوه پرتلاطم مردم وبه ویژه دانش آموزان درصفوف فشرده با دادن شعارهایی علیه امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی انقلاب ، حمایت ازرهبر انقلاب امام خمینی وستایش ازاقدام تاریخی دانشجویان مسلمان پیروخط امام به سوی لانهٔ جاسوسی حرکت کردندتاضمن گرامیداشت خاطره شهدای ۱۳آبان ۵۷ ، ازاقدام قهرمانانه انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام تجلیل به عمل آورند .

گزارشگران "اتحادمردم "که در این مراسم حضور داشتند در گزارشی می نویسند ، "جوانان پرشور از نقاط مختلف تهران درصفوفی یکپارچه وبا عزمی استوار بسوی لانه جاسوسی بحرکت درآمدند .آنها شعار می دادند :

ـ خمینی رهبر ماست ، آمریکا دشمن ماست .

و

ـ معلم ، محصل پیوند باخمینی ، نبرد باآمریکا

ـ برپا ، برپا ، بامسلسل ها ، سوی آمریکا

این گزارش همچنین حاکی است که هرگروهی ازتظاهرکنندگان عروسکی از عموسام رادرحالی که بهدارآویخته شده بود ، حمل می کرد ، نیزپرچم هایی از ستاره هاونوارهارا برروی زمین میکشیدند ودرحالی که آنهارالگدمال می کردند شعار می دادند :

ـ "مرگ برآمریکا دشمن اصلی ما "

جوانان ودانش آموزانی که بهمنظور شرکت دراین جشن عظیم ضد امپریالیستی بسوی لانهٔ جاسوسی حرکت می کردند ، پلاکاردهایی نیز در دست داشتندکه بر روی آنها سخنان امام خمینی واز جمله این سخنان نوشته شده بود :

ـ "دشمن شماره یک ماآمریکاست ".

ـ دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانهٔ جاسوسی رااشغال کردند ، خلق را سرفراز کردند :

ـ هرچه فریاد دارید برسر آمریکا بکشید .

در مراسم پر شور مقابل لانهٔ جاسوسی پیام انجمن های اسلامی دانش ـ آموزان ونیزقطعنامه مراسم قرائت شد . دراین قطعنامه ضمن تاکید برحمایت از رهبری قاطعانه امام خمینی توطئه ها و دسایس امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران محکوم شد .

"ما دانش آموزان ضمن قدردانی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که با عمل انقلابی خودواشغال لانه جاسوسی ستون پایه های انقلاب دوم را بنا نمودند ، باردیگرترفندهای جدیداستکبارجهانی رابه سرکردگی آمریکای جنایتکار من جمله فروش هواپیماهای آواکس را در مقابله باانقلاب اسلامی ایران محکوم می کنیم ".

پس از آن حجت الاسلام خوئینی ها که دراشغال لانه جاسوسی آمریکا نقش برجسته ای داشت ، درمیان "۱۳ "بارشعار "مرگ برآمریکا "ونیزشعار "روحانی خط امام برتودرود برتوسلام " درپشت تریبون قرارگرفت .

حجت الاسلام خوئینی ها درآغاز سخنان خود به تاریخچهٔ وقایع ۱۳ آبان ۱۳۴۳ اشاره کرد و تصویب کاپیتولاسیون ، را رسمیت دادن به سند بردگی ملت ایران به آمریکا خواند . وی اظهارداشت . امام خمینی درمخالفت با این سند بردگی ، وسلطه آمریکا برایران ، علیه دربارشاه به مبارزه برخاست و بدین سان "مبارزه علیه آمریکا آغاز شد ... امام فریاد می زدکه مسلمانیم و طرفداراسلامیم وآمریکا مخالف اسلام است".

حجت الاسلام خوئینی ها دربخش دیگری ازسخنان خود به اثرات اشغال لانهٔ جاسوسی آمریکا اشاره کرد و گفت .

"تمامی خطوط انحرافی و فرعی مبارزه درهم شکست ، خط گرایش به غرب خط گرایش به آمریکا یا خط سازش باآمریکا ، باافشای اسناد لانه جاسوسی رسواشد وبرای همیشه ازصحنه سیاسی ایران بیرون رانده شد ".

حجت الاسلام خوئینی ها سپس به مخالفت ها ودشمنی هایی که نسبت به مبارزه ضدآمریکایی درایران وبخصوص موضع قاطعانه ضدآمریکایی امام خمینی اعمال می شداشاره کردوتصریح نمودکه : "درتمام طول این ۱۸ سال ، در راس همه مخالفین امام ، آمریکا بوده است". وی همچنین گفت : "آیاممکن است کسی مخالف با امام باشد ، ولی ازعمال آمریکا نباشد ". آنگاه درخصوص برخی ازمخالفان امام که مسلمان نیز هستند مطالبی بیان داشت وگفت .

"گروههای سیاسی مسلمانی بودند ، نمازخوان بودند ، روزه بگیر بودند ، اما با امام مخالف هم بودند . درآن روز شاید اکثریت این ملت نمی توانست درست بفهمدکه چرا جمعی هم مسلمان اندوهم با امام مخالفند . اما در ۱۳ آبان ۵۸ معلوم شد چرا با امام مخالف بودند ... کسانیکه در ۱۳ آبان ۴۳ با مبارزه امام علیه آمریکا مخالفت می کردند ، در ۱۳ آبان ۵۸ نیز با اشغال لانه جاسوسی به مخالفت برخاستند ".

حجت الاسلام خوئینی ها در پایان سخنان خود با اشاره به جبهه متحد ضدانقلاب ، چنین گفت :

"سازمان منافقین و همهٔ آن دستگاههای مرعی ونامرعی ، گروه های سیاسی با نام های مختلف با اسامی اسلامی وغیراسلامی که امروز همه وهمه دریک صف واحد . دریک جبههٔ متحد ضدانقلاب راتشکیل داده اند ، ازآغاز مبارزات امام ، باامام مخالفت کردند ، تاامروزهم مخالفت می کنند و درکنار آنان ، اربابشان ویار همیشگی شان آمریکا نیزهمچنان بهمخالفت با امام ادامه داده است وادامه خواهد داد . آمریکا برای همیشه امام رادشمن سرسخت وسازش ناپذیرخودمی داند ".

درمراسم مقابل لانه جاسوسی ، باردیگرپرچم آمریکا به نشانه عزم قاطع مردم انقلابی ایران به مبارزه باشیطان بزرگ تا به آخر ، به آتش کشیده شد .



درهفته‌ای که گذشت:

اصلاحات ارضی سرانجام به مجلس می رود

هفتهٔ گذشته آقای محمدسلامتی وزیر کشاورزی اعلام کرد : " به دنبال تصویب در هیات دولت ، لایحه اصلاحات ارضی با قید دو فوریت به مجلس می رود ... " (اطلاعات ـ ۱۰ آبان ۱۳۶۰) .

این خبر ، گرچه کمی دیر اما سرانجام نویدبخش حل یکی ازاساسی ـ ترین مشکلات جامعهٔ ماست که بیشتر ازیک سال است در جامعهٔ ما بصورت محورمبارزه ای جدی وبسیارتاثیر بخش درآمده است . ما هم مانند همهٔ مردم ایران امیدواریم لایحه اصلاحات ارضی دراین هفته به مجلس شورای اسلامی برودو با تصویب آن زمینه برای ریشه کنی ظلم فئودالی و بزرگ مالکی که یکی ازپایگاههای عمده امپریالیسم جهانی است ، آغاز شود .

آواکس های عربستان برای دفاع ازمنافع آمریکا !

سرانجام ، بعدازخیمه شب بازی مفصل ونمایش مضحکه "آزادی آمریکایی " "فروش آواکس های آمریکایی به عربستان سعودی تصویب شد . همزمان با پایان این بازی ، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا گفت : "کمک نظامی آمریکا به عربستان ، به آمریکا در جهت دفاع از منافعش در خلیج فارس کمک خواهد کرد " (جمهوری اسلامی ـ ۱۳ آبان ۶۰)

روزنامهٔ واشنگتن پست هم درمقاله ای ، تحت عنوان "آواکس های سعودی آغازی بریک استراتژی جدید "نوشت : " تصمیم دولت ریگان مبنی بر فروش هواپیماهای "آواکس " به پادشاهی سعودی تنها آغاز "طرح گسترده نظامی آمریکا "درخاور ـ میانه ، جهت محافظت از منافع آمریکا در مناطق نفت خیزخلیج فارس است " . (همانجا)

براساس نوشته واشنگتن پست این طرح که فروش آواکس ها تنها بخشی از آن است "کشورهای قطر ، بحرین ، کویت ، عمان وبرخی از دیگرکشورهای منطقه را دربرخواهد گرفت " (همانجا) . وطبق معمول که : "گسترش نفوذ شوروی در منطقه بهانه ایست که آمریکا برای گسترش شبکه پایگاههای خود بکار ببرد " (جمهوری اسلامی ـ ۱۳ آبان ۶۰) طرح یادشده زیر پوشش "خطرشوروی " به مرحلهٔ اجرا درخواهدآمدوهدف آن را خنثی ساختن و از بین بردن هر نوع آشوب داخلی و هرنوع حمله خارجی که منابع حیاتی نفت آمریکا و غرب را تهدیدکند " . (همانجا)

امپریالیسم خونخوار آمریکا با استفاده از این طرح درحالیکه وقیحانه همهٔ مناطق نفت خیز خلیج فارس را "منابع حیاتی آمریکا وغرب "می نامد ، آماده می شود تا تهاجم گسترده ای را علیه خلق ها وکشورهای منطقه ودر راس آنها ایران انقلابی آغازکند .

سرلوحهٔ سیاست خارجی

پاسخ به این توطئهٔ شوم آمریکا و متحدان آن ، این بخش ازاعلامیه وزارت امورخارجه ایران است که به مناسبت سیزدهم آبان درهفته گذشته منتشر شده است : "وزارت امور خارجه اعلام می دارد که این خط یعنی ستیز علیه استکبارجهانی را در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دنبال خواهدکرد وعصیان علیه آمریکای ام ـ الفساد قرن وضربه زدن به منافع آن و اذناب خونخوارش را درهرکجای جهان سرلوحه جهت گیری سیاست خود قرار خواهد داد " (جمهوری اسلامی ـ ۱۳ آبان ۱۳۶۰)

قرارگرفتن مبارزه باآمریکا در سرلوحه سیاست خارجی همه کشورهای مترقی واتحادآنها با یکدیگر در جبههٔ واحد . بااستفاده از امکانات جهانی پوزهٔ آمریکایی ها را بخاک خواهدمالید . لشکرکشی های آنها را رسواخواهدکرد .

تروریست های اقتصادی فعالند

"صدهاکیلومرغ و ماهی فاسد نیمه شب گذشته توسط پاسداران گشت ستادبسیج مسجدالمصطفی درجوی آب خیابان قوام سابق کشف شد " (کیهان ـ ۱۲ آبان ۱۳۶۰) .

این نمونه تازه ای است ازداستان مکرروبیرانگری اقتصادی که شواهد آن در روزنامه ها کم نیست . این اخبار به اضافه خبردیگری درهمین زمینه که حکایت ازنابودی هزاران سرم غذایی داشت نشان می دهدکه تروریست های اقتصادی در ابعاد وسیع به فعالیت خودادامه میدهند . تنهامبارزه قاطع و بنیادی پاسخ جدی وعملی به آن تروریست های خطرناکتر ازتروریست ـ های سیاسی است . دراین روند بایداز دولتی کردن بازرگانی خارجی نام برد که هنوز درکمیسیون داخلی مجلس شورای اسلامی مطرح است .

مائوئیسم: گامی فراترازخیانت

در روزهای اخیر مائوئیسم به همت رهبران پکن گامی فراتر ازخیانت برداشت . بدنبال دیدار زائوزیانگ نخست وزیر رژیم چین با شاهزاده فهد ولیعهد عربستان سعودی در کنفرانس ماه گذشته کونکون درمکزیک ، پکن رسما اعلام داشت : ازتصمیم واشنگتن برای فروش هواپیماهای آواکس به عربستان خرسنداست . چین با این تصمیم ، خرابکاری و جاسوسی و تهاجم آمریکا را علیه خلق های منطقه و جنبش های آزادیبخش ضدامپریالیستی موردتاییدوحمایت قرارداد . برای خط خیانت به خلق ها ، چنین میوه های زهرآلودی چندان غیرطبیعی نیست .

آمریکا سرکرده بلامنازع تروریسم درجهان

"رئیس جمهور آمریکا رونالد ریگان می کوشد از خلال دعوت گمراه کننده اش در مورد مبارزه با اعمال تروریستی به کمک های نظامی به رژیم ـ های فاشیسم مآب جهان بیافزاید . دولت آمریکا که کشورهای دیگررا به اعمال تروریسم متهم می کند ، خود سرکردهٔ بلامنازع تروریسم در جهان است " (کیهان ـ ۱۲ آبان ۶۰) .

این واقعیت را "روبرت دیزل " رئیس کمیته قانون جنائی بین المللی درباره دولت آمریکا اعلام داشته است .

سئوالات مهم امام جمعه قم از انجمن "ضدبهائیت"

درنمازجمعه ۸ آبان ماه ، آیت الله جنتی عضوشورای نگهبان وامام جمعهٔ قم ، درخطبه های نمازجمعه ، سئوالات مهمی از "انجمن ضدبهائیت "مطرح ساخت که بعلت اهمیت این سئوالات ، ما به چاپ عین آنها اقدام می کنیم .

۱ـ شماقبل ازانقلاب ولایت فقیه راقبول نداشتیدوخارج ازانقلاب بودید ویامخالف انقلاب بودیدو یا بی تفاوت نسبت به انقلاب ، آیا شما خط عوض کرده اید ، یانه؟

۲ـ آیا حاضرید اعتراف کنیدکه خط سابقتان غلط بوده است ؟ اگر نه ، پس خط عوض نکرده اید . معلوم میشود تاکتیکی خط راقبول کرده اید ، در غیر این صورت چه اشکالی داردبه صراحت اعلام کنیدکه : قبل ازپیروزی انقلاب مصلحت می دیدیم که برکنار ازمسایل سیاسی باشیم . ماشاخه ها رابیشترمی ـ زنیم وانقلاب وامام ریشه ها رامی زدو ما اشتباه می کردیم ، اگر این اعتراف را کردید ، مابه صداقت شماپی می بریم .

۳ـ شماسابقادر رابطه با بهائیت کارمی کردیدومی گفتیداینها برای اسلام خطردارندوماهم می گفتیم که می دانیم خطر دارند و می گفتند که با اسرائیل مربوطند ، وماهم می دانستیم . هرچه شمامی گفتید ، ماهم قبول داشتیم و بعدمی گفتیم : بایدریشه های آنها را از بین برد ، لیکن شما شاخه وبرگ های آنها می بریدید . بسیار خوب حالافعلا ریشه برافتاد و امروز در جو نظام جمهوری اسلامی ، محلی ندارندوفضای جمهوری اسلامی به بهایی وضد اسلام ، مجال تنفس نمی دهد . شماالان رسالت ـ تان دراین تشکیلات چیست ؟ رسالت سابقتان محرز رسالت امروزتان چیست ؟

۴ـ علت اصرار شما براینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنیدواطلاعات را جمع آوری نمائیدبرای چیست ؟ به چه مناسبت ؟ شمامی خواهید در قسمت فرهنگی فعالیت نمایید یاسیاسی ؟

۵ـ دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را بهمراکز بهره وری وبهارگان های انقلابی نمی دهید ، چیست ؟ چرا اطلاعات را احتکار می کنید ؟ می ـ خواهید درانحصارشما باشد ؟ مگرسپاه ویا ارگانهای مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشندتاضدانقلاب راپیگیری نمایند ؟ چرا باسپاه بصورت کامل همکاری ندارید .

۶ـ آیاشمابه خودتان اجازه می ـ دهیدکه ازامکانات دولتی استفاده کنید ودر رابطه با استفاده (ازاین امکانات) مجوز قانونی وشرعی داریدیانه؟

۷ـ دلیل اینکه تمام تکیه تان روی ضدانقلاب چپ است و از ضدانقلاب راست غفلت می ورزید ، چیست ؟ مگر امام آمریکا راشیطان بزرگ نخواند ؟ مگر ما گرفتار آمریکا درنیم قرن اخیر نبوده ایم ، مگرجوانان ما بدست آمریکا کشته نمی شوند ؟ علت آنکه همه فشار ـ هایتان سمت دیگراست ، چیست ؟ در حالیکه شعارما (نه شرقی ونه غربی) است ، چرا شماشعارنه غربی راول کرده ـ ایدوشعارنه شرقی راچسبیده اید؟ با این که ما تائیدمی کنیم ، هردوبرای جامعهٔ بشریت خطر است . آیا ما نمی توانیم استنباط کنیم که خط همان خط سابق است ، که می گفت ، اینکه نباید درافتاد با این ابرقدرت هاوبی تفاوت بایدازآن گذشت ؟ این اصول سئوالاتی است که باید اینها به آن جواب بدهند .

۲۱ میلیارد تومان درآمد قاچاقچیان سیگار

وقتی سیگارهای "آزادی " و "بهمن " به بازار آمد . شبکهٔ بزرگ قاچاقچیان سیگار که بر بازار تسلط بی خدشه دارد ، با استفاده از شبکهٔ ضدانقلابی خود شایع کردکه درسیگار "آزادی "کافور وجود دارد و سیگار بهمن "سرطان زا "ست .

این درزمانی بودکه "ورود سیگار وینستون ممنوع وبصورت قاچاق درآمد ودرطرح تولیدسیگارهای آزادی وبهمن ، گسترش سطح زیرکشت توتون کشور از ۱۵/۵ هزار هکتار به ۳۰ هزار هکتار و خرید و تکمیل ماشین آلات مربوطه برای تولید داخلی آن نیز پیش بینی شدتاکشور رااز وروداین محصول درطی یک برنامه میان مدت ، بتدریج بی نیاز کند " (اطلاعات ـ ۱۸ آبان ۱۳۶۰) .

تروریست های اقتصادی هم برای اینکه مانع از خودکفائی ایران شوند و هم برای بردن سودهرچه بیشترشایعات یادشده را بر سرزبان انداختند . طولی نکشیدکه بازار از سیگار وینستون که گاه تابسته ای ۳۰ تومان هم بفروش میرسید اشباع شد ، درحالیکه سیگارهای بهمن وآزادی جزو کالاهای سهمیه بندی قرار گرفته بود .

قاچاقچیان که دارای " شبکه ای بین المللی ، گسترده ، سازمان یافته با شاخه های داخلی وخارجی " (اطلاعات ـ همانجا) هستند تنها درسال ۵۹ در حدود ۲۱ میلیاردتومان درآمدداشتند . درهمین سال درآمدشرکت دخانیات ایران ۳/۴ میلیاردتومان بوده است " . (اطلاعات ـ همانجا) .

این آمارنشان می دهدکه "چگونه آمریکا و طاغوتیان وابسته داخلی و خارجی آنها کممنافع خود رادرکشور ایران اسلامی ، ازدست داده اند ، هر روزبافریبی دیگر واز آستین چنین شبکه ـ هایی دوباره بهمکیدن خون محرومین وفعالیت های ضدانقلابی و ایجاد گسیختگیهای اقتصادی مشغول هستند" (اطلاعات ـ همانجا)

این آمارحیرت آور همچنین نشان می دهدکه چگونه مبارزه قاطع و فوری با این شبکهها یعنی درواقع مبارزه با تروریسم اقتصادی در دستور روز قرار دارد .

وقایع مهم جهان در یک هفته

آمریکا جای اسرائیل را در سینا می‌گیرد

ریگان، رئیس جمهور آمریکا، به اسرائیل اطمینان داد، که ایالات متحده به تعهد خود مبنی بر تامین برتری نظامی اسرائیل نسبت به کشورهای عرب وفادار خواهد ماند. این گفته را وزیر خارجهٔ اسرائیل در مصاحبه‌ای تلویزیونی خاطر نشان ساخت. به گفته وزیر خارجهٔ اسرائیل، ریگان پس از تصویب پیشنهاد فروش هواپیماهای "آواکس" به عربستان سعودی در سنای آمریکا، در نامه‌ای به بگین، نخست‌وزیر اسرائیل تعهدات آمریکا را یادآور شد.

وزیر خارجهٔ اسرائیل افزود که "پشتیبانی آمریکا از اسرائیل عنصری اساسی در قرارداد" فروش "آواکس" به عربستان سعودی است.

بعقیده "نیویورک تایمز" اسرائیل بزودی از ایالات متحده خواهد خواست، که کمک نظامی خود را به آن کشور افزایش دهد. این کمک هم اکنون بیش از ۲۰۰۰ میلیون دلار در سال است.

"حزب کمونیست ایتالیا" تصمیم دولت ایتالیا را درباره شرکت در به اصطلاح "سپاه چندملیتی" در سینا محکوم کرد و آن را بمنزله تائید "تبانی کمپ دیوید" خواند. "حزب کمونیست ایتالیا" در بیانیه‌ای در این باره شرکت ایتالیا را در "سپاه چندملیتی" سینا "اقدامی خصومت‌آمیز در برابر اکثریت بزرگ کشورهای عربی و خلق فلسطین" نامید. بعقیده کمونیست‌های ایتالیا، این تصمیم "تشنج را در خاورمیانه گسترش خواهد داد و به زیان ایتالیا خواهد بود".

ایالات متحده آمریکا فشار خود را بر متحدان اروپای غربی خویش برای شرکت در به اصطلاح "سپاه چندملیتی" سینا افزایش بخشیده است.

یکی از هدف های این "سپاه" گسترش پوشیده حضور نظامی آمریکا در خود مصر است. در واقع اشغالگران آمریکایی جانشین اشغالگران اسرائیلی خواهند شد.

۸/۶ میلیون بیکار در "اروپای کوچك"

گزارش‌های رسیده از بروکسل حاکی است، که در کشورهای عضو "بازار مشترک" بیکاری به مرز ۸۶۰۰۰۰۰ نزدیک می شود. در سال ۱۹۸۰ در مقایسه با سال ۱۹۷۹ تولید صنعتی در کشورهای "اروپای کوچک" ۸/۰ درصد کاهش یافت. اکنون تولید کارخانه‌های "بازار مشترک" تنها ۷۵% ظرفیت آنها را تشکیل می دهد.

عرفات:

اسرائیل حمله گسترده‌ای را به لبنان تدارك می بیند

دایره اطلاعات "سازمان آزادیبخش فلسطین" "مدارکی در دست دارد، که بر پایه آن سازمانهای جاسوسی اسرائیل در عملیات تروریستی در لبنان شرکت مستقیم می جویند. این مطلب را نشریه "الکفاح العربیه" (لبنان) درج کرده است. بنوشته این نشریه، نهادهای امنیتی "سازمان آزادی بخش فلسطین" در حدود پنجاه نفر را دستگیر کرده اند، که به همدستی خود با "تل آویو" اعتراف نموده اند.

بگفته یاسر عرفات، رهبر "سازمان آزادی بخش فلسطین" "اسرائیل تجاوز گستردهٔ دیگری را علیه لبنان تدارک می بیند. وی افزود، که چهار لشگر اسرائیل نزدیک مرزهای لبنان تمرکز یافته اند. هدف اصلی چنین تجاوزی جنبش مقاومت فلسطین خواهد بود.

برژنف در مصاحبه با "اشپیگل":

پیشنهاد می کنم از آغاز مذاکرات آمریکا - اتحاد شوروی موشك جدیدی در اروپا مستقر نشود

لئونید برژنف، رهبر شوروی، گفت که اتحاد شوروی "برای مذاکرات صمیمانه درباره موشک های هسته‌ای میان برد در اروپا با ایالات متحده آماده است ولی هرگونه تلاش "واشنگتن" را برای تحمیل یکطرفه منافع خود در این گفتگوها مردود می شمرد.

برژنف در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه "اشپیگل" (آلمان غربی) افزود، که "واشنگتن" در آستانه مذاکرات میان آمریکا و اتحاد شوروی "شرایطی را می خواهد تحمیل کند، که درواقع، به خاطر جلوگیری از این گفتگوها علم می شود. ایالات متحده می خواهد مذاکرات را به موشک های میان برد اتحاد شوروی محدود سازد و از انضمام سلاح‌های آمریکا در خط مقدم جبهه خودداری ورزد".

بگفته لئونید برژنف:

"اتحاد شوروی معتقد است که هدف مذاکرات آینده باید پایین آوردن سطح رویارویی بر پایه رعایت اصل برابری و امنیت برابر طرفین باشد".

دبیر کل کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت که "اتحاد شوروی حاضر است شماره موشک‌های خود را تقلیل دهد و دربارهٔ کاهش اساسی موشک‌های دو طرف به توافق برسد. تنها شرط آنست که ایالات متحده موضعی خردپسندانه اختیار کند و از نقشه‌های "ناتو" درباره موشک های جدید صرفنظر شود".

برژنف پیشنهاد کرد که با آغاز مذاکرات در ۹ آذر ۶۰ (۳۰ نوامبر ۱۹۸۱)، دیگر موشک میان برد جدیدی در اروپا استقرار نیابد.

وی همچنین خواستار ادامه گفتگو درباره تحدید جنگ‌افزارهای استراتژیک شد، که ایالات متحده یکجانبه انرا قطع کرد.

مصاحبه برژنف با "اشپیگل" با واکنش گسترده و مثبت محافل مترقی و واقع بین را در سراسر جهان در پی داشت.

"دیپلمات"های آمریکا درکابل در رهبری ضد انقلاب شرکت دارند

"پراودا" "از ایالات متحده آمریکا وچین خواست تا از جنگ اعلام نشده خود علیه افغانستان دست بردارند، این روزنامه در تفسیری نوشت:

"هدف آنها آنست که روند تثبیت حکومت مردمی در آن کشور عقیم بماند و اقتصاد آن فلج گردد".

بنوشته "پراودا":

"باندهای تروریستی، که از خارج رهبری می شوند، غیرنظامیان را میکشند ومدارس و بیمارستان‌ها را به آتش می‌کشانند. منابع امپریالیستی پشتیبانی نظامی و مالی خود را از این باندها، که در پاکستان مستقرهستند، پوشیده نمی دارند. مقامات امنیتی افغانستان به مواردی برخورده اند، که از سلاح های سمی ساخت آمریکا استفاده می شده است.

"پراودا" ضرورت حل مسئله پیرامون افغانستان را از راه سیاسی اشاره می‌کند و در این زمینه پیشنهادهای سازنده رهبری افغانستان را یادآور می شود.

ازسوی دیگر، شاه‌محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، گفت که نیروهای مسلح افغانستان کاملا مسلط بر اوضاع کشور هستند.

شاه‌محمد دوست درمصاحبه‌ای با "خبرگزاری فرانسه" اظهار داشت:

"بیشتر مردم از سیاست رهبری کشور پشتیبانی می‌کنند. در نتیجه عملیات مشترک نیروهای مسلح، نهادهای امنیتی و مردم، هزاران تن از اشرار خلع سلاح شده اند. اما باندهایی، که از پاکستان به افغانستان رخنه می‌کنند، در اینجا و آنجا هنوز به اجرای نقشه‌های تروریستی و خرابکارانه موفق می‌گردند".

دبیرکل "کنگره سراسری سندیکا‌های هند"، ایندراجید گوپتا، مداخلهٔ ایالات متحده آمریکا، چین و پاکستان را در امور داخلی افغانستان محکوم کرد.

بگزارش رادیو کابل، مقامات امنیتی به تارومار گروهی از اشرار ضد انقلابی، که سلاح‌های آمریکایی، چینی و پاکستانی در اختیار داشتند، موفق شدند. یک سخنگوی ارگانهای امنیتی از شرکت چند "دیپلمات" آمریکایی در کابل در رهبری دسیسه‌های ضدافغانی سخن گفت. این دیپلمات نماها جاسوسان "سیا" هستند.

شکستن بزرگترین تهاجم "خونتا"ی السالوادور علیه انقلابیون

بگزارش "رادیوون سرموس" در السالوادور بزرگترین عملیات سال کنونی میلادی "خونتا" و سربازانش علیه انقلابیون با شکست پایان یافت.

دوهفته تمام، نیروهای ویژه و سربازان "بره‌سبز" آمریکایی به تهاجمی در مناطق جنوبی السالوادور دست زدند. ولی علیرغم حملات شدید هوایی و زمینی نیروهای "خونتا" ومشاوران آمریکایی آنها، انقلابیون همچنان مواضع خود را حفظ کرده اند.

دراین میان، ارتش "خونتا" ومشاوران آمریکایی "عملیات تنبیهی" دیگری را در استان کوس‌کاتلان آغاز نمود. بگزارش "پرنسالاتینا" دهات این استان بمباران شده و به هلاکت بسیاری از کودکان، زنان وپیران انجامیده است.

"خونتا" در دوران حکومت دوساله خود بیش از ۳۰ هزار السالوادوری راکشته است.

اخطار شدید پارلمان لهستان به ضد انقلابیون

پارلمان لهستان در قطعنامه‌ای بر اهمیت هم پیمانی های کشور و دوستی با اتحاد شوروی تاکید ورزید. این قطعنامه اقدامات ضد شوروی را محکوم می سازد آنها را "مغایر با منافع مردم لهستان" می خواند.

پارلمان لهستان همچنین خواستار پایان فعالیت‌هایی شد، که نظم وقانون را در کشور برهم می‌زند و بویژه خواهان خاتمه فوری همه اعتصابات ویرانگر گشت. پارلمان لهستان خاطرنشان می سازد:

"امروزه دیگر ضرورتی برای دست برداشتن از کار و به راه انداختن تظاهرات نیست. چه بدین ترتیب کشور در برابر وضعی خطرناک قرار خواهد گرفت".

پارلمان لهستان دولت و مقامات قضائی و اجرایی را فرامی خواند تا با هرج ومرج‌طلبان طبق قانون، رفتار شود و می افزاید چنانکه این فراخوان بی نتیجه بماند وموجودیت کشور به خطر بیفتد، به دولت اختیار خواهد داد تا اقدامات شایسته را اتخاذ کند.

در ورشو، گروه بزرگی از کارگران، دانشمندان، نویسندگان ومسئولان حزبی و اجتماعی فراخوانی خطاب به مردم لهستان صادر کردند. در این فراخوان آمده است:

"ارتجاع داخلی، که از پشتیبانی کانون‌های ضدکمونیستی خارجی برخوردار است، با فعالیت‌های خرابکارانهٔ خود منافع حیاتی کشور را به خطر انداخته است".

این فراخوان از مردم لهستان دعوت می‌کند، که "از دوستی با کشورهای سوسیالیستی، بویژه با اتحاد شوروی، به پاسداری بپردازند".

امضاکنندگان فراخوان نامبرده از مقامات دولتی می‌طلبد، تا با قانون‌شکنان قاطعانه رفتار کنند.

هیگ:

جنگ هسته‌ای در اروپا ممکن است

"هفته جهانی مبارزه در راه خلع سلاح"، که به ابتکار "شورای جهانی صلح" و "اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل" فراخوانده شده بود، با شرکت صدها هزار نفر پایان یافت.

تظاهراتی، که به این مناسبت در اروپا صورت گرفت، در تاریخ پس از جنگ دوم جهانی بی سابقه بوده است. گردهمآیی‌های مشابهی نیز در دیگر نقاط جهان برگزار شد.

"فدراسیون سندیکایی جهانی" خواهان مبارزه گسترده‌تر با دسیسه های نظامی ایالات متحده وناتو و در راه صلحی ایمن‌تر گردید. در بیانیه ای، که از طرف "فدراسیون سندیکایی جهانی" در پراگ انتشار یافت، می خوانیم:

"میلیونها تن در سراسر جهان، به ویژه در اروپا، در مبارزه توده‌ای علیه مسابقه تسلیحاتی شرکت دارند. این مبارزه بویژه پس از گفته پرزیدنت ریگان که گویا "جنگ هسته‌ای محدود در اروپا امکان پذیر است"، دامنه بیشتری گرفت.

"فدراسیون "زحمتکشان اروپای غربی را فراخواند تا "مبارزه خود را علیه تبدیل کشورهایشان به پرتابگاه‌های موشکهای آمریکایی گسترش دهند".

الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا، تائید کرد، که کشورش نقشه ای دارد، که بر پایه آن "می توان" جنگ هسته‌ای محدود را در اروپا براه انداخت وی درسخنرانی در سنای آمریکا گفت:

"ایالات متحده قادر است. به ضربه بازدارنده هسته‌ای دست بزند".

ازسوی دیگر، هلموت اشمیت صدراعظم آلمان فدرال، گفت:

"اطمینان دارم که موافقت قابل اطمینانی درباره نظارت بر جنگ افزارها می تواند با اتحاد شوروی حاصل شود".

صدراعظم آلمان غربی در مصاحبه‌ای با تلویزیون "آ. ار. د." آن کشور خاطرنشان ساخت، که اتحاد شوروی "همیشه به قراردادهایی، که امضاء می‌کند، کاملا وفادار می‌ماند".

آمریکا درصدد حمله به کوبا، نیکاراگوئه و السالوادور است

نمایندگی کوبا در سازمان ملل این خبر رسمی آمریکا را، که گویا ۵۰۰ سرباز کوبائی برای گسیل به السالوادور وارد نیکاراگوئه شده اند، تکذیب کرد.

بیانیه نمایندگی کوبا یادآور می شود، که "این جعلیات جدید با تهدیداتی علیه کوبا همراه است".

روزنامه کوبائی "گرانما" خاطرنشان می سازد، که هدف از کارزار نامبرده تدارک مداخله‌ای نظامی است.

از سوی دیگر، بگزارش "نیویورک تایمز"، دولت آمریکا نقشه اقدام مسلحانه‌ای را علیه کوبا، نیکاراگوئه و السالوادور بررسی می کند.

این روزنامه، به نقل از محافل رسمی، می افزاید، که این نقشه قرار است برای مطالعه به ریگان ارجاع شود. نقشه نامبرده محاصرهٔ نیکاراگوئه و تشدید محاصرهٔ سواحل کوبا را دربر خواهد گرفت. نقشه آمریکا همچنین حمله مسلحانه آمریکا و پاره‌ای از کشورهای ارتجاعی آمریکای لاتین را به کوبا پیش بینی می کند.

نقص فنی سبب شد که زیردریایی شوروی در آبهای سوئد به گل بنشیند

بگزارش خبرگزاری "تاس"، یک زیردریایی دیزل اتحاد شوروی در جریان مانوری در دریای بالتیک در سواحل جنوب شرقی سوئد به گل نشست این زیردریایی بعلت نقص تجهیزات فنی و شرایط نامساعد دید از مسیر خود منحرف شده بود.

مقامات سوئدی و شوروی به مذاکره درباره خروج این زیردریایی نامبرده از آبهای سوئد پرداختند. روز جمعه ۱۵ آبان ۶۰، زیردریایی به مقامات شوروی بازگردانده شد.

لیبی نیروهای خود را از چاد فرا خواند

گوکونی اوئدی، رئیس جمهور چاد، در اجلاس سران ۲۹ کشور آفریقایی و فرانسه در پاریس گفت، که لیبی نیروهای خود را از چاد فراخوانده است. نیروهای لیبی نزدیک به ۱۱ ماه پیش بدرخواست دولت قانونی چاد برای مقابله با شورشیان وارد آن کشور شده بودند. کنفرانس سران آفریقایی در پاریس خواهان کمک به گسیل "نیرویی میان آفریقایی" برای جایگزینی نیروهای لیبی در چاد شد.

پوزش از خوانندگان

بعلت تراکم مطالب بقیهٔ مقالهٔ "متحدان بنی‌صدر..." درشمارهٔ آینده دنبال خواهد شد.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
آدرس: تهران، منطقهٔ ۱۳ پستی
صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷